هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۱۶ اسفند ۱۴۰۳
۱۲ صفحه
شماره ۴۰۰۶
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

@haftsobh @haftsobh_news www.7sobh.com

با یک بار شارژ چقدر می‌توان رفت؟

درباره مدل جدید هیوندای توسان که از اتومبیل‌های محبوب اروپا و آمریکاست صفحه ۰۶ را بخوانید

دختر را بگیر مادر را بکش!

پرونده‌ای برای اختلافات زناشویی که گاهی به جنایت علیه مادرزن ختم می‌شود

● صنم در بین رقبای بریتانیایی / نگاهی به اثر یک زن ایرانی که نامزد جایزه ادبیات داستانی زنان شده است ● حالا هی بیایید ماچ کنید! / پا را از گلیم درازتر کرده و درباره استیضاح اظهار نظر می کنیم ● شش پسربچه شرور پشت شیشه بانک / تبلیغات پرسروصدا درباره وام دانشجویی، وام فوری، وام بدون ضامن و تسهیلات قرض‌الحسنه، ودیعه مسکن و اعتبار خرید کالا، چگونه باعث سرخوردگی می‌شود ● بازاریابی یک وکیل کار دست مملکت داد / منبع شایعه شلاق برای رونالدو که بود؟ ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

ناصرخان بهتر بود یا احمدرضا؟

پاسخ یک پرسش قدیمی صفحه ۰۴

از کولاک فتاحی تا توبه گرگ

ترندهای موسیقی ۱۴۰۳؛ مرور همه ترانه‌های محبوب سال که نکات فراوانی را در خود دارند

در بسته آخر هفته بخوانید:

● موزه آبگینه (خانه قوام‌السلطنه)
معرفی خانه سیاستمداری که طی سی سال پنج بار نخست‌وزیر ایران شد

● و گُلش پونه شد روزگار
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، احد بابایی منیر، نادر نامدار و رضیه انصاری

● به دنبال استفاده از غیبت تراکتور
سپاهان و پرسپولیس، به دنبال نزدیک ترکردن خودشان به صدرنشین هستند

پزشکی بخوان بلاگری را هم ادامه بده

تعداد پزشکان اینفلوئنسر که از موضوعات درمانی و پرونده‌های بیماران تولید محتوا می کنند مدام بیشتر می‌شود

فاطمه رجبی | «سه تفاوت اصلی آموکسی سیلین و داکسی ساکین رو بگید. قبلا تو پست‌ها توضیح دادم»؛ این متن سوال استوری یکی از کاربران اینستاگرام است. او نزدیک به ۳ هزار دنبال کننده دارد و در صفحه‌اش درباره موارد مصرف داروها، تفاوت آنها، نحوه استفاده و... توضیح می‌دهد و البته درباره خاصیت‌های مختلف مواد غذایی و عوارض بعضی از داروها هم می گوید. اگر پزشکی باشید که به جای اینستاگرام سرتان در کار درمان و کتب آموزشی باشد احتمالا از خواندن اینها شاخ در می‌آورید اما تعجب‌تان را نگه دارید چون پزشک-بلاگرها نه تنها کم نیستند بلکه هر روز تعدادشان بیشتر هم می‌شود.

از شما بعید است

پزشکی را تصور کنید که در حال قدم زدن در حیاط بیمارستان است، دوربین او را که ظاهری بسیار آراسته دارد همراهی می کند. خانم پزشک با لحنی آرام و متاثر می گوید که در حال رفتن بالای سر بیماری است که برای او کد زده شده به علت سقوط از ارتفاع. بعد هم توضیح می‌دهد که وقتی کد برای یک بیمار اعلام می‌شود یعنی او به اکسپایر شدن (مرگ) نزدیک است و بعد برای شما می گوید که چطور هربار این اتفاق می‌افتد برای او تلنگری است درباره مرگ، درباره نزدیک بودن پدیده مرگ و ما تا چه اندازه باید حواسمان به اعمالمان باشد. در تمام این لحظات هم یک آهنگ غمگین در حال پخش شدن است. احتمالا بعد از تصور این ماجرا عصبانی می‌شوید و می گویید مگر مسیر حرکت به سمت بیمار در حال مرگ جای تولید محتوای پندآموز و فلسفی است؟ اگر بیمار عزیز من باشد آیا چنین آرامش و فکر کردن به تولید محتوا از جانب پزشک را درک می کنم؟ شاید باور کردنش برایتان سخت باشد اما این دقیقا یکی از تازه‌ترین ویدئوهایی است که پزشکی به نام شیما.ز با ۲۷۴ هزار دنبال کننده به تازگی در صفحه اینستاگرامش گذاشته. کلاز این دست ویدئوها در پیج خانم دکتر اصلا کم نیست اما این ویدئوها با وجود آزاردهنده بودن کمتر از گروه دیگری از ویدئوهای خانم دکتر نگران کننده هستند، ویدئوهایی با تیترهای نگران کننده مثل «سکسکه نشانه سکته قلبی» یا «خطر شوک آنافلاکسی با تزریق آمپول ویتامین دی». شنیدن این حرف‌ها از صفحات زرد با محتوای شبه علمی شاید خیلی عجیب به نظر نرسد اما این خیلی عجیب است که یک پزشک برای گرفتن ویوی بیشتر چنین تیترهایی را انتخاب کند و بعد محتوایی ارائه بدهد که در بهترین حالت فقط بخشی از واقعیت است و بیشتر گمراه کننده به نظر می‌رسد. نمونه‌هایی شبیه این خانم دکتر نه تنها به وفور دیده می‌شوند بلکه تعدادشان در حال بیشتر شدن هم هست.

پزشک دیگری به نام مهلا.م هم به فالوئرها یاد می‌دهد آزمایش‌هایشان را خودشان تفسیر کنند یا خانم مامای دیگری به نام محی‌الدینی که روش‌های پسرزایی و افزایش چربی ناحیه تناسلی را آموزش می‌دهد یا دکتر سرمدی که می گوید داروساز است و در کنار توضیح دادن کارکرد داروهای مختلف و رو کردن دست پزشکان، مکمل‌های خارجی گران قیمت هم می‌فروشد آن هم با نزدیک به ۱۰۰هزار دنبال کننده. جالب‌تر اما پیج‌هایی هستند که پزشکان آموزش بلاگری می‌دهند مثل اکانت سفیدپوش میلیونر که به آنها یاد می‌دهد چطور یک پزشک-بلاگر معروف و پرفالوئر باشند، البته خود این صفحه فقط ۱۱هزار دنبال کننده دارد. ادامه در صفحه ۰۳

به نام بازرگانان به کام گردشگری

در حالی که بخش بازرگانی کشور به تعطیلی شنبه اصرار داشت تا ارتباط تجاری با غرب راحت تر شکل بگیرد مجلس طرح تعطیلی پنجشنبه ها را تصویب کرد تا بخش گردشگری شادمان شود

نگین باقری | تا قبل از دیروز، رابطه تجاری ما با غرب برابر سه روز و نیم در هفته بود که بعد از درخواست‌های زیاد بخصوص از سوی بخش‌های بازرگانی، مجلس و دولت سال قبل تصمیم گرفتند آستین بالا بزنند و این تداخل روزهای تعطیل ما با روزهای کاری رایج در دنیا را اصلاح کنند. دیروز تصمیم مجلس بر این شد که همان ۴ ساعت کاری روز پنجشنبه هم لغو شود و این ارتباط سه روز و نیم به سه روز برسد. یعنی یک تاجر از امروز که تعطیل می‌شود دیگر دستش برای مراودات بین‌المللی به دستگاه‌های اقتصادی بند نیست تا ۴ روز دیگر.

قانون مدیریت خدمات کشوری می گفت که یک کارمند باید ۴۴ ساعت در ۶ روز هفته کار کند. ساعت کار معلمان و اعضای هیات علمی هم بر همین اساس نوشته می‌شد. در لایحه‌ای که دولت قبل به مجلس داده بود قرار شد این ۴۴ ساعت به ۴۰ ساعت برسد. همچنین مجلس باید تصمیم می گرفت که به انتخاب خودش یک روز به روزهای تعطیل کشور هم بیفزاید تا فرمول درست از آب دربیاید. حالا بعد از رفت و برگشت و تعلیق بسیار، دیروز در جلسه علنی مجلس، بهارستان‌نشین‌ها تصمیم گرفتند که ساعات کاری خود را در پنج روز هفته بین شنبه تا چهارشنبه تنظیم کنند. یعنی در صورت تائید شورای نگهبان با این لایحه، پنجشنبه‌ها تعطیل خواهد شد. شورای نگهبان هم مخالفتی نخواهد داشت چرا که نماینده‌های کمیسیون اجتماعی یک بار روی تعطیلی شنبه توافق داشتند که به دلیل ایراد شورای نگهبان و البته انتقادات شدید از سوی علمای قم، رد شده بود. همه این‌ها به زبان ساده یعنی اینکه کارمندان دولتی که به طور معمول ۶ روز در هفته (شنبه تا پنجشنبه) و هر روز حدود هفت و نیم ساعت (در مجموع حدودا ۴۴ ساعت در هفته) کار می کردند، حالا باید از شنبه تا چهارشنبه روزی هشت ساعت کار کنند. البته این تغییرات به معنای این نیست که حقوق کارمندان هم بالا یا پایین خواهد شد.

ایده تعطیلی دو روز در هفته از کجا آمد؟ اولین بار دولت مرحوم رئیسی قانون مدیریت خدمات کشوری را اصلاح کرد و در قالب یک لایحه به مجلس فرستاد. قبل از آنها اوایل دهه ۸۰ تا سال ۱۴۰۰ این موضوع دولت و مجلس باز هم مطرح شده بود اما هیچ وقت جدی گرفته نشد تا اینکه سخنگوی دولت قبل خبر داد که به خاطر رشد گردشگری و افزایش گشت و گذار خانواده‌ها، تصمیم گرفته‌اند ساعات کاری کارمندان را به همراه تعداد روزهای کاری کم کنند. آنها روز مشخصی را در لایحه تعیین نکرده بودند و مجلس بود که خلاقیت کار را باید به عهده می گرفت. کمیسیون اجتماعی ابتدا تصمیم گرفت که شنبه‌ها را به روزهای تعطیلی اضافه کند اما تعطیلی شنبه مخالفانی سرشناس در مجلس و خارج از مجلس داشت که عمدتاً روی دلایل مذهبی انگشت می گذاشتند. آن‌ها معتقد بودند شنبه روز تعطیلی یهودیان است و به همین دلیل برای ایران اسلامی زیبنده نیست. با این حال لایحه به شورای نگهبان رفت و همان طور که گفتیم به علت ایرادهای شورای نگهبان گزینه تعطیلی شنبه منتفی شد. ماجرا اینجا متوقف نشد و هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در خرداد ۱۴۰۳، مصوبه تعطیلی شنبه را مغایر با سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری و سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری دانست تا پرونده تعطیلی شنبه‌ها بسته شود.

ناسازگاری با تعطیلات جهانی

بازرگان‌ها اولین افرادی بودند که با خبر نهایی منتقل شدن تعطیلی شنبه به پنجشنبه شوکه شدند. چراکه پرونده دقیقاً برعکس ایده اولیه آنها پیش رفته بود. آنها می گفتند حداقل قبلا می‌شد با ۴ ساعت کاری در روز پنجشنبه برخی از کارهای خود را انجام دهند که حالا همین ۴ ساعت هم به صفر می‌رسد. به خاطر همین هم اوایل بهار امسال رئیس اتاق ایران یک نامه برای دفتر رهبری، یکی برای ریاست جمهوری و یک نامه هم خطاب به رئیس مجلس نوشت که این ماجرا یک ناهماهنگی بین ما و شرکای تجاری است. ممکن است این سوال برایتان پیش بیاید که این ۴ ساعت پنجشنبه به چه دردی می‌خورد؟ آنها می گویند می‌شد در این روزها ثبت سفارش کرد، برای واردات و صادرات تاییدیه دولتی گرفت. روزهای پنجشنبه می‌توانستند برای تامین ارز مورد نیازشان با بانک مرکزی سر و کار داشته باشند، ارز دولتی خود را با مهر و تایید دولت بگیرند. مدارک ترخیص کالا را تهیه کنند. با سازمان توسعه تجارت یا وزارتخانه‌ها کار می کردند. واردکننده‌های بهداشتی دارویی می‌توانستند تاییدیه‌های مورد نیازشان را از سازمان استاندارد یا وزارت بهداشت بگیرند. اما حالا یکی از اعضای اتاق بازرگانی پیش بینی کرده که این ماجرا می‌تواند به خسارت‌های ۵ تا ۸ میلیارد دلاری در سال برسد که ضرر ناشی از قطع ارتباط است. آنها با خسارت‌های دیگری هم ممکن است روبرو شوند که یکی از آنها اختلال در زنجیره تامین کالاهای فاسد شدنی است. اگرچه بازرگانان اعتراض‌های زیادی به این تصمیم داشتند اما این موضوع اقتصادی برای نویسندگان لایحه از روز ابتدا کمتر در مرکز بحث بود. جهرمی، سخنگوی دولت وقت، گفته بود که این تصمیم را برای این نیست گرفتند که خانواده‌ها در شهرستان‌ها بتوانند پایان هفته استفاده مناسبی برای سفرهای تفریحی و رسیدگی به سایر امور خانوادگی خود داشته باشند. حسینعلی حاجی‌دلیگانی و مهدی عیسی‌زاده (نماینده‌های مجلس) به جنبه‌های اجتماعی اشاره داشتند و گفته بودند که این تغییر باعث تحکیم بنیان خانواده می‌شود.

شاید فکر کنید که آیا نماینده‌ها حواسشان نبوده که این کار باعث کاهش روابط ما با غرب می‌شود؟ چرا باید چنین نکته مهمی را فراموش کنند؟ ولی ماجرا از این قرار بود که به نظر برخی از آنها این استدلال‌ها دیگر منسوخ‌شده بود. مثلا همان زمان ارائه لایحه روح الله متفکر آزاد گفته بود که «با توجه به تفاوت شب و روز در شرق و غرب و تجارت الکترونیک استدلال هماهنگی با دیگر کشورها منسوخ است.» البته بررسی ما نشان می‌دهد که نه تنها منسوخ نیست بلکه حتی کشورهای مسلمان هم از همین قانون تعطیلی شنبه‌ها پیروی می کنند. کشورهایی، چون الجزایر، افغانستان، بحرین، بنگلادش، مصر، عراق، اردن، کویت، لیبی، مالزی (برخی ایالت‌ها)، مالدیو، عمان، قطر، عربستان سعودی، سودان، سوریه و حتی یمن.

بانک‌ها هم تعطیل می‌شوند؟

حالا سوال مهم برای همه این است که با این اتفاق بانک‌ها هم تعطیل می‌شوند؟ زمانی که لایحه در مجلس مورد بحث بود نماینده دولت وقت می گفت کار بانک‌ها برای پنجشنبه ادامه خواهد داشت. ضمن اینکه در مصوبه دیروز هم بانک‌ها به علاوه گمرک، بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی و اماکن ورزشی استثنا شده‌اند.

پس چه کسی قرار است از این تعطیلی استفاده کند؟ اگرچه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی در تهران اغلب پنجشنبه‌ها را در تعطیلی به سر می‌برند اما نیروهای دفتری و اداری آنها در شهرستان معمولا پنجشنبه‌ها مشغول به کار هستند. به همین خاطر هم مخاطب آن بیشتر کارمندان استان‌هایی به جز تهران بودند. واحدهای نظامی، انتظامی و امنیتی هم شامل این تعطیلی نمی‌شوند مگر آن که با اجازه رهبری تعطیل شوند. مجلس قرار است فهرست کاملی از واحدهای خدماتی که از این تعطیلی مستثنا شدند به زودی منتشر کند. سپس دوباره لایحه به شورای نگهبان برود و بعد از تایید، آن را به دولت برگرداند تا به تصویب هیات وزرا برسد.

ستون پنجشنبه
دکتر امیر رضا مافی

سر شدن جمعی

دیشب در این کافه‌ای که گاهی سر می‌زنم و آدم‌هایش را سال‌هاست می‌شناسم، بعد از اینکه همه رفقا رفتند، یک نفر از تازه‌واردها به من نزدیک شد. صورتش پر از نارضایتی و غم بود. آدمی که تا قبل از این همیشه با انرژی و شور می‌دیدمش، حالا رنگ پریده و دلمرده به نظر می‌رسید. در چشم‌هایش هیچ نشانه‌ای از امید نبود. وقتی از او پرسیدم چرا اینچنینی؟ گفت: «دیگه هیچ چیزی برای من مهم نیست. اینجا همه‌چیز همینه. همه به فکر خودشون هستند. هیچ چی برام مهم نیست و فقط می‌خوام به خودم فکر کنم.» صحبت‌هایش برایم تلخ و آشنا بود. درست مثل بسیاری از جوانان دیگر که در دل این جامعه، روزهای سخت فشار اقتصادی و نامعلومی جانکاه آینده را سپری می کنند و هر روز بی‌حس‌تر می‌شوند. این جمله که «دیگه هیچ چیزی برای من مهم نیست»، شاید خلاصه‌ای باشد از مفهوم سر شدن جمعی ما. مردم جامعه‌ای که بی‌وقفه تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار می گیرند، هیچ‌چیز دیگر قادر به برانگیختن واکنششان نیست. چه واکنش مثبت و مشارکت اجتماعی و چه واکنش اعتراضی و منفی. در واقع حتی درد، دردی که در گذشته می‌توانست جامعه را به حرکت وا دارد، دیگر تاثیری بر افراد بی‌حس شده ندارد و پدیداری جز سکوت و انفعال از خود به جای نمی گذارد. درواقع وقتی مشکلات به قدری بزرگ می‌شوند که راه حلی ندارند، وقتی درد مکرر می‌شود، حس از بین می‌رود و جامعه نمی‌تواند از خود واکنش نشان دهد، چون حتی قوه کلمه در او یخ زده است. در سر شدن جمعی، جامعه منجمد می‌شود و هیچ‌چیزی گرمش نمی کند و عمل جمعی به یک شوخی بی‌معنی تبدیل می‌شود. اینجا، در حالی که روز به روز شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی عمیق‌تر می‌شود، هر کس تنها به فکر خود است و بیماری سر شدن جمعی باعث نابودی جامعه انسانی و تبدیل شدن آن به توده اجتماعی می‌شود. نه از لحاظ فیزیکی، بلکه از جنبه هویتی و معرفتی. این شرایط، به طرز تلخی بازتابی از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ماست. وقتی هر روز با تزلزل دارایی، تورم، گرانی، و هزار و یک مشکل دیگر دست و پنجه نرم می کنیم، هیچ چیزی به جز بی‌حسی و انفعال نمی‌ماند. اگر بتوانی سرپا بمانی، خوب است. اگر نتوانی، باید خود را با موج بی‌رحم شرایط همراه کنی تا شاید به ساحل ناکجاآباد برسی. تنها راه درمان یافتن روزنه امید است. ما در برابر خودمان مسئولیت داریم، در شرایطی که حتی فریاد اعتراضی هم شنیده نمی‌شود، بی حس نباشیم و در این سرمای جانکاه نخوابیم. وقتی بیرون از خود ما، کسی قادر به انجام وظایف خود نیست، ما باید کمک کنیم تا از این سر شدن جمعی بکاهیم. امروز همه ما مامور به امید هستیم، مامور به گرم کردن هر کسی که در این زمستان سرد خوابش برده است. در روزهای آخر سال که چنبره مشکلات حیات ما را تنگ‌تر می کند اتفاقا کورسوی امید زندگی‌بخش است. امید می‌تواند چون دریچه‌ای کوچک از رحم ما به یکدیگر متولد شود. رحم، آدم‌ها را گرمتر می کند. کاش هر کدام از ما در هر موضع و موقعیتی که هستیم نسبت به خودمان و بعد نسبت به اطرافیانمان، به آن‌هایی که محتاج ما و دارایی‌هایمان هستند رحم کنیم تا کمی گرم شویم و باریکه نور را ببینیم. راه نجات بی‌حسی در این روزها همین است: رحم و امید، حتی اگر امید در ابتدای همین متن نیز کمرنگ باشد.

خبر یک

تجلیل از افشار

امروز پنجشنبه ۱۶ اسفند، در خانه روزنامه‌نگاران مراسم تجلیلی از ابراهیم افشار چهره قدیمی مطبوعات و نویسنده پرطرفدار روزنامه هفت صبح برگزار می‌شود. این مراسم بین ساعت ۱۸ تا بیست و سی در محل خانه روزنامه‌نگاران واقع در خیابان شریعتی پایین‌تر از سه راه طالقانی و با عنوان ابراهیم افشار روزنامه نگار طهران برگزار می‌شود و گروهی از همکاران او در این مراسم شرکت خواهند داشت و خاطراتشان را از افشار بیان خواهند کرد. حضور برای عموم هم آزاد است.

SMS Telegram WhatsApp

0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

قطع درختان به جز در موارد فنی و ضروری یک ضرر و خطر است

کاشت سه اصله نهال در روز درختکاری از سوی رهبر انقلاب

آیت‌الله خامنه‌ای پیش از ظهر روز چهارشنبه، همزمان با روز درختکاری سه اصله نهال غرس کردند و تاکید کردند که کاشت درخت فقط مربوط به سن جوانی نیست و همه افراد در سنین مختلف باید به سمت این کار مهم و بزرگ و لازم و زیبا، شوق و انگیزه پیدا کنند.

همه مردم در موضوع درختکاری به‌عنوان یک عمل صالح و حسنه مشارکت داشته باشند تا با افزایش درختان، محیط زندگی و زیست طراوت و صفا پیدا کند.

اقدام هر ساله خوبه برای کاشت نهال یک اقدام نمادین جهت یادآوری این نکته است که کاشت درخت فقط مربوط به سن جوانی نیست و همه افراد در سنین مختلف باید به سمت این کار مهم و بزرگ و لازم و زیبا، شوق و انگیزه پیدا کنند.

درختکاری یک سرمایه‌گذاری سودآور از جهات مختلف و تولید ثروت است، کاشت درخت با هر انگیزه‌ای چه برای بهره‌مندی از میوه درختان مثمر و چه برای استفاده از چوب درختانی که چوب آنها با ارزش است، یک اقدام کاملاً سودآور است که در آن ضرر وجود ندارد.

درخت و کشتزارها عامل سلامت هوا هستند. درختان و گیاهان روشبی علاوه بر بهبود هوا موجب طراوت محیط زندگی و محیط زیست و طراوت روحی انسان‌ها نیز می‌شوند زیرا درختان و گیاهان چشم‌نواز و دل‌نواز هستند.

با تاکید بر لزوم جدی گرفته شدن نهضت ملی درختکاری که در دوره شهید رئیسی آغاز شد: این طرح که سال گذشته آغاز شد و همچنان ادامه دارد نشان می‌دهد که کاشت یک میلیارد درخت در چهار سال علمی است و دستگاه‌های دولتی باید به مردم در این زمینه کمک کنند.

با هشدار نسبت به قطع درختان و تبدیل کاربری اراضی کشاورزی: قطع درختان به جز در موارد فنی و ضروری یک ضرر و خطر است و باید جلوی تخریب جنگل‌ها و تبدیل اراضی کشاورزی گرفته شود.

با اشاره به کارهای خوبی که در این زمینه در تهران و برخی شهرهای دیگر انجام گرفته است: این اقدامات باید ادامه پیدا کند.

دیپلماسی

پس لرزه‌های یک خبر عجیب

بلومبرگ روز سه‌شنبه در گزارشی مدعی شد که روسیه موافقت کرده است که به دولت دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در برقراری ارتباط با ایران در مورد موضوعاتی از جمله برنامه هسته‌ای و (ادعای) حمایت از نیروهای نیابتی منطقه‌ای ضد آمریکا کمک کند. بلومبرگ به نقل از سخنگوی ریاست جمهوری روسیه گزارش داده بود: مسکو آماده است تا هر کاری در توان خود برای حل مسائل میان ایران و آمریکا از طریق مذاکره انجام دهد. روسیه معتقد است که ایالات متحده و ایران باید همه مسائل را از طریق مذاکرات حل کنند. این ادعا برخی را عصبانی کرد و روسیه را به واکنش واداشت. پسکوف که بخشی از گزارش بلومبرگ از قول او نقل شده گفت: ایران متحد روسیه است و مسکو معتقد است که حل مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک برنامه هسته‌ای تهران که آمریکا درباره آن نگرانی دارد، ممکن است.

دیمیتری پسکوف روز چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ در پاسخ به پرسش خبرنگاران افزود: موضع روسیه این است که این مسئله - پرونده هسته‌ای ایران - باید تنها از راه‌های مسالمت‌آمیز، سیاسی و دیپلماتیک حل شود. ما معتقدیم که این ظرفیت وجود دارد. سخنگوی کرملین در ادامه گفت: موضوع برنامه هسته‌ای ایران در مذاکرات سطح بالا بین مسکو و واشنگتن در ریاض مورد بحث قرار گرفت. در عین حال، جزئیات آن مورد بررسی قرار نگرفت. از این رو انتظار داریم در این زمینه مذاکرات جداگانه‌ای صورت گیرد.

پسکوف در گفت‌وگو با خبرنگاران، پس‌رد از پیشنهادی که بلومبرگ مدعی شده بود پرداخت و توضیح داد: در واقع، این همان چیزی است که پیشنهاد شد، تا این موضوع به حوزه‌ای جداگانه از گفت‌وگو و رایزنی‌های ما (روسیه و آمریکا) در آینده تبدیل شود.

ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ رؤسای جمهور روسیه و آمریکا ۱۲ فوریه ۲۰۲۵ برابر با ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ در گفت‌وگوی تلفنی درباره موضوع توقف درگیری در اوکراین، روابط دوجانبه و تعدادی از موضوعات دیگر گفت‌وگو و همچنین توافق کردند که تماس‌ها را ادامه دهند و یک ملاقات دوجانبه داشته باشند. پس از این تماس، دو دور مذاکرات بین هیأت‌های دو کشور در ریاض و استانبول انجام شد.

دستیار رئیس‌جمهور روسیه شامگاه سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ گزارش منتشر شده در رسانه‌های غربی مبنی بر مطرح شدن موضوع ایران در مذاکرات روسیه و آمریکا را تأیید کرد و گفت: این موضوع در جریان مذاکرات ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ در ریاض مورد بحث قرار گرفت.

یوری اوشاکوف شامگاه سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ در این باره به خبرنگاران گفت: نمایندگان فدراسیون روسیه و ایالات متحده در ریاض توافق کردهاند که مذاکرات جداگانه‌ای درباره موضوعات مربوط با ایران داشته باشند، اما شکل و زمان این رایزنی‌ها مشخص نشده است. در همین حال، سخنگوی کرملین، مطالب منتشر شده درباره ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در زمینه پذیرش ایفای نقش به عنوان میانجی در مذاکرات ایران و آمریکا را تأیید نکرد.

خبر

ترامپ و رویای آمریکایی در کنگره

رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی خود در نشست مشترک کنگره ایالات متحده، مدعی شد که او اقدامی سریع و بی‌امان برای ارائه بزرگ‌ترین و موفق‌ترین دوران تاریخ کشورمان را انجام داده است. رئیس‌جمهور آمریکا که تنها ۴۳ روز از ورود دوباره او به کاخ سفید می‌گذرد، در اولین سخنرانی مهم خود در جلسه مشترک کنگره آمریکا که بیشتر حول تحولات داخلی بود، سخنرانی کرد. این جلسه حدود دو ساعت طول کشید. رئیس‌جمهور آمریکا در میان تشویق حضار گفت: آمریکا بازگشته است. او مدعی شد که در ۴۳ روز بیشتر از آنچه اکثر دولت‌ها می‌توانستند در چهار یا هشت سال به انجام برسانند، دست پیدا کرده است.

یکی از جملاتی که توجه زیادی را به خود جلب کرد، وقتی بود که ترامپ مدعی شد روح ما بازگشته است، غرور ما بازگشته است، اعتماد به نفس ما بازگشته است و رویای آمریکایی بزرگ‌تر و بهتر از همیشه در حال افزایش است.

البته این سخنرانی حواشی هم داشت. مثلا در حالی که تنها دقایقی از آغاز سخنرانی ترامپ گذشته بود، صدای اعتراض برخی قانونگذاران مخالف بلند شد و جی‌دی ونس مجبور شد برای رعایت سکوت تذکر بدهد. دونالد ترامپ در حالی که دموکرات‌ها او را هو می‌کردند، گفت: ما تعداد زیادی آرای مردمی را به دست آوردیم.

ترامپ گفت به تبدیل شدن دولت به سلاح به یک عبارتی سلاح‌سازی از دولت پایان داده است و به مثالی اشاره کرد که رئیس‌جمهور مستقر مجاز است طلاق‌های سیاسی‌اش را مانند من به شدت محاکمه کند.

او گفت: چطور شد؟ خیلی خوب نیست. دونالد ترامپ همچنین اشاره کرد همه سانسورهای دولتی را متوقف کرده و آزادی بیان را در آمریکا بازگردانده است.

ترامپ گفت دستوری را امضا کرده است که انگلیسی را زبان رسمی ایالات متحده آمریکا می‌کند و نام خلیج مکزیک را به خلیج آمریکا تغییر می‌دهد. ترامپ گفت در دولت او، اگر محصول خود را در آمریکا تولید نکنید، باید تعرفه بپردازید. او اشاره کرد که در برخی موارد، این تعرفه بزرگ خواهد بود.

او می‌گوید کشورهای دیگر تعرفه‌های فوق‌العاده بالاتری از آمریکا اعمال می‌کنند که آمریکا از آنها می‌گیرد. او می‌گوید: این خیلی ناعادلانه است. دونالد ترامپ در ادامه سخنانش افزود: کشورهای دیگر برای چندین دهه از تعرفه‌ها علیه ما استفاده کرده‌اند و اکنون نوبت ماست که استفاده از آنها را اغاز کنیم. تعرفه‌های متقابل از ۲ آوریل آغاز می‌شود. هرچه برای ما تعرفه بگذارند، ما برای‌شان تعرفه می‌گذاریم. هر چه از مالیات بگیرند، ما از آنها مالیات خواهیم گرفت.

رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه گفت: اوایل سه‌شنبه نامه‌ای «مهم» از «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین دریافت کرده است که در آن گفته شده کییف «آماده است تا در اسرع وقت برای میز مذاکره بیاید.»

ترامپ می‌گوید زلنسکی به او گفته است که تیمش آماده است تا تحت رهبری قدرتمند رئیس‌جمهور آمریکا برای دستیابی به صلحی پایدار کار کند. ترامپ گفت در نامه زلنسکی آمده است که او واقعا برای کمک به اوکراین برای حفظ حاکمیت و استقلال خود ارزش قائل است. ترامپ با اشاره به محتوای نامه زلنسکی گفت: اوکراین آماده است آن را در هر زمانی که برایتان مناسب است، (توافق را) امضا کند. ترامپ می‌گوید قدردان نامه رئیس‌جمهور اوکراین است. او می‌گوید که همزمان، ما با روسیه گفت‌وگوهای جدی داشته‌ایم.

ویتکاف از جان غزه چه می‌خواهد؟

مهسا مزدعی | استیون ویتکاف ۶۷ ساله و سرمایه‌گذار و فعال بازار ملک و دوست نزدیک ترامپ به تازگی از طرح خود برای باریکه غزه پرده برداشته و تل‌آویو حرف‌های او را سرمه چشم کرده است.

استیون ویتکاف فرستاده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه طرحی را برای آتش‌بس موقت در ماه رمضان ارائه داده است. بر اساس این برنامه، در روز اول نیمی از اسیران زنده و اجساد کشته شدگان آزاد می‌شوند و در پایان آن - در صورت توافق دائمی آتش‌بس، سایر اسیران زنده و پیکر اسیران کشته شده، آزاد خواهند شد.

بهانه ویتکاف در مورد طرح چنین مسئله‌ای این بود که اسرائیل و حماس هنوز آمادگی لازم برای رسیدن به یک آتش‌بس دائمی را ندارند. این ایده یک خیر خوب برای نتانیاهو است که از خریدن وقت لذت می‌برد. او هنوز نمی‌داند که باید چه تصمیمی در خصوص حماس و آینده اداره غزه بگیرد. بنابراین هر ایده‌ای که برای تل‌آویو زمان بخرد، گزینه‌ای ایده‌آل برای بی‌بی خواهد بود.

در واقع اگر ۴۲ روز پس از این تصمیمات، دو طرف به توافقی نرسند، اسرائیل بمباران‌های غزه را آغاز می‌کند. حماس مشخصا از طرحی که ویتکاف ارائه کرده استقبال نمی‌کند و آن را یک برد یک طرفه برای اسرائیل می‌داند.

ظاهر طرح ویتکاف فریبنده به نظر می‌رسد. با اینحال نتانیاهو ملزم به پایان جنگ نشده و به همین دلیل به‌نظر می‌رسد که فرستاده ترامپ تنها روی آزادی زندانیان اسرائیل که در دست حماس هستند تاکید دارد. همچنین مسئله بازسازی غزه، وضعیت نامشخصی دارد.

در حال حاضر کمک‌ها متوقف شده‌اند و حماس با انتشار بیانیه‌ای گفته تصمیم نتانیاهو برای توقف کمک‌های بشردوستانه، یک باج‌گیری حقیرانه، جنایت جنگی و نقض آشکار توافق محسوب می‌شود. دیگر همه می‌دانیم که نتانیاهو در صورتیکه جنگ با حماس را پایان دهد، در سرزمین‌های اشغالی باید پاسخگوی سوالات فراوانی باشد. دیگر مسئله تنها فساد مالی نیست. او نتوانسته از بس عملیات هدف اکتبر برپایید و در تامین امنیت اسرائیلی‌ها شکست خورده است. تا زمانی که او خود را در حال نابودی حماس نشان دهد، زمزمه‌های انتقادآمیز علیه او در حد همان مخالفت‌های گاه و بیگاه باقی می‌مانند. اما وقتی جنگ به‌طور کامل پایان پیدا کند، سوالات فراوانی از نتانیاهو پرسیده خواهد شد. بی‌بی حیات خود را به زندگی سیاسی‌اش گره زده است و حاضر نیست به پایان سلام کند. در چنین شرایطی او تلاش می‌کند تا پای آمریکا را بیش از پیش به ماجرای غزه باز کرده و منافع مشترکی را با واشنگتن پیدا کند. فشارهای داخلی علیه نتانیاهو باید کاهش پیدا کند. این همان چیزی است که بی‌بی به خاطر آن دست به هر کاری می‌زند. نتانیاهو نمی‌تواند بدون آنکه خودش را قهرمانی برای اسرائیلی‌ها ببیند، با سیاست خداحافظی کند. نتانیاهو نمی‌خواهد از برادرش که سال‌ها پیش کشته شده و از او به‌عنوان یک قهرمان نام می‌برند، عقب بماند.

گزارش روز

صنم در بین رقبای بریتانیایی

نگاهی به اثر یک زن ایرانی که نامزد جایزه ادبیات داستانی زنان شده است

دیروز فهرستی از نامزدهای جایزه ادبیات داستانی سال معرفی شدند. این فهرست شامل ۱۶ اثر با ۱۶ نویسنده می‌شد که نام یک زن ایرانی هم بینشان دیده می‌شد: صنم محلوجی.

همین ژانویه امسال بود که وبسایت گاردین نقدی درباره این کتاب جدید محلوجی منتشر کرد. کتاب به زندگی یک خانواده می‌پردازد که قبل از انقلاب ایران به آمریکا مهاجرت می‌کنند. در رمان صنم پنج زن مرکز داستان هستند. لیلا، یک مادر جوان است که داستان او در لس‌انجلس امروز می‌گذرد و زهرا زنی ساکن ایران که داستان آن به قبل از انقلاب سیر می‌شود و روایت بین این دو خط زمانی جابه‌جا می‌شود. نقادان نوشته‌اند که اثر صنم، اثری سرشار از شور و نشاط، گاهی تراژیک و گاهی کمدی است که قصه زنان فامیل آن‌ها را پر کرده است. یادداشت‌نویس گاردین درباره او نوشته بود: «زبان این رمان غنی و شاعرانه است، با توصیف‌هایی که همزمان دل‌انگیز و دردناک‌اند.» صنم گفته قصد نداشته یک داستان کلیشه‌ای درباره انقلاب یا فرهنگ پارسی یا چاشنی زعفران و انار بنویسد و به نظر این نویسنده روزنامه گاردین، کتاب بیشتر از آن چیزی است که مخاطب غربی معمولا از اثر یک ایرانی انتظار دارد. «این کتاب به همان اندازه که تکان‌دهنده است، خنده‌دار است و به همان اندازه که دقیق است، موجز.» دیوید میچل رمان‌نویس معروف بریتانیایی هم نقد مثبتی بر آن نوشته و از ورودی داستان تعریف کرده است.

جالب اینکه این اولین اثر بلند این نویسنده ایرانی-آمریکایی است که به این شهرت رسیده. کتاب او سی ام (ژانویه ۲۰۲۵ در بریتانیا (توسط انتشارات Fourth Estate) چهارم مارس ۲۰۲۵ در آمریکا (توسط انتشارات Scribner) منتشر شده و تاممروز به زبان‌های آلمانی، هلندی، مجارستانی، کرواتی و رومانیایی ترجمه شده است.

ایرانی‌ها داستان سه نسل از یک خانواده ثروتمند است که تعدادی از آنها در آمریکا و تعدادی دیگر در تهران زندگی می‌کنند. نویسنده گاردین درباره آن اینطور شرح می‌دهد: «موضوع پیونددهنده این داستان‌ها این ایده است که هر یک از زنان رمان به نوبه خود از سوی مادرش ناکام مانده‌اند. آن‌ها همچنین زیر بار نام خانوادگی‌شان که آن‌ها را به‌عنوان نوادگان بابک علی‌خان ولیات خیالی، جنگجوی بزرگ اما پرعیب معرفی می‌کند، کمر خم کرده‌اند؛ شخصیتی که ثروتش هنوز ها تا حد زیادی هویت آن‌ها را تعریف می‌کند.» نقد گاردین این بوده که این کتاب اگر نقطه ضعفی داشته باشد، در به تصویر کشیدن ایران مصاحب است که فاقد استحکام بوده و فقط ایران پیش از انقلاب را بازسازی کرده است. آن هم به این دلیل که محلوجی درگیری از ایران بعد از انقلاب نداشته. صنم سال ۱۳۵۶ در تهران به دنیا آمد. او در لس‌انجلس بزرگ شد، شهری که تأثیر زیادی بر دیدگاه و نوشته‌هایش داشت. پیش از اینکه به نویسندگی روی بیاورد، در حوزه حقوق، بخش مالی و دادگاهی در منهتن فعالیت می‌کرد. البته امروز با دو فرزندش ساکن لندن است. این تغییر مکان‌ها-از تهران به لس‌انجلس و سپس لندن-به نوعی در نوشته‌هایش درباره مهاجرت و تعلق خاطر دیده می‌شود. دو سال پیش از این او نامزد جایزه پوشکارت شده بود. آثار او همچنین در محله‌های معتبر ادبی منتشر شده‌اند. قبل‌تر از این‌ها هم اولین داستان منتشرشده‌اش نامزد جایزه نویسندگان نوظهور موسسه قلم/ جایزه رابرت دیلیو بینگهام شده بود. رقبا چقدر جدی هستند؟

جایزه ادبیات داستانی زنان The Women's Prize for Fiction) یکی از مهمترین جوایز ادبی انگلیس است که کار خود را از پاییز سال ۱۹۹۵ آغاز کرد و هر ساله به یک نویسنده زن از هر ملیتی اعطا می‌شود که بهترین رمان انگلیسی را سال گذشته به زبان انگلیسی و در انگلیس چاپ کرده باشد. در بین آثاری که در این فهرست آمده هیچ کدام به اندازه رمان «ایرانی‌ها» بازخورد مثبتی نداشته ولی بعد از این اثر، کتاب یک نویسنده نیجریه‌ای-آمریکایی قرار دارد که با کتاب «اندازه رویاها» به این مسابقه راه یافته است. همچنین کتاب جدید الیزابت استروت هم در این فهرست قرار دارد. او سال ۲۰۰۹ با کتاب «اولیو کیتریج» برنده جایزه پولتزر شده بود و از روی این کتاب مجموعه تلویزیونی چهار قسمتی در کانال اچ بی او ساخته شد که فرانسیس مک دورمند هم در آن بازی می‌کرد. یک کتاب دیگر هم نوشته لیلا لالامی در این فهرست دیده می‌شود که این یکی هم پیش از این نامزد جایزه پولیتزر بوده است. بقیه رقبا ولی آنقدرها جدی نیستند و به نظر منتقدان اینطور می‌رسد که صنم راه سختی برای رسیدن به جایگاه نویسنده برتر ندارد.

گلری

۷ پزشکیان با کاشت ۳ نهال در روز درختکاری: مردم با کاشت درخت به بهبود محیط زیست کمک کنند

۸ تصویر جالبی از معاشرت قالیباف و زاکانی در روز درختکاری! در شورای شهر عموما بین نزدیکان قالیباف با حلقه زاکانی جروبحث‌های شدیدی شکل می‌گیرد.

۷ باسمن فرمانی فوتبالیست بانوی کشورمان و همسر علی قلی زاده، از پوتر فوتبال کشورمان که در تیم لچ پوزنان بازی می‌کند به این تیم لهستانی پیوست. گفتنی است فرمانی، زمانی که قلی زاده در شارلروا بازی می‌کرد نیز پیراهن این تیم بلژیکی را پوشید.

۷ تیم التعاون شب گذشته پس از بازی با تراکتور و معطل گذاشتن خبرنگاران تصمیم گرفت شام خود را در رختکن صرف کند و سپس راهی فرودگاه شود. نکته جالب توجه این بود که رختکن تیم میهمان به شدت به هم ریخته بود و بازیکنان و اعضای تیم میزبان هرچه استفاده کرده بودند، در وسط سالن رها کرده بودند.

۸ عکس جدید دیبا زاهدی که با آن اینستاگرامش را به روزرسانی کرد. عکاس سروش منوچهری

علی دایی، اسطوره فوتبال ایران شنبه شب به همراه همسرش در کنسرت لئو روخاس، خواننده اهل اکوادور حضور داشت.

حضور دایی در این کنسرت با استقبال ویژه‌ای همراه شد و مردم برای دقایقی طولانی او را تشویق کردند

حضور بهزاد لیتو و رضا قوچان نژاد درمسابقات پدل در تهران

پرونده حوادث

دختر را بگیر مادر را بکش!

اختلافات زن و شوهری گاهی به جنایت علیه مادرزن ختم می‌شود

فاطمه شیخ علیزاده | قصه زندگی زوج‌ها وقتی به اختلاف و کینه می‌رسد گاهی فرار از ارتباط دوانسان پیش رفته و افراد دیگری را درگیر می‌کند.

با پیچیده شدن اوضاع معمولا اولین کسانی که وارد ماجرا می‌شوند و آتش دعوا دامنگیر آنها می‌شود خانواده‌ها هستند.

در پرونده‌های جنایی زیادی یکی از اعضای خانواده جانش را پای اختلاف زناشویی اقوام نزدیک خود داده است و در این میان قتل مادرزن به دست داماد گاه و بیگاه رخ می‌دهد.

قتل مادرزن به خاطر شک به همسر

شامگاه بیست و یکم اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ مردی هراسان با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و کمک خواست.

او گفت: من با شنیدن صدای فریادهای کمک خواهی همسایه مقابل پنجره رفتم و مردی را دیدم که چاقو در دست دارد خانه همسایه شد و با این تماس بلافاصله ماموران پلیس به آدرسی که این مرد داده بود در حوالی میدان کاج سعادت‌آباد رفتند و با پیکرهای خونین چهار عضو خانواده روبه‌رو شدند. شواهد نشان می‌داد داماد خانواده به نام یزدان با چاقو به خانه پدر زنش حمله‌ور شده و همسر، پدر، مادر و خواهرزنش را زخمی کرده است. آنها با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند، اما ساعتی بعد زن ۶۰ ساله به نام فریده به خاطر شدت خونریزی تسلیم مرگ شد.

همسر و دامادش به نام یزدان را عامل جنایت معرفی کرد و گفت: داماد ما بکیار به خانه‌مان آمد و به ما حمله‌ور شد.

یک روز از این ماجرا گذشته بود که ماموران رد یزدان را یافتند و او را بازداشت کردند.

متهم در جایگاه ویژه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: دو ماه بود با همسرم به شدت اختلاف داشتم. من به رفتارهای او مشکوک شده بودم. تا اینکه گوشی موبایلش را برسی کردم و فهمیدم او با کسی در ارتباط است. من و همسرم با هم درگیر شدیم و من او را به خانه بدرش فرستادم. همان شب چند پیام به عنوان مدرک برای پدر زنم ارسال کردم. من از رفتار همسرم گلایه داشتم. اما صبح وقتی از خواب بیدار شدم و گوشی را بررسی کردم، فهمیدم پدر زنم پیامک‌ها را دیده، اما پاسخی نداده است. به همین خاطر عصبانی شدم و مقابل خانه آنها رفتم.

وقتی مادرزنم در را باز کرد این موضوع را به او گفتم. اما از شوخ به فحاشی کرد و حتی به خواهرم ناسزا گفت. به همین خاطر کنترل اعصابم را از دست دادم و با چاقو به او ضربه زدم. اما باور کنید من به قصد درگیری یا قتل مقابل خانه پدر زنم نرفته بودم. قبول دارم همسر و پدر و خواهرزنم را هم زخمی کردم.

قتل مادرزن در اصفهان

۲۶ دی ۱۴۰۲ رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان از دستگیری داماد خانواده که اقدام به قتل مادر همسر خود کرده بود، خبر داد و گفت: این فرد به قتل اعتراف کرده است.

سرهنگ حسین ترکیان اظهار داشت: اواخر تیر ماه امسال یکی از شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفته و از درگیری خانوادگی در منزلی خبر می‌دهد که بلافاصله مأموران کلانتری ۱۲ در محل حضور یافته و متوجه می‌شوند خانمی ۶۱ ساله بر اثر درگیری با داماد خود بیهوش شده و فوری به وسیله نیروهای امدادی به بیمارستان انتقال و تحت مداوا قرار گرفته و همان روز با دستور مقام قضائی داماد خانواده دستگیر و به بازداشتگاه منتقل می‌شود.

مادر زن متهم چند روز بعد از اینکه به هوش آمده و سلامتی خود را به دست می‌آورد از بیمارستان مرخص شده و چون مدرکی علیه داماد خانواده وجود نداشت وی نیز با حکم دستگاه قضائی آزاد می‌شود تا اینکه ۴۰ روز بعد این خانم به علت سردرد شدید به بیمارستان مراجعه و بعد از چند روز بستری فوت می‌کند و تقریباً دو ماه و اندی بعد نتیجه بررسی‌های پزشکی قانونی واصل و مشخص می‌شود علت فوت این زن ضربه‌ای بوده که در درگیری به سر او وارد شده است.

رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان اضافه کرد: با اعلام گزارش علت فوت از سوی پزشکی قانونی پرونده قتل این زن در اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی استان اصفهان تشکیل و کارآگاهان پس از اخذ دستور مرجع قضائی مجدد به سراغ داماد خانواده رفته و او را دستگیر می‌کنند.

سرهنگ ترکیان با بیان اینکه متهم این بار وقتی با مدارک و مستندات پلیس مواجه می‌شود به جرم خود اقرار و عنوان کرد: روز درگیری پس از اینکه جر و بحث بین ما بالا گرفت من سر مادر همسرم را به زمین زدم که بعد از آن بیهوش شد و من هم از ترس اینکه برایم دردسر درست شود این موضوع را پنهان کرده و گفتم به خاطر بالا رفتن فشار خونش سکته کرده است اما بعدا متوجه شدم مادر زنم بر اثر ضربه‌ای که توسط من به سرش وارد کردم فوت شده است.

قتل مادرزن به دست داماد سابقه‌دار

اواخر خرداد سال ۹۹ جسد سوخته زن میانسالی که با چهار گلوله به قتل رسیده بود در حاشیه اتوبان باقری تهران کشف شد. از آنجا که طلاهای او به سرقت نرفته بود، فرضیه قتل با انگیزه انتقام‌جویی قوت گرفت.

با مشخص شدن هویت زن ۶۰ ساله، ماموران تحقیقات را از خانواده او آغاز کردند. پسر مقتول به ماموران پلیس گفت: چند سال قبل خواهرم با مرد شروری به نام سعید ازدواج کرد و مدتی بعد به اختلاف خوردند. سعید به مادرم بدهکار بود و او به همراه اختلاف داشت. چند سالی هم به دلیل حمل موادمخدر به زندان افتاد. آخرین بار وقتی به مرخصی آمد با مادرم تماس گرفت و خواست تا برای حل اختلاف حسابشان باهم قرار بگذارند. من به مادرم گفتم او آدم خطرناکی است و اجازه بدهد تا من هم او را در این ملاقات همراهی کنم اما مادرم اجازه نداد و برای دیدن سعید از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. با اظهارات پسر قربانی، ماموران به زندان رفتند اما دریافتند که سعید بعد از پایان ایام مرخصی به زندان برنگشته است. سه ماه بعد در حالی که ماموران به دنبال متهم فراری بودند، او خودش را به پلیس آگاهی معرفی کرد و مدعی شد نقشی در قتل مادرزنش نداشته و در توضیح ماجرا گفت: از سال ۹۰ به دلیل حمل مادمخدر شیشه بازداشت و به اعدام محکوم شدم اما با درخواست عفو اعدامم به ۲۵ سال حبس تبدیل شد. با شیوع بیماری کرونا توانستم با سپردن وثیقه از زندان آزاد شوم. از آنجا که با مادرزنم اختلاف‌حساب داشتم، با او قرار گذاشتم تا صحبت کنیم. بعد از نیمه‌شب در خیابان شریعتی از ماشینم پیاده شد و دیگر خبری از او نداشتم تا اینکه شنیدم که قتل رسیده است. در حالی که متهم در مراحل بازجویی ادعا می‌کرد نقشی در قتل نداشته، پلیس آثار خون مقتول را در خودروی او پیدا کرد و همچنین بررسی وضعیت تلفن همراه متهم، نشان می‌داد که او زمان جنایت در محدوده کشف جسد بوده است. متهم در تمام مراحل رسیدگی با تکرار اظهارات ضد قتل قبلی نسبت و بیگناه است. اما ادله موجود جرم او را اثبات می‌کرد و او یک بار به قصاص محکوم شد. رسیدگی به پرونده تا حصول نتیجه قطعی در کش و قوس قضایی است.

قتل مادرزن در جنگل هزار پیچ

خرداد ماه سال ۹۵ مرد جوان ۲۳ ساله گرگانی، مادر زنش را به دلیل اختلافات خانوادگی با شلیک گلوله در جنگل‌های هزارپیچ گرگان به قتل رساند.

ماجرا از زمانی شروع شد که خانواده‌ای به پلیس آگاهی گلستان مراجعه کرده و اعلام کردند که مادر آنها چند روزی است که مفقود شده و هیچ اثری از وی وجود ندارد.

پس از چند روز تحقیقات پلیسی مشخص شد که این خانم، روزهای گذشته و برای آخرین بار همراه دامادش دیده شده که گویا با بهانه بیرون بردن این خانواده، وی را از خانه خارج کرده و دیگر هیچ خبری از این خانم به‌دست نیامده است.

مجتبی مروتی پدر این ماجرا از قتل می‌گوید: متاسفانه بسیاری از جرائم، سرقت‌ها و قتل‌هایی که به وقوع می‌پیوندد، با سلاح سرد و ابزار نامتعارف تیز شکل می‌گیرد که تصویب قانون مبارزه با تولید و حمل سلاح‌های سرد نامتعارف می‌تواند تاثیر بالایی را در کاهش جرائم خشن، جرم و جنایت داشته باشد.

سابقه‌دار بودن داماد خانواده باعث شد تا به گونه‌ای رفتار کند که هیچ سرنخ محکمی برای پلیس در خصوص احتمال وقوع جنایت توسط این فرد به جای نگذارد، به گونه‌ای که داماد خانواده در پیگیری‌های پرونده مفقودی مادر خانمش، با آسودگی و اطمینان خاطر به پلیس آگاهی مراجعه می‌کرد و حتی مطالبه تسریع رسیدگی پرونده را از پلیس داشته است.

پس از پنج ماه تحقیقات شبانه‌روزی پلیس و جمع‌آوری اخبار و اطلاعات پلیسی، از آنجا که امکان وقوع جنایت توسط داماد خانواده وجود داشت، در نهایت کارآگاهان با دستور مقام قضایی بلند دانه دانه بچه خرگوش‌ها را روی دستش بالا می‌برد، این سوال را می‌پرسم در جواب می‌گوید، همان جا که ماهی قرمز را می‌گذاشتید. چطور با ماهی قرمز مشکلی ندارید، ولی این خرگوش‌ها را نمی‌خواهید؟ بعد با عصبانیت خرگوش سفید کار کرده را رها می‌دهد توی قفس شلوغ و بعد انگار که دنبال یک جنس بهتر می‌گردد، خرگوش خاکستری کوچکی را بیرون می‌کشد و می‌گوید: «خرگوش بهترین عیدی برای بچه‌هاست. حالا من شوخی کردم که بگذارید سر سفره هفت‌سین. ولی این حیوان نه سر و صدا دارد و نه مثل سگ و گربه غذاهای گران می‌خواهد. با چند کرم هویج و کاهو سیر می‌شود و من روی یک گوشه می‌خوابد.» مرد خرگوش‌فروش گویا قبلا یک جستجوی کامل در گوگل هم کرده، چون برای قانع کردن مشتری‌هایش چند نکته زیر دارد. مثلا خرگوش نعما سرعت و سرزندگی آدم که بلافاصله باعث به دست آوردن ثروت می‌شود. چون به قول او اگر تو و فرزانباشی می‌توانی پول در بیاوری و گربه پول از دست لیز می‌خورد و... اما این شکرد هم جواب نمی‌دهد. چون هیچ کس حتی نیمه‌نگاهی به قفس پر از خرگوش مچاله نمی‌کند. خرگوش‌ها از سرما مثل توپ پشمی توی خودشان تنیده‌اند و جزو دو تا گوش جیغ دیگری مشخص نیست. مرد خرگوش‌فروش که از کسادی بازارش عصبانی است، روی یکی از پله‌های ورودی متوجه می‌رود و با صدای بلند می‌گوید: «خرگوش شب عید خراج شد، بچه خرگوش ۵۰هزار تومان، خرگوش بزرگ ۷۵۰هزار تومان. مادر و بچه یک میلیون تومان.» دست مرد انقدر بزرگ هست که از آن حجم سفید فقط کله خرگوش مشخص باشد. کسانی که برای رسیدن به منزوجه دارند با سرعت از کنارش عبور می‌کنند و نیم نگاهی به خرگوش‌های مچاله می‌اندازند. فقط یک پیرمرد که روی شاه‌نامش مرغ میخا گذاشته کنار مرد می‌ایستد، بعد رو به مرغ میخا می‌گوید من تو را هیچ وقت نمی‌فروشم. انگار صحنه‌ای از فیلم‌های همه چیز برتون را تماشا می‌کنی. اما مرد با فریادهایش همه چیز را خراب می‌کند: «بیا حراج شد، بچه خرگوش ۵۰۰هزار تومان. بیا برای شب عید دست خالی نرو.»

تیتر دو

پزشکی بخوان بلاگری را هم ادامه بده

تعداد پزشکان اینفلوئنسر که از موضوعات درمانی و پرونده‌های بیماران تولید محتوا می‌کنند مدام بیشتر می‌شود

ادامه از صفحه ۱۵

پول در پزشکی نیست

خیلی‌ها می‌گویند که دلیل سبز شدن پزشک- بلاگر از هر گوشه اینستاگرام وضعیت مالی بد پزشکان مخصوصا دانشجوهای پزشکی است که با وجود ساعت‌های طولانی کار دستمزد بسیار کمی دریافت می‌کنند. برای همین خیلی از پزشک بلاگرها در کنار بلاگری مکمل بدنسازی، تقویت پوست و مو و... می‌فروشند یا انواع ریمهای لاغری و چاقی برای دنبال کننده‌ها می‌نویسند. گروه دیگری هم می‌گویند که میل به دیده شدن، معروف شدن و... در گروه پزشکی هم مثل هر شغل دیگری وجود دارد و وقتی تب بلاگر شدن به جان مردم می‌افتد چرا این گروه باید استثنا با

دستور زبان عشق

با من که به چشم تو گرفتارم و محتاج / حرفی بزن ای قلب مرا برده به تاراج
ای موی پریشان تو دریای خروشان / بگذار مرا غرق کند این شب مواج
یک عمر دویدیم و به جایی نرسیدیم / یک آه کشیدیم و رسیدیم به معراج

فاضل نظری

دعای روز پنجم ماه مبارک رمضان

بسم الله الرحمن الرحیم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ، وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الْقَانِتِینَ، وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنْ أَوْلِیَائِکَ الْمُقَرَّبِینَ، بِرَأْفَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. / خدایا قرار ده مرا در این ماه از آمرزش جویان، و از بندگان شایسته فرمانبردار، و از اولیای مقرّبت، به رأفتت ای مهربان ترین مهربانان.

واگویه‌های انتظار

گفتی می آیی / و یاد اخبار هواشناسی افتادم
که لذت باران‌های بی هنگام را می‌برد / گفتی می آیی
و یاد تمام روزهایی افتادم / که بیهوده چتر برداشته بودم

لیلا کردبچه

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۰۳ | طلوع خورشید ۰۶:۲۷ | اذان ظهر ۱۲:۱۶ | غروب خورشید ۱۸:۰۳ | اذان مغرب ۱۸:۲۲

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۴۰۰۶ | پنجشنبه | ۱۶ اسفند ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن: ۸۸۴۳۱۹۸۸ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

حالا هی بیایید ماچ کنید!

پا را از گلیم درازتر کرده و درباره استیضاح اظهار نظر می کنیم

فکر نکنم هیچ رسانه‌ای قبل از هفت صبح شروع به انتقاد از همتی کرده باشد. حرف‌هایش درباره این که وام کارمندان بانک‌ها مسئله‌ای ندارد و آنها به هرحال حق و حقوقی دارند و بعد اظهار نظرش در جمع شرکت‌های بیمه در مورد این که مسئله افت قیمت خودروهای لوکس نباید به شکلی باشد که به ضرر شرکت‌های بیمه تمام شود همه نکاتی بودند که ما در همین جا بهش پرداختیم و ناامیدی خود از ایشان را ابراز کردیم. با این حال هنوز نتوانسته‌ایم منطق استیضاح یک وزیر مهم کابینه پزشکیان آن هم بعد از شش ماه شروع به کار را درک کنیم. دوستان اصولگرا هم درباره این که استیضاح حق مجلس بوده سخن گفته‌اند. کیست که با چنین گزاره‌ای مخالفت کند. اما طبیعتا حق داریم که این واکنش مجلس آن هم بعد از شش ماه را منطقی ارزیابی نکنیم. آن هم بعد از توصیه‌های بزرگان کشور در این که حالا وقت استیضاح نیست. آن هم در مقابل کابینه‌ای که قرار بوده کابینه وفاق باشد. همه می‌دانیم که افزایش قیمت دلار به شکل محسوسی وابسته به تبعات حضور ترامپ و تجربه تاریخی مردم ما از اتفاقات سال ۱۳۹۷ است.

همه می‌دانیم. همه می‌دانیم که سهم وزارت اقتصاد در کنترل بازار ارز کمتر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. همه می‌دانیم که در شش ماه گذشته بورس شرایط بسیار بهتری از چند سال اخیر را تجربه کرده بود. برای همین مستندات آشکار است که این استیضاح به نظر عاری از خلوص لازم بوده است. می‌دانم که دوستان استیضاح کننده ادعای نزدیک‌ترین فاصله با منویات آسمان را دارند اما به نظرم این اقدام خلوص نداشت. این اقدام یک حرکت سیاسی مدل اروپایی بود از همان کارهایی که در انگلیس و فرانسه شکل می‌گیرد. و این حرکت دلپذیری نبود. حالا هی بیایید صورت رئیس جمهور را ماچ کنید و هی در رسانه‌های معتمد حاضرجوابی کنید. فرقی در اصل ماجرا ندارد. اگر قرار را بر کنش سیاسی صرف و انتزاعی بگذارید آن وقت واکنش‌های پزشکیان هم باید در همین مقوله بگنجد. و خب داستان کاملا متفاوت خواهد بود.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا من هم مثل شما موافقم که امید به آینده چیز خوبیه ولی شما هم مثل من قبول دارین که هر چیزی یه حدی داره؟ چرا اینو میگم؟ عرض می‌کنم:

امروز پمپ موتورخونه، عمرش رو داد به شما و با توجه به دمای هوا، تنها کاری که از دستم براومد این بود که زنگ بزنم به تعمیرکار و فقط جیغ بنفش بکشم که «جون هر کی دوست داری، فقط خودت‌رو برسون که داریم قندیل می‌بندیم.»

تعمیرکار محترم، با یه حالِ خوشی اومد که باز هم با توجه به دمای گداکشی که این روزها تجربه می‌کنیم، نمی‌فهمیدمش. بسیار سرحال بود و این سرحالی، در کنار من که با موهای شاخ شده، به زمین و زمان ناسزا حواله می‌کردم، بیشتر نمود پیدا می‌کرد.

و از همه بدتر اینکه لامصب با خودش سوت هم می‌زد. دوست داشتم به مانند معلمین سابق‌مون، گوشش رو بگیرم و بگم اگه چیز سوت زدنی‌ای می‌بینی بگو ما هم سوت بزنیم... والا... آخه آدم اینقدر راضی از زندگی؟! آخه آدم اینقدر خوشحال؟!

رفت تو موتورخونه و درجا دستور تعویض پمپ رو صادر فرمود و بنده هم دندان قروچه کنون، وسط سوت زدن‌شون قیمت رو پرسیدم که منجر به پریدگی برق و تشتک‌هام همزمان شد. مشغول اظهار ارادت به خاندان نسبی و سببی این اوضاع و قیمت‌ها بودم که فرمودن:

– «حرص نخووور... حرص نخووور... اینجوری نمی‌تونی تا ۳۰ سال دیگه زنده بمونی‌ها.»/ «حالا چرا باید تا ۳۰ سال دیگه زنده بمونم؟» / «اِ... مگه نمی‌دونی؟» / «چیو؟» / «دانشمندا گفتن اگر تا ۳۰ سال دیگه زنده بمونی، کشف می‌کنن که چه‌جوری جلوی پیری رو بگیرن و برعکسش کنن...»

با همون حال روان‌پریشم، دقت کردم که نشانی از شوخی و مزاح رو در رفتار و سکناتش ببینم که ندیدم:

– «ببخشید کی گفته اینو؟» / «دانشمندا...» / «دانشمندا حرف مفت زیاد می‌زنن... شما جدی نگیر.»

عزم کرده بودم طرف رو از این حال خوش دربیارم. چه معنی داره آدم اینقدر امیدوار باشه به زندگی و آینده. ۳۰ سااااال جون بکَنیم، زنده بمونیم که تازه برسیم به اونجا که پیر نشیم؟

– «نه... نه... دانشمندا گفتن.» / «حالا اومدیم و کشف نکردن... اومدیم و ۳۰ سال دیگه اومدن و گفتن آخ داداش شرمنده، کشف نکردیم. چه می‌کنی شما اونوقت؟»

همونجور که محتویات جعبه ابزارشو مثل شعبده‌بازها، با دقت و وسواس پهن زمین می‌کرد و آچار و پیچ‌گوشتی‌هاشو به ترتیب می‌چید رو زمین، یه سَری بالا انداخت که:

– «نه... خیلی مطمئن نوشته بود.» / «یعنی چه‌جوری نوشته بود؟» / «نوشته بود دارن تحقیق می‌کنن. حتما پیداش می‌کنن.» / «حالا اومدیم و اون دانشمندا، تا قبل از به نتیجه رسیدن، خودشون به دیدار حق شتافتن.» / «خب...» / «اصلا حالا اومدیم و کشف شد. از کجا معلوم اون موقع هم تحریم نبودیم و نخواستن فرمول زندگی جاودانه‌رو بهمون بدن؟» / «خب...» / «اصلا حالا اومدیم و کشف شد و به ما هم دادن. از کجا معلوم به دست من و شما برسه...» / «خب...» / «اصلا برسه. کره زمین می‌ترکه از جمعیت که... جای نفس برامون نمی‌مونه.» / «خب...» / «اصلا جای نفس هم بمونه... فکر آلودگی رو کردی؟ با ۸۰ و خرده‌ای میلیون نفر، اینه وضعیت‌مون... وای به اون روز.» / «خب...» / «اصلا همه اینا به کنار. ببینم... زنده بمونی چی‌رو ببینی دقیقا؟ که چی بشه؟ خیلی قشنگه؟ خیلی داره خوش می‌گذره؟...»

نشست زمین و به وسایلش خیره شد...

رفقا... بنده امروز به درستی موفق شدم یک آدم امیدوار به زندگی رو با خاک یکسان کنم و شوق و شور الکی و بیجاش رو در نطفه خفه کنم تا دیگه وسط این قیمت‌ها و استیضاح و بدبختی‌های شب عید و غیره، برای من سوت نزنه که: «خوشگلا باید برقصن...». والاااا... چی فرض کرده مارو؟

نفس راحتی کشیدم و زدم رو شونه‌ش و با خیالِ راحت رفتم که یه چرت مبسوطی بزنم ...

– «داداش کاری داشتی صدام کن..»

قصه های گمشده ۱۲۷ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود) — **آرش خوشخو**

نگهبانان محبوب دروازه‌ها

بهترین دروازه‌بان تاریخ فوتبال ایران کیست؟این سوال به ظاهر وسیع و مبهم به سادگی به یک جمله کوتاه ختم می‌شود: ناصر حجازی دروازه‌بان بهتری است یا احمدرضا عابدزاده؟ مابقی نام‌ها در سایه محبوبیت بی‌نظیر این دو افسانه فوتبال ایران قرار می‌گیرند. حتی این جمله کوتاه هم عموما در یک پاسخ کوتاه و صریح خلاصه‌تر می‌شود: ناصر حجازی.

بگذارید قبل از رسیدن به پاسخ شخصی خودمان این دو بزرگوار را مقایسه کنیم.

هردو در عنفوان جوانی به تیم ملی رسیدند. حجازی با پشتیبانی رایکوف و عابدزاده با دخالت مرحوم دهداری. هردو یک جام جهانی را تجربه کردند. عابدزاده سه جام ملت‌ها و حجازی دوبار در جام ملت‌ها ظاهر شده است. سهم عابدزاده دو مقام سومی بوده و حجازی یک قهرمانی و یک سومی. حجازی یک بار در المپیک ظاهر شده و عابدزاده این شانس را نداشته. هردو با لباس آبی‌های پایتخت بر بام باشگاه‌های آسیا ایستاده‌اند. هردو یک بار قهرمانی در بازی‌های آسیایی را در کارنامه دارند. اما قهرمانی حجازی در بازی‌های آسیایی تهران کمی غیرمنصفانه است چرا که حجازی در بازی‌های آسیایی تهران (۱۹۷۴) فقط در بازی فینال درون دروازه ایستاد در حالیکه منصور رشیدی در هفت بازی قبلی فقط یک گل خورده بود و هدایت تیم ملی با بی‌انصافی بازی فینال را به حجازی تقدیم کردند که خب نشان دهنده محبوبیت عجیب او بوده است. حجازی یک قهرمانی در لیگ سراسری را در کارنامه دارد و عابدزاده در لباس استقلال و پرسپولیس شش بار قهرمانی در لیگ را تجربه کرده است.

حجازی تکنیکی‌تر و خوش استایل‌تر بود و عابدزاده شجاع‌تر و پرروحیه‌تر و مطمئن‌تر. از حجازی سه بازی تاریخی در یاد مانده مقابل کره شمالی در پیونگ یانگ، مقابل کوبا در المپیک مونترآل، مقابل کره جنوبی در بوسان. اما در

عوض مجموعه اشتباهات او در بازی‌های مهم بسیار زیاد بوده‌اند. مقابل استرالیا در مقدماتی جام جهانی و خوردن سه گل که در همه آنها مقصر بود. خوردن گل‌های عجیب در بازی با لهستان وشوروی در المپیک، ضعف بزرگش در توپ‌های هوایی و عدم مهارت در ضیافت پنالتی‌ها بخصوص در جام جهانی ۱۹۷۸ که جهت هرچهار پنالتی در دو بازی هلند و پرو را اشتباه رفت و کل گل‌هایی که ایران مقابل فرانسه و پاری‌سن‌ژرمن در دو بازی دوستانه دریافت کرد.

عابدزاده اما دروازه‌بان غریزی‌تری بود. او مثل حجازی نه فرصت غوطه خوردن در اتمسفر تخت جمشید را داشت و نه شانس هدایت توسط معلمی مثل رایکوف آن هم در اوج جوانی. این آبادانی مهاجر به اصفهان در دوران جنگ در تیم منتخب اصفهان چهره شد و شجاعتش مقابل تهران الف و پروازهایش بر فراز پرش‌های جادویی کریم باوی نامش را به میان زمزمه‌های تماشاگران امجدیه کشاند. در سال ۶۶ به تیم ملی جوان شده و البته فروپاشیده دهداری پیوست و در مقابل کویت تیم قدرتمند آن سال‌ها هنرنمایی کرد. مقام سومی جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۸۸، قهرمانی در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ و سومی جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۹۶ هر سه مورد روی تبحر عابدزاده در مهار ضربات پنالتی شکل گرفت. او در این سه بازی (با چین در رده‌بندی ۱۹۸۸، با کره شمالی در فینال ۱۹۹۰ و رده‌بندی با کویت در سال ۱۹۹۶) هفت پنالتی را مهار کرد که آمار خیره کننده‌ای هستند. به غیر از این تاثیرات سرنوشت ساز، عابدزاده در چند بازی بسیار مهم مثل بازی با کره جنوبی در نیمه نهایی بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰، دو بازی رفت و برگشت با الجزایر در سال ۱۹۹۱ در جام بین قاره‌ای، بازی با ژاپن و سپس استرالیا در پلی آف جام جهانی ۱۹۹۸، بازی با آمریکا در جام جهانی، درخشش خارق‌العاده‌ای داشت. یادمان باشد که عابدزاده که در سال ۷۳ به خاطر اشتباه پزشکی در یک عمل جراحی ساده دچار یک مصدومیت مزمن در پای چپ خود شد که دوران کاری او را آن هم در اوج درخشش با وقفه روبه‌رو کرد و شاهد بود که در برخی تورنمنت‌های مهم نیما نکیسا و یا بهزاد غلامپور جایگزین او می‌شدند و خب هیچ وقت این جانشین‌ها راضی کننده نبودند.

این‌ها را گفتم که بگویم با احترام به تکنیک و زیبایی سبک بازی ناصرخان حجازی، برای من بهترین دروازه‌بان تاریخ فوتبال ایران بی‌شک و تردید احمدرضا عابدزاده است. به نظرم اگر او در ۲۸ سالگی اسیر آن مصدومیت نابهنگام نمی‌شد این مقایسه کاملا بیهوده به نظر می‌رسید و همه به توانایی‌های عابدزاده اذعان می‌کردند.

اما اگر دایره مقایسه را به کارنامه این دو بزرگمرد به بعد از دوران بازنشستگی بکشانیم مشخص است که ناصرخان چهره‌ای بسیار کاریزماتیک و قدرتمندتر دارد. مقاومتش در مقابل دستورهای ایدئولوژیک آن دوران، کارنامه درخشانش به عنوان سرمربی، شخصیتش به عنوان یک چهره تحصیلکرده و خوشپوش، افسانه حضورش در فوتبال بنگلادش، شیوه صحبت کردنش و مرگ زودهنگامش همه ناصرخان را در جایگاه یک چهره افسانه‌ای قرار می‌دهند. البته شاید اگر عابدزاده آن سکته مغزی ترسناک را در سی و شش سالگی تجربه نمی‌کرد و حضور موثرتری در سطح اول رسانه‌ها و فوتبال ایران داشت این ترازو این قدر به سمت ناصرخان سنگین‌تر نبود.

مظنونین همیشگی

رسول خادم در واکنش به مرگ ناگهانی بوایسار سایتی‌یف، کشتی‌گیر دارنده ۹ مدال طلای جهان و المپیک، در صفحه شخصی خود یادداشتی منتشر کرد:

او با کشتی معاشقه داشت، به اعتقادات مذهبی‌اش به شدت معتقد بود، ولی ریا و تظاهر نداشت...با اینکه جایگاهی بسیار ویژه در کشتی دنیا و فضای اجتماعی زندگیش در کشور روسیه داشت، برای رسیدن به جایگاه‌ها و مقام‌های والای قدرت، نان به نرخ روز نخورد.

بعضی این بخش از متن را کنایه خادم به علیرضا دبیر تعبیر کرده‌اند.

خادم در این پست نوشت: مبهم از دنیا رفتن هم یکی از ویژگی‌هایِ آدم‌هایِ خاص روزگار است ...! آن هم بویژه وقتیِ قرار نباشد بمیری و ... به یکباره بگویند؛ تمام شد ...!!!

او با چند نسل از خانواده کشتی و علاقمندان به کشتی در دنیا زندگی کرده بود! البته بهتر است بگوییم چند نسل از خانواده و علاقمندان به کشتی در جهان، با او و هنرمندی‌های او در به کار بردن فن و بندهای کشتی، زندگی کرده بودند ...!

او قهرمانی صاحب چندین کلاس فنی و دارای سبک در مبارزه بود. صاحبِ فن و بندی که در همه جای کشتی، کشتی می‌گرفت ...!

او با کشتی معاشقه داشت ...!به اعتقادات مذهبی‌اش به شدت مقید بود. ولی ریا و تظاهر نداشت ...

با اینکه جایگاهی بسیار ویژه در کشتی دنیا و فضای اجتماعی زندگیش در کشور روسیه داشت، برای رسیدن به جایگاه‌ها و مقام‌های والای قدرت، نان به نرخ روز نخورد ...!

ما از او قدیمی‌تر بودیم ...در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ میلادی، برای ما که آخرین نسل از بزرگان کشتی اتحاد جماهیر شوروی، همچون فادذائف، خادار اتسف، خابه لف، گوبه جیشویلی و ... دیده بودیم و می‌دیدیم، دنبال کردن جوانی با قامتی کشیده و لاغر که به تازگی با تیم روسیه همراه شده بود، ابتدا هیچ جذابیتی نداشت! ولی رفتارهایِ متفاوت او در محل گرم کردنِ ورزشکاران، توجه مرا به او جلب کرد!

در حالیکه اکثر قهرمانان رشته‌های مبارزه‌ای چون کُشتی، هنگام گرم کردنِ پیش از مسابقه، با سنگینی بدن و سیستم عصبی مواجه هستند، سایتی‌یف روی پایش بند نبود ...! گویا رفتنِ روی تشک شادترین لحظه زندگیش بود!

او برای رفتنِ روی تشکِ مبارزه، بیقرار بود ...!نمی‌توانست شادی و شعف خودش را برای اینکه نوبت جنگیدنش رسیده است، پنهان و کنترل کند ...! بی تابِ بی تاب ...! مانند کودکی مشعوف بالا و پایین می‌پرید تا نامش را صدا بزنند ...!

و بعد از اینکه بلندگوهای سالن نام او را خواندند؛ چون شیری گرسنه به سویِ تشک مبارزه حمله‌ور میشد ...!!!

قهرمانی بزرگ و فراموش نشدنی در کشتی ...و شاید هم تکرار نشدنی ...

سایت‌نگار

ساسی مانکن، پزشک قلابی، معاویه و فخرآور

در روزهای اخیر ساسی‌مانکن پست‌هایی راجع به پشیمانی و توبه خود منتشر کرده است.او در یکی از این مطالب اقدام به ریختن مشروب در سرویس بهداشتی کرده و در پست دیگر، کلیپی با عنوان «توبه» منتشر کرده است.

بررسی صفحه اینستاگرام او نشان می‌دهد که این دو ویدئو، پربازدیدترین ویدئوهای اینستاگرامی ساسی‌مانکن بوده است؛ به‌نحوی که ویدئوکلیپ «توبه» از دو ویدئوکلیپ جنجالی سال‌های گذشته او با عنوان «برادران لیلا» و «تهران توکیو» ۱۶میلیون بار بیشتر دیده شده است.این تفاوت عدد نشان می‌دهد که افرادی این ویدئوها را دیده‌اند که احتمالا تا پیش از آن هیچگاه صفحه او را ندیده بودند. در این پست‌ها کامنت‌های فراوانی در استقبال از توبه او دیده می‌شود.

اما با انتشار ویدئوی جدید او، مشخص شد که در این مطالب فریبکاری شده و خبری از توبه نیست.داده‌ها نشان می‌دهد که به‌دنبال این ویدئوها، که احتمالا منجر به جذب کاربران نسبتا مذهبی اینستاگرام شده، حدود ۲۵۰هزار کاربر به دنبال‌کنندگان او اضافه شده است.

اعتماد در گزارشی به آزار و اذیت زنان توسط یک پزشک قلابی پرداخت و نوشت:

مردی که با معرفی خود به عنوان پزشک سایت دیوار یا مسئول امنیت این سایت، آگهی‌دهنده‌های زن در این پلتفرم را اغفال و از آنها سوءاستفاده جنسی می‌کرد، در عملیات ماموران پلیس امنیت عمومی فراجا دستگیر شد. چند روز قبل، پرونده‌ای در اختیار ماموران پلیس امنیت عمومی فراجا قرار گرفت که در آن تعدادی خانم از مردی که خود را پزشک و مسئول امنیت سایت دیوار معرفی کرده بود به‌دلیل سوءاستفاده جنسی شکایت کرده بودند.

بررسی شکایت‌ها نشان داد متهم با بررسی سایت دیوار، زنانی را که آگهی فروش کالا داده بودند، شناسایی کرده و بعد در فضای امن سایت به آنها پیام می‌داده و با معرفی خود به عنوان مسئول امنیت سایت و پزشک، اعتمادشان را جلب می‌کرد. مرد در ادامه وارد فاز دیگری از اقدامات مجرمانه خود شده و مدعی می‌شد از طریق صحبت با زنان متوجه بیماری‌های مربوط به آنان شده و با ترفندهای ویژه و ایجاد حس اعتماد این افراد برای درمان از آنها عکس می‌گرفت. متهم سپس با دسترسی به عکس و فیلم‌های خصوصی زنان از آنها می‌خواست برای درمان، کارهای خلاف شرع و عرف انجام داده و برایش فیلم بفرستند. در این مرحله او بالاخره چهره واقعی خود را نشان داده و سوءاستفاده از آنها را آغاز می‌کرد.

او قربانیانش را تهدید می‌کرد اگر با او همراهی نکنند، فیلم و عکس‌ها را در فضای‌مجازی پخش کرده و موجب آبروریزی آنها خواهد شد. یکی از قربانیان در شکایت خود گفته بود فروشنده لوازم آرایشی هستم و در سایت دیوار آگهی داده بودم، وقتی در فضای امن سایت برای من پیامی ارسال شد، فکر کردم از مدیران سایت هستند؛ به او اعتماد کردم. فرد پیام‌دهنده ادعا کرد شغل اصلی‌اش پزشکی است و بعد از مدتی صحبت گفت؛ با توجه به سن و شرایطی که دارم احتمال دارد به سرطان رحم مبتلا شده باشم. این حرف باعث وحشتم شد و طبق درخواست او برایش عکس فرستادم تا از تشخیص‌اش مطمئن شود اما او از من خواست کارهای خلاف عرف انجام دهم و فیلم برایش بفرستم و می‌گفت این کارها برای درمان است و بعد از فرستادن فیلم، تهدیدهایش شروع شد.

همشهری نوشت: تفاخر جبهه عربی به زرق و برق مظاهر توسعه، در میان شبه‌روشنفکران عمدتا ظاهربین ایران بازتاب بسیار داشته است. برای نمونه مدتی پیش بود که محمد فاضلی، استاد دانشگاه، در اظهاراتی با اشاره به شکاف توسعه میان به‌زعم او «شمال و جنوب خلیج‌فارس» مدعی شد که سبک زندگی امارات، قطر و عربستان برای ایرانی‌ها حسرت شده است. فاضلی تنها شبه‌روشنفکری نیست که سبک حکمرانی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس را بر سر مردم ایران می‌کوبد و داعیه‌دار پیشرفت و توسعه دول عربی، بدون نظرداشت این دولت‌ها به مباحث آموزه‌ای و اعتقادی متصل به صدر اسلام است. از نگاه شبه‌روشنفکرانی نظیر فاضلی، محمد بن سلمان، محمد بن زاید، تمیم بن حمد و... عاقلانه نزاع‌های بیهوده ایدئولوژیک معطوف به ستیزهای تاریخی میان مسلمانان را به کناری وانهاده‌اند و تمام فکر و ذکر و توان‌شان را برای توسعه و ترقی غرب‌محورانه جوامع خویش مصروف داشته‌اند.

بخشی از یادداشت فرزین پورمحبی در حاشیه استیضاح همتی :

تقی به توقی که می‌خورد بجای آنکه نگاهی به دور و برشان بیندازند و دستی به سر و روی‌شان بکشند بلافاصله سر بی‌گناه یا باگناهی را، هم پای دار می‌برند هم بالای دار! همان داستان «بز بلاگردان» که زمانی آن را برای آمرزش گناهان خود در صحرا ول می‌کردند. بعدها هم، این رسم رسید به اخراج و مجازات علت‌های کوچک برای درامان ماندن و تبرئه علت‌های بزرگ! حال فهمیدید برای سروسامان دادن به اقتصاد چرا گاهی سلطان سکه‌ای اعدام می‌شود و گاهی هم، وزیری استیضاح؟! معمولا بعد از انجام چنین مراسمی هم، مسئولین دلسوز، سرمست از وظیفه‌شناسی و انجام وظیفه خداشناسی خیلی خوشحال و خندان (رجوع شود به شادی‌های بعد از اعلام نتیجه استیضاح در مجلس) رهسپار خانه می‌شوند تا با وجدانی راحت، سر بر بالین بگذارند!

حبیب قاسمی نماینده مجلس گفت: پزشکان متخصص در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ما معمولاً تا روز چهارم یا پنجم فروردین حضور دارند، اما پس از آن، بسیاری از آنها برای تعطیلات نوروزی از محل کار خود دور می‌شوند. در نتیجه، بیماران مجبور می‌شوند برای دریافت خدمات پزشکی به بیمارستان‌های دیگر شهرها مراجعه کنند.

بر اساس آمار، حدود ۸۰ درصد پزشکان در این ایام در مطب‌های شخصی خود حضور ندارند. این مسئله باعث شده که دسترسی بیماران به پزشکان متخصص محدودتر شود. حتی در برخی موارد، بخش‌هایی از بیمارستان‌ها به دلیل نبود پزشک متخصص، پذیرش بیماران را متوقف می‌کنند.

بنا بر اعلام معاونت پایش و نظارت سازمان ساترا صداوسیما، سریال «معاویه» محصول شبکه mbc به دلیل روایت جدیدی از زندگی معاویه و سعی در تطهیر خاندان بنی‌امیه، در تمام رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر کشور، غیر قابل انتشار است. این سریال در برخی کشورهای [عربی] اسلامی مانند عراق و مصر نیز به علت تاثیر آن در ایجاد تنش و به خطر افتادن انسجام اجتماعی ممنوع شده است؛ بر همین اساس با توجه به مکاتبه‌ای که از سوی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با سکوهای دارای مجوز از این سازمان در تاریخ ۱۳ اسفندماه سال جاری شده است، دوبله و هر نوع انتشار این محتوا ممنوع اعلام شد.

همچنین به اطلاع می‌رساند برخی رسانه‌های کاربر محور نسبت به انتشار نسخه زبان اصلی قسمت ۱ و ۲ اقدام کرده بودند که با همکاری دادستانی کل کشور نسبت به حذف دو قسمت یاد شده از تمام رسانه‌های کاربر محور اقدام شد.

مشرق نیوز نوشت: هم‌زمان با انسداد شبکه تأمین مالی اشخاص و مؤسسات ضدایرانی مقیم آمریکا و اروپا به دستور ترامپ، امیرعباس فخرآور، اپوزیسیون بازنشسته، در اکانت توئیتری خود اعلام کرد که هنگامه کنار نشستن فرا رسیده است! فخرآور طی سال‌های اخیر به چهره کمدی اپوزیسیون خارج‌نشین در سوشال مدیای ایران تبدیل شده بود و تلاش می‌کرد با داستان‌سرایی‌های مختلف، خود را بین دولتمردان جمهوری‌خواه آمریکا، شخصیتی مهم جلوه دهد. لاف‌های فخرآور گاهی آن‌قدر گزاف بود که دست‌مایه تمسخر شبکه‌های اجتماعی می‌شد.

امیرعباس فخرآور سال ۸۱ به دلیل فعالیت‌های تبلیغاتی علیه نظام و رهبر معظم انقلاب، بازداشت شد و سال ۱۳۸۵ در حین مرخصی از زندان، از ایران متواری شد و به ایالات متحده آمریکا پناه برد. فخرآور در آمریکا به تدریس در تگزاس پرداخت و به‌عنوان یک بلاگر سیاسی، به فعالیت خود علیه ایران و حتی توهین علیه اسلام ادامه داد. او با شیادی و حمله به گروه‌های اپوزیسیون، خود را چهره‌ای تأثیرگذار در فعالیت علیه ایران جا زده بود؛ بااین‌حال در حوادث ۱۴۰۱، از او برای شرکت در نشست جرج تاون اپوزیسیون دعوت نشده بود و همین موضوع به حملات او علیه مصی علینژاد و رضا پهلوی شدت بخشیده بود. فخرآور از سال ۲۰۱۳ تاکنون، خود را مشغول طراحی تقویم جدید برای ایرانیان و تولید محتوا برای یک وب‌سایت بدون مخاطب کرده بود.

فوتبال ۳۶۰ نوشت: استقلال در شرایطی در مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ نخبگان آسیا به مصاف النصر در ورزشگاه آزادی رفت که رکورد حضور تماشاگران برای سومین‌بار در این لیگ به دست نمایندگان ایران، شکسته شد. پیش از این استقلال یک‌بار در مرحله گروهی این رکورد را از آن خود کرد و سپس در همان مرحله و در آخرین دیدار، پرسپولیس در جدال با النصر عربستان، رکورد استقلال را شکست. برای بازی پرسپولیس مقابل النصر تعداد تماشاگران حاضر در ورزشگاه ۷۰ هزار و ۳۵۰ نفر اعلام شد که با توجه به خالی بودن صندلی‌های پشت دروازه جنوبی، آن عدد هم غیرواقعی به نظر می‌رسید که پیش از این در گزارشی به آن پرداخته شد. حالا قسمت عجیب داستان مربوط به بازی استقلال و النصر است که تعداد اعلامی تماشاگران هنوز هم عجیب‌تر از تماشاگران حاضر در دیدار پرسپولیس —النصر است. فارغ از مباحث پیش‌پا افتاده‌ای که بخواهد این گزارش را به سمت مباحث هواداری ببرد، باید با استناد به فکت‌های موجود، این عدد اعلامی مورد بررسی قرار بگیرد. برای بازی استقلال به طور رسمی عنوان شد که تعداد تماشاگران حاضر در ورزشگاه ۷۵ هزار و ۱۳۰ نفر است.

این عدد از اساس ایراد دارد چرا که کلا گنجایش ورزشگاه آزادی ۷۴ هزار و ۳۷۹ نفر است! پس چطور در ورزشگاهی که گنجایش آن ۷۴ هزار نفر است، ۷۵ هزارنفر حضور داشته‌اند؟ آن‌هم در شرایطی که تعداد زیادی از سکوها به دلیل تعمیرات خالی از تماشاگر بوده و تازه طبق عرف، فاصله‌ای هم بین جایگاه تماشاگران زن با جایگاه‌های مجاور ایجاد می‌شود.

برای بازی پرسپولیس مقابل النصر، فقط جایگاه جنوبی پشت دروازه خالی بود ولی برای بازی استقلال با نماینده عربستان، علاوه بر جایگاه جنوبی، جایگاه شمالی هم خالی بود. پس به این ترتیب، در مقایسه با دیدار آسیایی قبلی، سکوهای بیشتری در دست تعمیر قرار گرفته بود. حالا برای رسیدن به این تعداد سکوی خالی باید سری به ماه‌ها قبل زد و خبر رسمی فدراسیون فوتبال رو پس از بازسازی در ضلع غربی مورد بررسی قرار داد. اول اینکه افسانه ورزشگاه ۱۰۰ هزارنفری، سال‌ها و پس از نصب صندلی روی سکوهای سیمانی به پایان رسیده. زمانی که سکوهای ورزشگاه آزادی صندلی شد، گنجایش این ورزشگاه ۷۸ هزار و ۴۰۰ صندلی شد. البته که این گنجایش، مربوط به قبل از بازسازی ضلع غربی است. پس از این بازسازی، فدراسیون فوتبال ایران به طور رسمی، گنجایش ورزشگاه آزادی را ۷۴ هزار و ۳۷۹ نفر اعلام کرد.

حرف های داغ هفته

علی نصیریان

بخشی از سینما تفنن و سرگرمی است اما همه سینما تفنن و سرگرمی نیست؛ به‌ویژه از جوان‌ها می‌خواهم که این مسئله را تبلیغ کنند که سینما صرفاً محل تفریح و تفنن نیست. درست است که سینما جذابیت‌های سرگرم‌کننده‌ای دارد اما سینما یک موضوع و یک مسئله انسانی است و در فیلم و سینما است که مسائل جامعه‌شناختی و روانشناختی مطرح و باز می‌شوند و کالبدشکافی انسانی رخ می‌دهد. نباید با تاکید بر تفنن و سرگرمی، جامعه و مخاطب را از ذوق و زیبایی که باید در هنر باشد و مسائل اجتماعی و انسانی جدا کنیم. بالاخره مخاطب وقتی فیلمی را می‌بیند باید یک مفهوم و معنایی را برداشت کند.

آیین رونمایی هفت بهارنارنج

۱۳اسفند

نسیم ادبی

دوست داشتم «فریبا» در شبکه خانگی پخش می‌شد. به این دلیل که در آن یک خانم بلاگر را به راحتی می‌توانی نشان دهی. ما بلاگرها و اینفلوئنسرهای محجبه هم داریم اما با احترام به این بلاگرها، وقتی اسم بلاگر می‌آید طرف دارد رنگ مو تبلیغ می‌کند. برای این کار، در شبکه خانگی کمی دست بازتر بود. این را باید بقیه بگویند که چقدر توانستم از پس شخصیت سوگند برآیم. اما از نظر خودم، همه تلاشم را کردم. نقش دور از دسترسی برای من نبود. من خودم از نظر درونی دختر قدرتمندی هستم، نه به این شکل که بخواهم به آدم‌ها دستور بدهم اما اصولا مدیریت بحرانم خیلی خوب است.

ایرنا

۱۴اسفند

محمدرضا شریفی‌نیا

در تمامی این سال‌ها متوجه شدم بهترین کار جهان ساخت فیلم‌های کوتاه است زیرا هم لذتبخش و تاثیرگذار است و هم حوصله تماشاچی سر نمی‌رود. حدود پنج سال است به ساخت فیلم کوتاه مشغولم و به ساخت فیلم‌های ۱۵ دقیقه‌ای براساس موضوعات مختلف می‌پردازم. تولید آثار جشنواره «آسمون» که باید زیر ۹۰ ثانیه باشد، برای نوجوان سخت است. باید در این بخش به‌گونه‌ای آنها را راهنمایی کنیم. کار من معلمی است و از دوران قدیم با بچه‌ها کار کردم و قصه نوشتم و دنیای کودکان را می‌شناسم. می‌بایست افرادی را که علاقه‌مند به هنر هستند کشف کنیم تا بتوانیم جریان بهتری را در سال‌های آینده ترسیم کنیم.

نشست خبری جشنواره آسمون

۱۴اسفند

پرویز جاهد

«خشت و آینه» اولین اثر داستانی و «خانه سیاه است» اولین اثر مستند است که صدابرداری آنها سر صحنه انجام شده. اکنون و پس از این همه سال، اهمیت این مستند در دنیا شناخته شد؛ به همین دلیل در مجامع سینمایی و جشنواره‌ها «خانه سیاه است» بارها به نمایش درآمده و مقالات و پایان نامه‌های مختلفی درباره ارزش آن نوشته می‌شود و این ما را به یاد روزهایی می‌اندازد که در دهه ۴۰ بسیاری از منتقدان ایرانی به این اثر و فروغ فرخزاد حمله کرده و کارگردانی اثر را انکار می‌کردند. این فیلم اولین بار در کانون فیلم تهران که توسط فرخ غفاری راه‌اندازی شده بود، به نمایش درآمد.

موزه سینما

۱۳اسفند

فرزاد جمشیدی

آرزو می‌کنم اگر فوت، مفارقت و سفر مرگی باشد در برنامه سحرماه مبارک رمضان برایم اتفاق بیفتد تا مردم دعاگوی این مجری باشند که دست دخیلش به سحرگاه ماه مبارک است. این حرف دلم است. مجری در رسانه ملی سرباز خط مقدم است. دلم می‌خواهم در رسانه‌ای که سال‌ها کار کرده‌ام حین اجرای برنامه مثل یک سرباز خط مقدم شهید شوم. دوست دارم در کار خودم این‌طور باشم و حقیقتاً میل من اینطور است. شاید اولین مجری بودم که یکی از شبکه‌های عربستان از من دعوت کرد و نرفتم. یک نامه سرگشاده هم در مورد دعوت تلویزیون‌های خارجی نوشتم. وارد مذاکره نشدم و فقط در حد دعوت بود.

برمودا

۱۱اسفند

چهره هفته

مهسا حجازی

دلتنگی مهسا

تاسیان به معنای افسوس، حسرت، دلتنگی یا اندوه است. این مفهوم قرابتی جالب با سرنوشت سریال «تاسیان» دارد که بعد از سه قسمت توقیف شد. خبرهایی خوب اما به گوش می‌رسد و قرار است با تعامل و اصلاح برخی بخش‌ها دوباره به پخش برسد. فعلا می‌توان یادآور شد که مهسا حجازی گرفتار تاسیان (اندوه) است! بازیگری که در «تاسیان» نقش اصلی زن را برعهده داشت: شیرین نجات همان دختر نازپرورده، سرخوش و احساساتی است که در برابر پدر مهربان خود ایستاده و عقیده دارد لازمه ازدواج، عشق است. در این کشاکش امیر (هوتن شکیبا) عاشق او شده و در قسمت‌های بعدی شرایط شیرین تغییر می‌کند. این ماجرا و تحولات اجتماعی، احتمالا شیرین را از دختری شاد به وضعیتی دیگر دچار خواهد کرد و همین فرصت خوبی است تا توانایی مهسا حجازی بیشتر عیان شود. بازی او در سه قسمت ابتدایی نظر خیلی‌ها را جلب کرد و برخی هم نقدهایی به عملکردش داشتند. هرچه هست حجازی با «تاسیان» می‌تواند به شهرت بیشتری دست یابد. او قبلا از نقش‌های فرعی بهره کافی را برده بود و مثلا چندی پیش در سریال پربازیگر «افعی تهران» توانست خودی نشان دهد. فیلم «جنگ جهانی سوم» و آن نقش خاص را از یاد نبریم که سرآغاز درخشش مهسا حجازی بود.

این فیلم ها را ببینید

ببعی قهرمان / رویای پرواز

- کارگردان: حسین صفارزادگان، میثم حسینی
- تهیه‌کننده: محمدمهدی مشکوری
- نویسنده: مقداد اخوان
- صداپیشه‌ها: ژرژ پطروسی، نصرالله مدقالچی، حامد عزیزی، هومن خیاط
- محصول: ایران / ۱۴۰۱

برندهای تلویزیونی در حوزه کودک و نوجوان، معمولا اقبال بالایی برای درخشش بر پرده سینما هم دارند و تازه‌ترین نمونه از این جنس همین «ببعی قهرمان» است. انیمیشن سینمایی سه‌بعدی که خاستگاه اصلی آن یک مجموعه تلویزیونی دوبعدی بود و به پشتوانه محبوبیت کاراکتر ببعی، ایده ساخت نسخه سینمایی آن کلید خورد. این انیمیشن محصول سازمان اوج که در جشنواره چهل‌ویکم فیلم فجر مورد تقدیر داوران هم قرار گرفت، بعد از موفقیت در اکران عمومی و کسب عنوان پرفروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران، حالا به اکران آنلاین رسیده است.

عینک قرمز / دنیای دیوانه!

- کارگردان: حسین مهکام
- تهیه‌کننده: مرتضی شایسته
- نویسنده: حسین مهکام
- بازیگران: حامد بهداد، هادی کاظمی، الناز حبیبی
- محصول: ایران / ۱۴۰۳

حسین مهکام کارنامه موفقی در عرصه فیلمنامه‌نویسی داشت و بعد از مشارکت در خلق آثاری همچون «هیچ» یا «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»، بخت خود را در میدان کارگردانی به آزمون گذاشت و حاصل آن «آزادی مشروط» و بعدتر «بی‌حسی موضعی» شد. او در ادامه تجربه دوم خود که حال‌وهوایی گروتسک و متکی بر خلق دنیایی دیوانه‌وار داشت، حالا یک کمدی را کارگردانی کرده که احتمالا برای سینمادوستان می‌تواند تجربه‌ای کنجکاوی‌برانگیز باشد. بازیگر اصلی «عینک قرمز» حامد بهداد است و باید دید چه عملکردی در اکران نوروزی خواهد داشت.

دختران کوچه غم / مرهم برادری

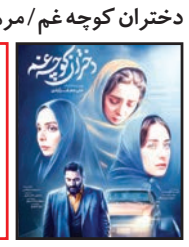

- کارگردان: علی جعفرآبادی
- تهیه‌کننده: مهدی فرجی
- نویسنده: علی جعفرآبادی
- بازیگران: امیر نوروزی، پانته‌آ پناهی‌ها بهرام ابراهیمی
- محصول: ایران / ۱۴۰۰

اگر پیگیر اخبار سینمای ایران هستید، حتما حواشی مربوط به حذف «مسیح پسر مریم» از جشنواره چهلم فجر را به یاد دارید. فیلمی که اعلام شد مسئله اصلی آن ممیزی بوده و بعدتر نکاتی مانند کیفیت فنی آن هم از سوی برخی اعضای هیأت انتخاب جشنواره پیش کشیده شد.

حالا و بعد از سه سال، همان فیلم در قالب مینی‌سریال با نام متفاوت «دختران کوچه غم» راهی پلتفرم‌های خانگی شده است. این هفته قسمت اول آن با موضوع چالش‌های یک برادر برای نجات خواهرش، پخش شد و در دو قسمت دیگر، پرونده آن بسته می‌شود.

پیشنهاد ویژه هفته

شرور

نمای کلی

- کارگردان: جان ام. چو
- نویسنده: دانا فاکس
- تهیه‌کننده: دیوید استون
- بازیگران: سینتیا اریوو، آریانا گراندی، جف گلدبلوم، میشل یئو، جاناتان بیلی
- محصول: آمریکا / ۲۰۲۴
- زبان: انگلیسی / زیرنویس و دوبله
- زمان: ۱۳۰ دقیقه

درباره فیلم

«شرور» قسمت اول یک اقتباس دوبخشی از یک نمایش موزیکال به همین نام اثر استیون شوارتز و وینی هولزمن است (که البته خودش اقتباسی آزاد از رمان سال ۱۹۹۵ است و آن هم اقتباسی از کتاب‌های آز و فیلم سال ۱۹۳۹ جادوگر شهر اُز به شمار می‌رود). این فیلم مورد تحسین اغلب منتقدان قرار گرفته و از سوی انستیتو فیلم آمریکا و هیات ملی بازبینی فیلم آمریکا به عنوان یکی از بهترین‌های سال ۲۰۲۴ انتخاب شده است. فیلم شرور در جوایز گلدن گلوب ۲۰۲۵ نامزد چهار جایزه بود که در نهایت جایزه دستاورد سینمایی و گیشه را دریافت کرد. از نکات جالب درباره آن اینکه با وجود استفاده گسترده از صحنه‌ها و لوکیشن‌هایی که با کمک تصاویر و جلوه‌های رایانه‌ای خلق شدند بعضی از صحنه‌های فیلم شرور به‌صورت واقعی ساخته شدند. این ایده به کاشت ۹ میلیون لاله برای خلق چشم‌اندازی برای منطقه مانچکین انجامید که برای نماهای دورتر از جلوه‌های ویژه بهره گرفته شد.

درباره داستان

گلیندای خوب، در سرزمین اُز به شهروندان منطقه مانچکین ملحق می‌شود تا با هم مرگ ساحره شرور غرب را جشن بگیرند. وقتی کودکی از گلیندا می‌پرسد که چطور یک نفر، شرور می‌شود او با گفتن از سرگذشت ساحره به این سوال پاسخ می‌دهد: او نتیجه رابطه عاشقانه همسر فرماندارِ وقت، تراپ و یک فروشنده دوره‌گرد بود که از همان بدو تولد به دلیل رنگ سبز پوستش و توانایی‌های جادویی غیرقابل کنترلش از جامعه مردمان عادی طرد شد. گلیندا در پاسخ به این‌که او و ساحره دوست بودند هم می‌گوید که همدیگر را می‌شناختند و شروع به گفتن از گذشته‌شان می‌کند. (داستان به سال‌ها قبل برمی‌گردد) الفابا تراپ به دانشگاه شیز می‌رود تا خواهر جوان‌تر معلولش را بدرقه کند؛ اما در پی استفاده غیرعمدی از قدرت‌هایش با پیشنهاد تحصیل خصوصی از سوی مادام موریبل روبه‌رو می‌شود که رئیس مطالعات جادوگری دانشگاه است. الفابا به این امید می‌پذیرد که فرصت دیدار با حاکم سرزمین اُز، جادوگر را پیدا کند.

واکنش منتقدان

«عجب فیلم چشمگیر و لذت‌بخشی است.» این توصیف منتقد گاردین از «شرور» است. فیلمی که منتقد وال استریت ژورنال هم درباره آن نوشته است: «پیرنگ فیلم بسیار غنی و پررویداد و فیلمنامه آغشته به شوخ‌طبعی است و به همین خاطر است که وقتی بازگشت به گذشته طولانی آغاز می‌شود فیلم لطمه‌ای نمی‌بیند. علاوه‌بر این، فیلم لحظه به لحظه نظرگیر است و پرده سینما با لباس‌ها و دکورهای خیالی تزئین شده است.» ورایتی هم ضمن دادن امتیاز بالا به فیلم درباره آن نوشت: «فیلم به جای اینکه متورم به نظر برسد فرم ایده‌آل خودش را پیدا کرده است و تا جایی پیش رفته که هر قابش با جزئیاتی همراه شده است که به‌راحتی می‌تواند حواس تماشاگر را پرت کند و البته که بازیگری مستعدتر از سینتیا اِریوو را نمی‌شد برای فیلم انتخاب کرد.» هالیوود ریپورتر هم درباره خالقان موسیقی «شرور» نوشت: «آن‌ها به ما کمک می‌کنند تا وجه موزیکال ذاتی این جهان داستانی و شخصیت‌ها را بپذیریم.»

عکس هفته

ظهور عاطفه

در طول پخش سریال «فریبا» و نیز همزمان با پایان آن، نقدهایی منفی درباره‌اش منتشر کردیم. این سریال نتوانست حقایق بلاگرها را به شکل درست بازنمایی کند و همچنین از منظر قصه ضعف داشت. با این حال اشاره شد که ساناز سعیدی در نقش یک بلاگر موفق عمل کرد. حیف‌مان آمد به یک بازیگر نوظهور که با «فریبا» شروعی موفق داشت، اشاره نکنیم: عاطفه حبیبی. او در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا گفته که بیش از یک دهه سابقه فعالیت در گروه‌های نمایشی و نیز تجربه گویندگی و صداپیشگی داشته است. تقدیر برای عاطفه حبیبی اینگونه رقم خورد تا با نقش ترنم در سریال «فریبا» به طور جدی محک بخورد. او نقش یک دختر با سری پُر سودا را ایفا کرد که کم‌کم چشمش به حقایق باز شد و از آن سرخوشی و پرجنب و جوشی فاصله گرفت. حبیبی استفاده‌ای خوب از موقعیت سریال «فریبا» کرد و نمره قبولی گرفت. باید دید در ادامه چه خواهد کرد.

ترین‌های هفته

شروع هفته | سریال‌های رمضان: خوب، متوسط، ضعیف

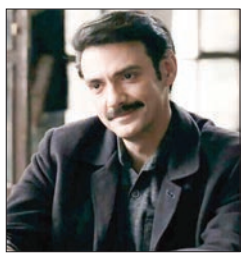

همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان، پخش سریال‌های مناسبتی در شبکه‌های یک، دو و سه شروع شد. مدت زیادی است شوق و اشتیاق مردم برای سریال‌های رمضان از بین رفته و امسال هم مستثنا نیست. به همین خاطر است که به ندرت درباره‌شان صحبت می‌شود. عجالتا اشاره کنیم که «ذهن زیبا» بعد از چند قسمت شمایل یک سریال قابل قبول دارد. کمدی «بدل» به دلیل تدوین دوباره و کوتاه شدن قسمت‌های آن، متوسط است. «مرهم» اما سریالی ضعیف لقب می‌گیرد که شعار بر درام در همین قسمت‌های ابتدایی غلبه کرده. منتظر تحلیل مفصل باشید.

انتقاد هفته | جواد خیابانی بی‌خیال نمی‌شود

گزارش دربی ۱۰۵ پایتخت به جواد خیابانی رسید. او عملکردی خوب نداشت و بلافاصله پس از پایان مسابقه انتقادها شروع شد. خیابانی هم اصطلاحات عجیب به کار برد و هم موضعی دوگانه گرفت. مثلا آخر بازی گفت اگر یک تیم زود گل بزند اصطلاحا سحرخیز است و اگر در دقایق پایانی به گل برسد، شب زنده‌دار است! از این دست جمله‌های جالب زیاد به زبان آورد. ضمنا بارها تاکید کرد بازی پرسپولیس و استقلال همواره تحت تاثیر هیجان بوده و کیفیت نداشته. خیابانی از دربی ۱۰۵ هم انتقاد کرد اما به یک باره تغییر موضع داد و این مسابقه را با کیفیت و خاص توصیف کرد!

بازار خودرو

با یک بار شارژ چقدر می‌توان رفت؟

بررسی خودروهای برقی ۲۰۲۵ که استقامت خوبی دارند

متین شیری | خودروی برقی که روزی به عنوان آینده صنعت خودرو شناخته می‌شد، امروز تبدیل به چالش صنعت حمل و نقل جهان شده است. برخلاف ایران که تولید و تامین برق بزرگ‌ترین چالش برای ادامه و پیشرفت برقی‌سازی حمل و نقل کشور است، اکثر جوامع درگیر موضوع افزایش پیمایش خودروها و تغییر و تقویت متریال‌های باتری خودروها هستند تا این خودروها با کم‌ترین توقف یا حتی بدون توقف بیشترین پیمایش ممکن را داشته باشند.

در این بین شرکت‌ها در نبردی سخت، سعی دارند تا گوی رقابت را از یکدیگر بربایند؛ تا به این لحظه رتبه اول از آن لوکس‌ترین برند برقی جهان که مالکیت آن به سوی شیوخ عربستان نیز باز می‌گردد، تعلق دارد؛ لوسیدایر.

از برند لوکس یا فوق‌لوکس لوسید که فاصله بگیریم، به سادگی متوجه می‌شویم که دیگر برندهایی که توانسته‌اند بیشترین پیمایش را به نام خود ثبت کنند، همگی از برندهای مشهور، سابقه‌دار و مطرح جهان هستند و در نهایت به این نتیجه خواهیم رسید که هنوز فناوری پیمایش بالای ۵۰۰ کیلومتر با یک‌بار شارژ را نمی‌توان برای خودروهای برقی اقتصادی انتظار داشت.

۱ لوسید ایر گرند تورینگ
قیمت پایه: ۱۳۹ هزار دلار
(۱۲ میلیارد و ۹۲۷ میلیون تومان)

لوسید ایر گرند تورینگ، یکی از پیشرفته‌ترین و لوکس‌ترین خودروهای برقی جهان، با برد خیره‌کننده ۸۳۰ کیلومتر با یک بار شارژ، استانداردهای جدیدی را در صنعت خودروهای الکتریکی تعیین کرده است. این سدان قدرتمند با ۸۰۰ اسب بخار توان و ۱۲۰۰ نیوتن‌متر گشتاور، ترکیبی از عملکرد استثنایی و کارایی را ارائه می‌دهد.

طراحی خارجی این خودرو با خطوط نرم و آیرودینامیک، چراغ‌های LED باریک و جلوپنجره‌ای منحصربه‌فرد، زیبایی و کارایی را درهم آمیخته است. در داخل کابین، استفاده از مواد باکیفیت بالا، نمایشگرهای دیجیتال گسترده و یک سیستم صوتی پیشرفته، تجربه‌ای بی‌نظیر از راحتی و تکنولوژی را برای سرنشینان فراهم می‌کند.

لوسید ایر گرند تورینگ نه‌تنها به‌عنوان خودرویی با بیشترین برد در میان مدل‌های برقی شناخته می‌شود، بلکه با ترکیب لوکس بودن و فناوری پیشرفته، رقیبی جدی برای خودروهای سنتی لوکس نیز به شمار می‌رود.

۲ مرسدس بنز EQS ۴۵۰
قیمت پایه: ۱۰۲/۳۱۰ دلار
(۹ میلیارد و ۵۲۵ میلیون تومان)

مرسدس بنز EQS ۴۵۰+ یک سدان برقی لوکس با برد استثنایی ۷۸۵ کیلومتر است که استانداردهای جدیدی را در صنعت خودروهای الکتریکی تعریف کرده است. این مدل، ترکیبی از فناوری پیشرفته، طراحی آیرودینامیک و راحتی بی‌نظیر را ارائه می‌دهد و تجربه‌ای متفاوت از رانندگی برقی را ممکن می‌سازد.

پیشرانه EQS ۴۵۰+ با توان ۳۲۹ اسب بخار و گشتاور ۵۶۸ نیوتن‌متر، راندمانی نرم و روان همراه با شتاب‌گیری قدرتمند را فراهم می‌کند. طراحی بدنه آن با خطوط منحنی، جلوپنجره بسته با الگوی ستاره‌ای و چراغ‌های LED ماتریکس، ظاهری مدرن و شیک به خودرو بخشیده است. این طراحی علاوه بر زیبایی، مقاومت هوای کم‌نظیری را ایجاد کرده که به افزایش برد خودرو کمک می‌کند.

فضای داخلی EQS، اوج تجمل و فناوری است. نمایشگرهای پیوسته Hyperscreen، تریم چوبی و صندلی‌های ماساژوردار، حس راحتی و لوکس بودن را برای سرنشینان به ارمغان می‌آورد. مرسدس EQS ۴۵۰+ با این ویژگی‌ها، انتخابی ایده‌آل برای علاقه‌مندان به خودروهای برقی لوکس و پیشرفته محسوب می‌شود.

۳ ریویان R۱T مکس پَک
قیمت پایه: ۹۹/۹۰۰ دلار
(۹ میلیارد و ۲۹۱ میلیون تومان)

ریویان R۱T مکس پَک، یک پیکاپ برقی قدرتمند و ماجراجویانه است که با برد ۶۵۵ کیلومتر و توانایی‌های آفرود بی‌نظیر، برای سفرهای طولانی و مسیرهای سخت طراحی شده است. این خودرو با سه موتور برقی (دو موتور در محور عقب و یک موتور در محور جلو) توان ۸۵۰ اسب بخار و گشتاور ۱۳۷۳ نیوتن‌متر را ارائه می‌دهد که عملکردی فوق‌العاده در هر شرایطی را تضمین می‌کند.

طراحی بیرونی R۱T با جلوپنجره بسته، خطوط صاف و چراغ‌های LED باریک و افقی، ظاهری مدرن و آینده‌نگرانه دارد. امکان انتخاب رینگ‌های ۲۰ اینچی با تایرهای چهار فصل یا رینگ‌های ۲۲ اینچی اسپرت، انعطاف‌پذیری بیشتری برای رانندگان ایجاد کرده است. همچنین، فضای بار مجهز به روکش برقی و قابلیت‌های متنوع، حمل تجهیزات را آسان می‌کند.

کابین داخلی با ترکیب رنگ‌های مشکی و کرم ماسه‌ای، الهام‌گرفته از صحرای کالیفرنیا، فضایی لوکس و آرامش‌بخش را به سرنشینان ارائه می‌دهد. نمایشگر لمسی ۱۶ اینچی، نمایشگر دیجیتال ۱۲/۳ اینچی و سیستم صوتی پیشرفته، تجربه‌ای هوشمند و لذت‌بخش از رانندگی را رقم می‌زند.

۴ تسلا مدل S لانگ رنج
قیمت پایه: ۸۹/۹۹۰ دلار
(هشت میلیارد و ۳۷۰ میلیون تومان)

تسلا مدل S لانگ رِنج یکی از پیشرفته‌ترین سدان‌های برقی جهان است که با برد قابل‌توجه ۶۵۰ کیلومتر، استانداردهای جدیدی در صنعت خودروهای الکتریکی تعیین کرده است. این مدل با بهره‌گیری از مدیریت بهینه باتری و فناوری سوپرشارژرهای تسلا، امکان رانندگی طولانی و شارژ سریع را فراهم می‌کند.

پیشرانه قدرتمند این خودرو با توان ۶۷۰ اسب بخار و گشتاور ۹۶۸ نیوتن‌متر، شتاب‌گیری سریع و تجربه‌ای هیجان‌انگیز را ارائه می‌دهد. طراحی بیرونی تسلا مدل S لانگ رنج، مدرن و آیرودینامیک است؛ دستگیره‌های در مخفی و سقف پانورامیک بر جذابیت ظاهری آن افزوده‌اند.

در فضای داخلی، طراحی مینیمالیستی به همراه نمایشگر بزرگ ۱۷ اینچی، تجربه‌ای دیجیتالی و مدرن ایجاد کرده است. فرمان یوغ و صندلی‌های راحت، حس لوکس بودن را تقویت می‌کنند. ترکیب این ویژگی‌ها، تسلا مدل S لانگ رِنج را به گزینه‌ای ایده‌آل برای رانندگانی تبدیل کرده که به دنبال عملکرد بالا، برد طولانی و طراحی پیشرفته هستند.

۵ ب.ام.و i۷ XDrive۶۰
قیمت پایه: ۱۱۹/۳۰۰ دلار
(۱۱ میلیارد و ۱۰۵ میلیون تومان)

ب.ام.و i۷ xDrive۶۰ یک سدان برقی لوکس با برد ۵۹۰ کیلومتر است که ترکیبی از قدرت، فناوری پیشرفته و طراحی چشم‌نواز را ارائه می‌دهد. این خودرو با توان ۵۳۶ اسب بخار و گشتاور ۷۴۵ نیوتن‌متر، تجربه‌ای پویا و هیجان‌انگیز را برای راننده فراهم می‌کند، درحالی‌که سیستم چهارچرخ محرک آن کنترل و پایداری بالایی را در هر شرایط جاده‌ای تضمین می‌کند. طراحی خارجی i۷، ترکیبی از شکوه و آیرودینامیک است. جلوپنجره کلیوی بزرگ، چراغ‌های باریک و دستگیره‌های هم‌سطح دربها، ظاهری مدرن و جسورانه به آن بخشیده‌اند. این طراحی نه‌تنها جذابیت بصری دارد، بلکه در بهبود عملکرد آیرودینامیکی خودرو نیز مؤثر است.

در فضای داخلی، ب.ام.و از نمایشگر منحنی دیجیتالی، سیستم نورپردازی محیطی و صندلی‌های چرمی با تنظیمات پیشرفته استفاده کرده است تا محیطی لوکس و راحت برای سرنشینان فراهم کند. ترکیب این امکانات، i۷ xDrive۶۰ را به یکی از برترین گزینه‌های خودروهای برقی لوکس در بازار تبدیل کرده و تجربه‌ای کم‌نظیر از رانندگی را ارائه می‌دهد.

۶ هیوندای آیونیک ۶ لانگ رِنج
قیمت پایه: ۵۲ هزار دلار
(چهار میلیارد و ۸۳۶ میلیون تومان)

هیوندای آیونیک ۶ لانگ رِنج یک سدان برقی پیشرفته با برد ۵۸۰ کیلومتر است که ترکیبی از راندمان بالا، طراحی مدرن و تکنولوژی روز را ارائه می‌دهد. این خودرو با بهره‌گیری از پلتفرم E-GMP و مصرف انرژی بهینه، گزینه‌ای ایده‌آل برای رانندگی‌های طولانی محسوب می‌شود.

پیشرانه این مدل با توان ۳۲۰ اسب بخار و گشتاور ۶۰۵ نیوتن‌متر، عملکردی قدرتمند و شتاب‌گیری سریع را تضمین می‌کند. طراحی خارجی آیونیک ۶ با خطوط روان و آیرودینامیک، چراغ‌های LED پیکسل‌دار و اسپویلر عقب، جلوه‌ای مدرن و منحصربه‌فرد دارد. این طراحی نه‌تنها به زیبایی خودرو می‌افزاید، بلکه باعث کاهش مقاومت هوا و افزایش بهره‌وری انرژی می‌شود.

فضای داخلی آیونیک ۶ نیز با نمایشگرهای دوقلو ۱۲/۳ اینچی، استفاده از مواد بازیافتی و فضای پای گسترده، تجربه‌ای راحت و پیشرفته را برای سرنشینان فراهم می‌کند. ترکیب این ویژگی‌ها، هیوندای آیونیک ۶ لانگ رِنج را به یکی از بهترین گزینه‌ها در میان سدان‌های برقی اقتصادی تبدیل کرده است.

داشبورد

تویوتا هایلوکس قدیمی: آغاز دوام در جاده‌های سخت

تویوتا هایلوکس، این خودروی کلاسیک پرفروش، همیشه نمادی از قدرت، استحکام و قابلیت اطمینان بوده است. اگر شما هم به خودروهایی علاقه دارید که توانایی عبور از سخت‌ترین جاده‌ها را داشته و همچنان در دل علاقه‌مندان خودرو در دنیا جایگاه ویژه‌ای دارند، بدون شک تویوتا هایلوکس قدیمی یکی از این خودروهاست.

هایلوکس معمولاً با پیشرانه‌های ۴ و ۶ سیلندر تولید می‌شد که توانسته بودند ترکیب خوبی از قدرت و مصرف سوخت مناسب ارائه دهند. در مدل‌های اولیه، موتورهای ۱/۶ لیتری تا ۲/۴ لیتری در نظر گرفته شده بود که توانایی تولید قدرت‌هایی بین ۷۵ تا ۹۵ اسب بخار را داشتند.

سیستم انتقال قدرت در هایلوکس قدیمی بیشتر از گیربکس‌های دستی ۴ یا ۵ سرعته بهره می‌برد که این موضوع رانندگی مستقیم و بدون پیچیدگی را برای راننده فراهم می‌کرد. این خودرو، به‌ویژه در مدل‌های دو دیفرانسیل، به راحتی می‌توانست در جاده‌های ناهموار و کوهستانی حرکت کند و به همین دلیل به‌عنوان یک وسیله حمل‌ونقل کاربری در بخش‌های کشاورزی و صنعتی محبوب بود.

تویوتا هایلوکس با سیستم تعلیق مک‌فرسون در جلو و کشش مستقل در عقب، عملکرد مناسبی در عبور از مسیرهای سخت داشت. این پیکاپ با قابلیت‌های آفرود خود توانست شهرتی جهانی به‌دست آورد.

طراحی تویوتا هایلوکس قدیمی به‌طور ویژه‌ای برای کاربری‌های سخت ساخته شده بود. بدنه مستحکم و مقاوم آن با خطوط ساده و بدون پیچیدگی، در عین حال که از لحاظ زیبایی‌شناسی خیلی پیچیده نبود اما به‌خوبی قابلیت‌ها و استحکام خود را به نمایش می‌گذاشت. کاپوت بلند و چراغ‌های دایره‌ای که در جلو قرار داشتند. این خودرو در بخش عقب معمولاً به‌صورت وانت طراحی می‌شد که فضای بزرگی برای حمل بار فراهم می‌کرد. از سوی دیگر، طراحی کابین ساده و راحت، به رانندگان این امکان را می‌داد که ساعت‌ها در جاده‌های صعب‌العبور رانندگی کنند و احساس راحتی کنند، برای دستیابی به این مقصود حتی، نمایشگرها و دکمه‌های مکانیکی در جایی قرار داشتند که کاربری راحت را برای راننده فراهم می‌کردند. در ایران، تویوتا هایلوکس بیشتر به‌عنوان خودرویی برای استفاده در کشاورزی، حمل‌ونقل کالا و حتی به‌عنوان خودروی خدماتی استفاده می‌شد و همانند امروز نماد خودروهای لوکس نبود.

شش پسربچه شرور پشت شیشه بانک

تبلیغات پرسروصدا درباره وام دانشجویی، وام فوری، وام بدون ضامن و تسهیلات قرض‌الحسنه، ودیعه مسکن و اعتبار خرید کالا، چگونه باعث سرخوردگی می‌شود

آبان فرزیان | دوست داشتم برایتان راهنمایی درباره دریافت وام ۱۰ میلیاردی با سود چهار درصد بنویسم که با کمک آن بتوانید چاله‌چوله‌های زندگی‌تان را پر کنید اما متاسفم چون چنین چیزی حداقل جز در خواب و رویا امکان‌پذیر نیست. در عوض این مطلب درباره چند تا وام پرسروصداست که صبح تا شب درباره‌شان گزافه‌گویی می‌کنند و دست آخر یا به دست‌تان نمی‌رسد یا بانک‌ها به‌دلیل کمبود منابع توان پرداختش را ندارد. حتی یکی، دو موردش سرکاری و کلاهبرداری است. ببخشید دیگر چون به نظرم امیدوار کردن الکی آدم‌ها هم یک نوع بدجنسی به حساب می‌آید.

۱ وام دانشجویی

صندوق رفاه دانشجویی وابسته به وزارت علوم دیروز برنامه زمان‌بندی اعطای وام‌های دانشجویی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ را ابلاغ کرد. ثبت‌نام از ۱۵ اسفند شروع شده و تا ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ ادامه دارد. وام دانشجویی براساس آنچه در بخشنامه آمده، برای مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی، پنج میلیون تومان است. دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای، ۷،۵ میلیون تومان وام می‌گیرند و به دانشجویان دکترای تخصصی ۱۰ میلیون تومان وام می‌دهند.

چرا نباید دل ببندید: با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی و تحصیل، مبالغ وام‌های دانشجویی کافی به نظر نمی‌رسد. اگر هدف خرید لپ‌تاپ است، متاسفانه دور از دسترس خواهد بود. گوشی موبایل و این حرف‌ها را هم فراموش کنید. روی شهریه یا بهتر است بگوییم بخشی از شهریه حساب کنید چون مثلا آن مقدار پول را برای خرید بلیت رفت‌وبرگشت با هواپیما هم نمی‌توان چیزی دندان‌گیر به حساب آورد.

۲ وام فوری

تبلیغ وام‌های فوری که عمدتاً روی در و دیوار شهر یا تراکت‌های تبلیغاتی مبتدیانه به چشم می‌خورند، از دور جذاب و دلفریب به نظر می‌رسند چون مثلا در آنها وعده‌های وسوسه‌انگیزی از جمله اعطای وام فوری بدون ضامن، قول پرداخت وام در کمتر از ۲۴ ساعت وادعای پرداخت بدون نیاز به مدارک پیچیده را تبلیغ می‌کنند. ناگفته پیداست بسیاری از این تبلیغات، وعده‌هایی غیرواقعی و فریبنده هستند. دریافت وام در مدت زمان بسیار کوتاه، اغلب محقق نمی‌شود و از همه بدتر اینکه وام‌های زیرزمینی، معمولاً با نرخ‌های بهره بسیار بالا و غیرقانونی ارائه می‌شوند. سود وام فوری، گاهی تا چند برابر نرخ‌های مصوب بانک مرکزی می‌رسد و وام‌گیرندگان را در چرخه بدهی‌های سنگین گرفتار می‌کند. برخی افراد و گروه‌های فعال در این حوزه، از روش‌های غیراخلاقی و غیرقانونی برای وصول مطالبات خود استفاده می‌کنند.

۳ وام بدون ضامن

درباره وام بدون ضامن هم زیاد اغراق می‌کنند. وام بدون ضامن در یک کلام، یعنی قرار است وثیقه‌های سفت و سخت از خود متقاضیان بگیرد. این موضوع حتی در روش‌های کاملا قانونی هم به چشم می‌خورد. منطق می‌گوید در هر نوع وام‌دهی، ریسک ناتوانی متقاضی در بازپرداخت وجود دارد. ضامن، به عنوان یک اهرم فشار، این ریسک را برای وام‌دهنده کاهش می‌دهد. بنابراین، حذف ضامن، ریسک را به شدت افزایش می‌دهد. به همین دلیل، وام‌دهندگان، به دنبال راه‌های دیگری برای کاهش این ریسک هستند.

وام‌های به اصطلاح بدون ضامن، اغلب با دریافت وثیقه‌های سنگین مانند سند ملکی، خودرو یا سپرده‌های بانکی ارائه می‌شوند و این وثیقه‌ها، در صورت عدم بازپرداخت، توسط وام‌دهنده ضبط می‌شوند. بانک‌ها هم برای پرداخت وام بدون ضامن، به شدت بر اعتبارسنجی متقاضیان تمرکز می‌کنند. سوابق مالی، درآمد، شغل و سایر عوامل مثل فیش حقوقی طرف را با وسواس بیرون می‌کشند و وارسی می‌کنند. در نتیجه، تنها افرادی که از نظر مالی بسیار قوی هستند، می‌توانند وام بدون ضامن دریافت کنند.

۴ وام قرض‌الحسنه

وام قرض‌الحسنه، با ماهیت خیرخواهانه و بدون بهره (ولی با کارمزد) خود، به عنوان یک راهکار ایده‌آل برای رفع نیازهای ضروری افراد نیازمند مطرح شده اما واقعیت این است که این نوع وام نیز، علی‌رغم ظاهری صمیمی، با چالش‌ها و محدودیت‌های متعددی روبرو است که آن را از دسترس بسیاری خارج می‌کند. صندوق‌های قرض‌الحسنه، عمدتاً بر پایه سپرده‌های مردمی اداره می‌شوند. این وابستگی به منابع محدود، باعث می‌شود موجودی این صندوق‌ها دچار نوسان باشد. در نتیجه، متقاضیان وام قرض‌الحسنه، علاوه بر اینکه ملزم به افتتاح حساب در صندوق قرض‌الحسنه هستند و باید در حساب‌شان پول بریزند، با زمان انتظار طولانی به‌منظور دریافت وام نیز روبه‌رو خواهند شد. صندوق قرض‌الحسنه هم موظف به رعایت اصول مدیریت ریسک است به همین دلیل، اعتبارسنجی متقاضیان و ارائه ضامن، به یکی از الزامات دریافت وام قرض‌الحسنه تبدیل شده است. پس حتی اگر پول بخوابانید و انتظار بکشید، در نهایت شاید نتوانند به شما وام بدهند!

۵ وام اعتباری یا وام خرید کالا

وام اعتباری یا اعتبار خرید کالا، جایگزین وام نقدی است و با وجود مزایای زیاد، دردسرها و مشکلات متعددی ایجاد می‌کند. اعتبار خرید کالا معمولاً به فروشگاه‌ها یا برندهای خاصی محدود می‌شود. این امر، قدرت انتخاب مصرف‌کننده را کاهش می‌دهد و ممکن است فرد مجبور شود کالایی را انتخاب کند که لزوماً بهترین گزینه برای او نیست.

قیمت کالاهایی که با اعتبار خرید به فروش می‌رسند، متاسفانه اغلب بالاتر از قیمت نقدی همان کالاها است. همچنین، نرخ سود و کارمزد وام‌های اعتباری را معمولا غیرمنصفانه در نظر می‌گیرند. برخی وام‌های اعتباری شرایط بازپرداخت پیچیده‌ای دارند که ممکن است برای عموم مردم دشوار باشد.

۶ وام مستاجران

وام ودیعه مسکن که به منظور کمک به مستاجران برای پرداخت ودیعه مسکن ارائه می‌شود. بهتر است بگوییم انشاءالله پرداخت می‌شود. وام ودیعه مسکن از سال ۹۸ اختراع شده و کلی مستاجر با هزار امید و آرزو برایش صف کشیده‌اند اما دست از پا درازتر به خانه برگشته‌اند.

بانک‌ها معمولا برای پرداخت وام ودیعه مسکن منابع کافی ندارند. پس تعداد وام‌های ودیعه مسکن که هر ساله پرداخت می‌شود، ناچیز است. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که با درایت دو سه تا وزارتخانه و همراهی بانک مرکزی و مهربانی بانک‌ها این مشکل به نوعی مرتفع شود، چون قدرت پوشش‌دهی وام ودیعه مسکن در شهرهای بزرگ ضعیف است و مستاجران در نهایت مجبور هستند به رقم کمرشکن سود وام ودیعه مسکن تن بدهند، در نهایت این یکی هم می‌رود پیش بقیه رفقایش و یک تیم شش نفره شرور و بدجنس را تشکیل می‌دهند.

۲۰ اسفند

فرصت دوباره به جاماندگان دریافت سود سهام عدالت

شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه اعلام کرد، جاماندگان از دریافت سود سهام عدالت با ثبت‌نام در سامانه سجام تا روز بیستم اسفندماه سال جاری در فهرست دریافت سود سهام عدالت قرار می‌گیرند. بر اساس اطلاعیه شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، افرادی که تاکنون سود سهام عدالت خود را دریافت نکرده‌اند می‌توانند تا روز بیستم اسفندماه سال جاری با ثبت‌نام در سامانه جامع اطلاعات مشتریان «Sejam.ir» یا اصلاح شماره شبای معتبر خود در این سایت در فرآیند دریافت سود قرار بگیرند. «شماره شبای نامعتبر، مسدود، راکد، مشترک (دو امضا)، ارزی و بلندمدت» از جمله مهم‌ترین دلایل واریز نشدن سود سهام عدالت است که باعث شده تا برخی سهامداران سود خود را دریافت کنند. تمام سهامداران سهام عدالت می‌توانند با مراجعه به سامانه سجام از وجود شماره شبا معتبر خود نزد شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اطمینان حاصل کنند.

رمز ارز

از وضعیت حساس بیت‌کوین تا سقوط ۱۵ هزار واحدی شاخص بورس

بیت‌کوین بزرگ‌ترین ارز دیجیتال دنیا از نظر ارزش بازار، بالاخره به بالای ۸۸ هزار دلار برگشت. بعد از چند روز طوفانی که این ارز با ریزش‌های پی‌درپی مواجه شد و نتوانست سطوح حمایتی خود را حفظ کند، روز گذشته تا حوالی بعد از ظهر جهش قابل توجهی داشت. البته پس از عبور از سطح ۸۸ هزار دلار، قیمت بیت‌کوین با اندکی اصلاح به ۸۷ هزار دلار هم رسید اما دوباره توانست سطح بالاتر را پس بگیرد. با این حال، داده‌های معاملاتی نشان می‌دهند که این رشد ممکن است خیلی پایدار نباشد. با اینکه در یک بازه چهار ساعته بیت‌کوین از سطح حمایتی ۸۲ هزار دلار جهش کرد و مقاومت ۸۷ هزار دلار را پس گرفت، اما به دلیل حجم کم معاملات اسپات، تحلیلگران اعلام کردند، هنوز فشار خرید کافی برای ادامه روند صعودی برای این ارز وجود ندارد. فقط در صورت بیرون آمدن از شاخص ترس و بالا رفتن حجم معاملات، ممکن است قیمت بیت‌کوین از سطح ۸۸ هزار دلار بالاتر برود و در این صورت رسیدن ۹۰ هزار دلار هم دور از تصور نیست. اما فرضیه دیگری هم وجود دارد. اگر بیت‌کوین نتواند بالای ۸۸ هزار دلار باقی بماند، احتمال کاهش قیمت و برگشت به سطح ۸۲ هزار دلار هم اصلا عجیب نیست.

طبق گزارش کوین‌گلس Coinglass روز سه‌شنبه حدود ۳۷۰ میلیون دلار از پوزیشن‌های لانگ بیت‌کوین لیکوییدشده در بازار مشتقات را شامل می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که رشد اخیر بیشتر ناشی از پوشش پوزیشن‌های شورت معامله‌گران بوده است، نه ورود سرمایه جدید. پوزیشن شورت در معاملات ارز دیجیتال به معنی پیش‌بینی کاهش قیمت یک رمزارز و استفاده از این کاهش قیمت برای کسب سود است. در این روش، معامله‌گر ابتدا مقداری از رمز ارز را قرض می‌گیرد و آن را در بازار می‌فروشد. سپس، زمانی که قیمت رمز ارز کاهش یافت، آن را دوباره خریداری کرده و به قرض‌دهنده بازمی‌گرداند. با این اوصاف بازار در نقطه حساسی قرار دارد و رفتار معامله‌گران و میزان نقدینگی می‌تواند مسیر بعدی بیت‌کوین را تعیین کند. اما شرایط سیاسی به مسیری حرکت کرده که ممکن است یک طوفان در این بازار به راه بیندازد. دولت ترامپ قصد دارد در تاریخ ۷ مارس، اجلاس بزرگی درباره کریپتو در کاخ سفید برگزار کند. در این رویداد، رهبران صنعت کریپتو و سیاست‌گذاران با اعضای کارگروه ترامپ در زمینه دارایی‌های دیجیتال دیدار خواهند کرد. این طور که اعلام شده، هدف این نشست، بحث درباره مسائل سیاسی و تدوین چارچوب قانونی برای کریپتو و بلاکچین است. این رویداد در حالی برگزار می‌شود که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد ارزهای دیجیتال مانند بیت‌کوین، اتریوم، ریپل، سولانا و کاردانو را به ذخیره استراتژیک آمریکا اضافه کند.

» ریپل که در مقام چهارم بازار کریپتو قرار دارد، صعود یک روزه با ۱۰.۶۷ درصد افزایش را ثبت کرد. این حرکت صعودی ارزش بازار آن را به ۱۴۴.۱۶۰۹ میلیارد دلار یا ۵.۰۲ درصد از کل ارزش بازار ارزهای دیجیتال افزایش داد. این توکن در ۲۴ ساعت گذشته در محدوده ۲ دلار و ۴۳۹ سنت تا دو دلار و ۵۳۲ سنت دلار معامله شده و در طول هفت روز گذشته، با افزایش ۸.۲۸ درصدی، صعود کرده است. حجم معاملات ریپل در روز سه‌شنبه تا زمان نگارش این مطلب ۱۰.۱۱۸۶ میلیارد دلار یا ۶.۶۳ درصد از حجم کل ارزهای دیجیتال بود. با قیمت فعلی، ریپل هنوز ۲۵.۳۶ درصد از بالاترین قیمت خود یعنی ۳.۴۰ دلار در ۱۶ ژانویه نزول کرده است.

» شاخص بورس در جریان معاملات دیروز بازار سرمایه با افت ۱۵ هزار واحدی روبرو شد. در جریان دادوستدهای روز گذشته بازار بورس، بیش از ۱۵ میلیارد و ۳۵۵ میلیون سهم و حق تقدم به ارزشی بالغ بر ۱۰ هزار و ۸۱۲ میلیارد تومان در بیش از ۴۶۵ هزار نوبت مورد دادوستد قرار گرفت و شاخص بورس با افت ۱۵ هزار و ۳۳۲ واحدی در ارتفاع ۲ میلیون و ۷۹۰ هزار و ۱۱ واحد قرار گرفت. در بازارهای فرابورس ایران هم با معامله ۷ میلیارد و ۸۴۱ میلیون ورقه به ارزش ۱۲۱ هزار و ۱۸۲ میلیارد تومان در ۲۷۷ هزار نوبت، شاخص فرابورس (آیفکس) ۱۱۹ واحد افت کرد و در ارتفاع ۲۵ هزار و ۴۵۴ واحد قرار گرفت. روز گذشته خودرو برترین گروه صنعتی با ارزش معاملاتی ۷۱۸ میلیارد تومان بود و بعد از آن گروه فلزات اساسی و بانک‌ها در جایگاه بعدی ایستادند.

بازاریابی یک وکیل کاردست مملکت داد

منبع شایعه شلاق برای رونالدو که بود؟

روز گذشته سفارت جمهوری اسلامی ایران در رُم، شایعات و خبرسازی‌های رسانه‌های ایتالیایی درباره عدم حضور «کریستیانو رونالدو» بازیکن پرتغالی تیم النصر، در ایران را تکذیب کرد.

به گزارش ایرنا، ایران در ایتالیا با انتشار پیامی اخبار منتشرشده از سوی برخی رسانه‌های ایتالیایی را «خارج از اصول اخلاقی حرفه‌ای» توصیف و اعلام کرد: «تصمیم به عدم استفاده از نامبرده در بازی تیم النصر در ایران، صرفاً بر اساس ملاحظات پزشکی و به دلیل مصدومیت خفیف کریستیانو رونالدو و جلوگیری از تشدید آسیب‌دیدگی او اتخاذ شده است. این مسئله، پیش از انتشار اخبار کذب توسط رسانه‌های ایتالیایی، به‌راحتی از طریق تماس با مسئولان تیم قابل راستی‌آزمایی بود.»

در این پیام همچنین تأکید شده است که «بررسی‌های انجام‌شده از طریق مراجع قضایی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد ادعای مربوط به خطر اجرای صد ضربه شلاق برای کریستیانو رونالدو، صرفاً یک خبرسازی رسانه‌ای بوده و هیچ‌گونه حکمی در این زمینه صادر نشده است. این ادعا از اساس تکذیب می‌شود.»

در پایان این بیانیه، سفارت جمهوری اسلامی ایران در رم ضمن تأکید بر احترام به آزادی بیان و انتشار اخبار، از اصحاب رسانه خواسته است که «اصول اخلاقی حرفه‌ای را رعایت کرده، از انتشار اخبار کذب و بی‌اساس خودداری کنند و اصل صداقت را قربانی جلب مخاطب نکنند.»

اما ماجرای حکم صد ضربه شلاق چه بود؟

یک وکیل دادگستری به نام «علی.گ» که پروانه وکالتش در بیستم فروردین ۱۴۰۲ صادر شده و این پروانه وکالت تا ۳۰ آذر ۱۴۰۴ اعتبار خواهد داشت مهرماه ۱۴۰۲ ویدیویی را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد که در آن مدعی شده بود کریستیانو رونالدو در صورت سفر دوباره به ایران باید متحمل ۹۹ ضربه شلاق شود. استدلالش هم این بود که رونالدو وقتی برای دیدار با پرسپولیس به تهران سفر کرده بود، «فاطمه حمامی»، دختر هنرمند دارای معلولیت و نقاش ایرانی را در آغوش گرفت تا از او برای کشیدن پرتره‌اش تشکر کند.

آقای گ که به نظر بیشتر بلاگر اینستاگرام است تا وکیل دادگستری، پس از پست رونالدو نیز هر بار دیگر در پست‌هایش از احکام مرتبط با «شلاق» و «لمس نامحرم» حرف زد، نام رونالدو را نیز به‌عنوان هشتگ، برای بالا بردن بازدیدهایش به کار برد.

واکنش‌های قبلی

در سال ۱۴۰۲ که این اظهارات مطرح شد نیز پس از بازتاب در روزنامه «مارکا» در اسپانیا و پس از آن روزنامه «بیلد» آلمان؛ سفارت جمهوری اسلامی در مادرید، در حساب توییتری نوشت: «صدور هرگونه حکم دادگاه علیه ورزشکاران بین‌المللی در ایران را به‌شدت تکذیب می کنیم. مایه نگرانی است که انتشار چنین اخبار بی‌اساس، می‌تواند جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی علیه ملت مظلوم فلسطین را تحت‌الشعاع قرار دهد.»

نکته

چند سوال متداول در خصوص دعوی الزام به تحویل مبیع

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۱۸

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

باز هم قرار است این بار جمع‌بندی پاسخ به چند سوال را داشته باشیم در حوزه دعاوی ملکی. همان‌طور که در مطالب پیشین گفته شد مبیع در واقع مالی است که مورد معامله قرار می گیرد.

سوال اول:

شخص الف به موجب مبایعه نامه عادی ملک خود را به شخص ب می‌فروشد و انتقال رسمی مبیع به پرداخت الباقی ثمن (قیمت یا هزینه معامله)، موکول می‌شود. شخص ب بدون توجه به این شرط، مبیع را به شخص ج می‌فروشد. شخص ب الباقی ثمن قرارداد را به شخص الف نمی‌پردازد و نتیجتا قرارداد اولیه منفسخ می‌شود. حال سوال اینجاست که اگر قرارداد منفسخ شود چه اتفاقی برای قرارداد شخص ب با ج خواهد افتاد؟ آیا شخص ج می‌تواند دادخواست الزام به تحویل علیه ب مطرح کند؟

پاسخ:

در این حالت با توجه به اینکه شخص ب دادخواست خود را بایستی به طرفیت مالک رسمی سند (شخص الف) و نیز علیه شخص ب با عنوان بدوا الزام به تنظیم سند رسمی و نیز الزام به تحویل مبیع مطرح کند، اگر در دادگاه شخص الف حاضر شود و دفاع کند، دادگاه با توجه به اینکه انفساخ امری قهری است دعوی شخص ج را رد خواهد کرد چرا که قرارداد منفسخ شده قابلیت انتقال به دیگری را ندارد.

سوال دوم:

آیا دعوی الزام به تحویل مبیع بایستی لزوماً با دعوی الزام به تنظیم سند مطرح شود؟

پاسخ:

بله لزوما بایستی بدوا مالکیت شخص مدعی اثبات شود، سپس الزام به تحویل رسیدگی شود البته طرح هر دو دعوی به موجب یک دادخواست امکان‌پذیر است. در این خصوص به رای وحدت رویه شماره ۶۷۲ در تاریخ ۱ دی ۱۳۸۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور اشاره می کنیم.

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

خلع ید از اموال غیرمنقول فرع بر مالکیت است بنابراین طرح دعوای خلع ید از زمین قبل از احراز و اثبات مالکیت قابل استماع نیست. این رای وحدت رویه در مورد خلع ید نوشته شده اما مقصود اصلی احراز مالکیت و اهمیت آن جهت طرح هرگونه دعوی ملکی است.

سوال سوم:

آیا دراین دعوی (الزام به تحویل) احراز تصرفات فروشنده بر مبیع شرط است؟ به بیان ساده آیا خریدار فقط علیه فروشنده متصرف می‌تواند دعوی الزام را مطرح کند یا خیر؟

پاسخ:

خیر. در دعوی الزام به تحویل و تسلیم مبیع، احراز تصرفات بایع بر مبیع شرط نیست. زیرا این دعوی، دارای منشا قراردادی است و در دعوی الزام به تسلیم مبیع خواهان دعوی، غیر از اثبات وقوع عقد که معمولا در قالب الزام به تنظیم سند رسمی و تسلیم مبیع مطرح می شود، تکلیف دیگری ندارد. لیکن در برخی موارد شخص خریدار ناچار است ضمن طرح دعاوی چون اثبات مالکیت و یا اثبات وقوع عقد و یا حتی الزام به تنظیم سند رسمی، اقدام به طرح دعوی خلع ید علیه متصرف نیز بکند.

سوال چهارم:

تکلیف انتقالی که امکان تسلیم مبیع در آن وجود ندارد، چیست؟

پاسخ:

در این صورت برای خریدار خیار تعذر تسلیم پدید می‌آید به این معنی که با توجه به عدم امکان انجام تعهد، خریدار حق فسخ قرارداد یا همان خیار فسخ را دارا می‌شود و می‌تواند قرارداد را فسخ کند.

راه ارتباطی با وکیل:

وب سایت: sahabigroup.com

اینستاگرام: vakil_sahabii@

روزی روزگاری وکالت (۴۷)

چهار نام جهانی در میان وکلای ایرانی

نگاهی به نقش آفرینی حقوق‌دانان ایرانی در صحنه بین‌المللی

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

جمشید ممتاز

۱۴ اسفند امسال، پنجاه و هشت سال از مرگ دکتر محمد مصدق گذشت. بیست سال پیش در چنین روزی برای اولین و آخرین بار به همراه دوستان دانشکده حقوق با یک دستگاه اتوبوس که بچه‌ها کرایه کرده بودند از میدان انقلاب به سمت قلعه احمدآباد واقع در استان البرز کنونی رفتیم. باغچه‌ای که با دیوارهایی خشتی و کاهگلی محصور شده بود و آخرین اقامتگاه و محل درگذشت و خاک‌سپاری مصدق شد. او پس از گذراندن سه سال حبس، به قلعه احمدآباد تبعید و حصر شد. البته نام درست و حقوقی «حصر»، همان «بازداشت غیرقانونی» است که همواره چه در «قانون مجازات عمومی» (۱۳۰۴) و چه در «قانون مجازات اسلامی» (۱۳۹۲) جرم تلقی شده و سال‌های آخر زندگی نخست وزیر و حقوق دان ملی ایران با آن سپری شد. بیشتر شناخت مردم از مصدق با دوران نمایندگی مجلس، ریاست دولت و ماجرای ملی کردن صنعت نفت بر می گردد؛ اما برای جامعه حقوقی ایران، ایشان علاوه بر جنبه سیاسی، در سپهر حقوقی واجد جایگاه شایسته‌ای است: اولین ایرانی دانش‌آموخته دکتری حقوق در کشور سوئیس، مدرس آیین دادرسی مدنی در مدرسه علوم سیاسی، نویسنده کتاب «دستور در محاکم حقوقی» با موضوع آیین دادرسی مدنی در سال ۱۲۹۶ خورشیدی در یک صد و هفت سال قبل (که با همت دکتر حسن محسنی استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۶ با مقدمه‌ای مفصل توسط شرکت سهامی انتشار بازنشر شد)، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز و البته نماینده و وکیل ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری. در ادامه به چند حقوق‌دان ایرانی که در مجامع بین‌المللی از میهن خود دفاع کرده‌اند می‌پردازیم.

نخست. محمد مصدق: پس از ملی‌شدن صنعت نفت، انگلیس با استناد به معاهده ۱۳۱۲ خورشیدی که بین تهران و لندن منعقد شده بود و همچنین به بهانه «نقض قوانین بین‌المللی» در «دیوان بین‌المللی دادگستری» از ایران شکایت کرد. هفتم خرداد ۱۳۳۱، دکتر مصدق همراه هیأتی از نمایندگان مجلس و دولت به لاهه رفتند تا در جلسه نهایی دادگاه لاهه که ۱۹ خرداد تعیین شده بود شرکت کنند. اعضای هیأت نمایندگی ایران مرکب از آقایان حسین نواب، نصرالله انتظام، اللهیار صالح، دکتر علی شایگان، مهندس کاظم حسیبی، دکتر کریم سنجابی، دکتر مظفر بقائی و دکتر محمدحسین علی‌آبادی بودند. جلسه‌ای که در نهایت با اعلام عدم صلاحیت رسیدگی به شکایتِ مذکور از سوی قُضات دیوان عملاً منجر به پیروزی تاریخی دولت ایران شد.

دوم. احمد متین دفتری: وی اولین فردی است که در ایران و پس از ایجاد تشکیلات عدلیه نوین «وزیر دادگستری» نامیده شد. متین دفتری از سال ۱۳۱۲ در مدرسه نظام، مدرسه صنعتی، مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی و سرانجام دانشکده حقوق دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس مشغول شد و تا زمان بازنشستگی در سال ۱۳۴۸ به این کار ادامه داد. درس اصلی او در آغاز تدریس، رویه قضائی بود، اما بعدها درس مشهور آیین دادرسی مدنی (اصول محاکمات حقوقی) را که خود تدوین کننده آن بود، تدریس می‌کرد. احمد متین دفتری در مقام استاد حقوق بین‌الملل و آیین دادرسی کیفری و مدنی چند کتاب ارزنده هم در رشته حقوق عرضه کرده است. نام متین دفتری در محاکم بین‌المللی نیز مطرح بود. بخشی از سمت‌ها و عناوین علمی و قضایی دکتر متین دفتری عبارتند از: قاضی دیوان داوری بین‌المللی لاهه، داور حقوقی و نماینده دولت در جامعه ملل، رئیس هیأت نمایندگی ایران در یازدهمین کنگره بین‌المللی جزایی و ششمین کنفرانس بین‌المللی حقوق جزایی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق تطبیقی، استاد آکادمی حقوق بین‌المللی لاهه، دادرس دیوان داوری لاهه به مدت شش سال از ۱۹۳۹ میلادی که پس از پایان این دوره، مجدداً به این سمت انتخاب شد.

سوم. جمشید ممتاز: استاد برجسته حقوق بین‌الملل در دانشگاه تهران و چند دانشگاه معتبر بین‌المللی، رئیس پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و عضو آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه در جریان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد و و نیز مذاکرات هسته‌ای که به امضای موافقت‌نامه «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) انجامید حضور داشت و در مورد اخیر، مشاور وزیر امور خارجه بود. وی در پرونده شکایت اخیر ایران علیه آمریکا، داور اختصاصی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بود.

چهارم. دکتر محسن محبی: او علاوه بر وکالت دادگستری، به داوری در مجامع داخلی و بین الملل نیز پرداخته و برای سالیان متمادی دبیر کل مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران بوده است. همچنین از همکاری با دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و راه‌اندازی و سردبیری نشریه «مجله حقوقی» که از اثرگذارترین نشریات علمی کشور در حوزه حقوق بین‌الملل بوده و اسناد معتبری را برای اولین بار ترجمه و منتشر کرده، می‌توان یاد کرد. ایشان علاوه بر نمایندگی دفتر خدمات در لاهه، مدتی ریاست آن را نیز بر عهده داشتند. در سال ۱۳۹۵ وی به عنوان نماینده رابط دولت در دیوان بین‌المللی دادگستری منصوب و معرفی شد. دو دعوای مهم ایران علیه ایالات متحده امریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری (لاهه)، در همین دوران مطرح و ثبت شد و خود او به عنوان رییس مرکز و نماینده رابط دولت، و همراه با وکلای ایرانی و خارجی همچون آلن پله، در جلسات رسیدگی هر دو پرونده شرکت کرد که تاکنون هر دو پرونده موفقیت‌آمیز بوده است.

برای ارتباط با وکیل می توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.

ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

دوسیه

آیا به هدیه مالیات تعلق می گیرد؟

چند شرط مهم که برای استفاده از تسهیلات مالیاتی باید به آن‌ها توجه کنید

هانیه اشتغالی
وکیل پایه یک دادگستری

وقتی صحبت از مالیات بر هدیه به میان می‌آید با یکی از انواع مالیات با عنوان «مالیات بر درآمد اتفاقی» مواجهیم. بر اساس ماده ۱۱۹ قانون مالیات‌های غیرمستقیم هر درآمد نقدی یا غیرنقدی که هر شخص –چه حقیقی و چه حقوقی به صورت بلاعوض و رایگان یا از طریق معاملات محاباتی یا به عنوان جایزه یا هر عنوان دیگری از این دست دریافت می کند مشمول این نوع مالیات می‌شود.

بر اساس شرح ارایه شده در این ماده ملاک شمول این نوع مالیات «بلاعوض بودن یک درآمد» یا «عدم وجود تعادل اقتصادی بین دو عنصر معامله شده در یک قرارداد» است. چنان‌چه واژه محاباتی نیز در خصوص قراردادهایی به کار می‌رود که در آن‌ها به صورت عامدانه تعادل ارزش آن‌چه مورد داد و ستد قرار می گیرد، مورد بی‌توجهی واقع شود. مثل این که شخصی خانه خود را در عوض یک شاخه نبات به دیگری واگذار کند. در چنین مواردی عرف می گوید که آن‌چه مورد معامله قرار گرفته است با هم موازنه و تعادلی ندارند. صلح معوض و هبه معوض از جمله این معاملات است.

از آن‌جا که در متن ماده ذکر شده است که سایر انواع معاملاتی از این دست هم مشمول همین حکم‌اند، نذر و وصیت نیز از موجبات تعلق این نوع مالیات محسوب می‌شود. چنان‌چه شخصی مالی را برای دیگری نذر کند و همین‌طور زمانی که شخصی مالی را برای دیگری وصیت می کند و این مال در محدوده یک سوم اموالی قرار می گیرد که شخص می‌تواند نسبت به آن وصیت کند، شخصی که مال در مورد او وصیت شده و به مالکیت او درآمده است باید مالیات بر درآمد اتفاقی بپردازد.

اما نحوه محاسبه این نوع مالیات چگونه است؟ چنان‌چه شخصی از طریق یکی از روش‌های پیش گفته صاحب مالی شود، باید بر اساس نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم که نرخ پلکانی مالیات بر درآمد را بیان می کند مالیات بپردازد. این نرخ برای درآمدهای سالانه تا پنجاه میلیون تومان ۱۵٪، برای درآمدهای سالانه پنجاه تا صد میلیون تومان، نسبت به مازاد بر پنجاه میلیون تومان ۲۰٪ و برای درآمدهای سالانه بیش از صدمیلیون تومان، نسبت به مازاد آن ۲۵٪ است. قابل توجه آن که برای درآمد اتفاقی، معافیت پایه‌ای که در خصوص مالیات بردرآمد درنظر گرفته می‌شود، لحاظ نمی‌شود و مالیات نسبت به کل این درآمد اعمال می‌شود.

پر واضح است که هدیه‌هایی مشمول این اتفاق می‌شوند که به طور رسمی انتقال یابند و بدین ترتیب سازمان امور مالیاتی در جریان نقل‌وانتقال آن قرار گیرد. برای مثال خانه‌ای که مورد صلح و وصیت یا خودرویی که مورد هبه قرار می گیرد. ولی چنان‌چه شخصی تعداد زیادی سکه یا جواهرات ارزشمندی را به دیگری هدیه کند، از آن‌جا که سازمان امور مالیاتی راهی برای اطلاع یافتن از آن ندارد، نمی‌تواند نسبت به چنین هدیه‌ای مالیات اخذ کند.

به علاوه در مواردی خاص نسبت به این نوع درآمد استثناء در نظر گرفته شده است:

بر اساس ماده ۱۲۷ قانون مالیات‌های مستقیم، موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود:

الف – کمک‌های نقدی و غیر نقدی بلاعوض سازمان‌های خیریه یا عام‌المنفعه یا وزارتخانه‌ها یا موسسات دولتی و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی به اشخاص حقیقی غیر از مواردی که مشمول مالیات فصل حقوق است.

ب – وجوه یا کمک‌های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش‌سوزی و یا حوادث غیر مترقبه دیگر.

ج – جوایزی که دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می‌نماید.

د – کمک‌های بلاعوض دولتی به شرکت‌های دانش بنیان و واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری با هدف توسعه فناوری»

بنابراین چنان‌چه هدیه یا کمکی بتواند در شمول یکی از بندهای فوق قرار گیرد، مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی نخواهد بود.

برای ارتباط با وکیل از طریق ایمیل hanie.eshteghali@gmail.com یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.

پارکه / مصطفی آرانی

آنچه باید در مورد گواهی ولادت الکترونیکی بدانیم

تفاوت اسناد مالکیت سبزرنگ و تک‌برگ (کاداستری)

از زبان یک مقام مسئول

این هفته سوالی از سوی مخاطبان روزنامه نداریم و ۲ موضوع ثبتی که مسئولان اداره ثبت یا مرتبط به ثبت اسناد به آن پرداختند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. رئیس کانون سردفتران و دفتر یاران درباره تفاوت اسناد سبزرنگ و تک برگ (کاداستری) و دفترچه‌ای گفت: اسناد سبزرنگ، اسنادی هستند که تاریخ صدورشان بعد از سوم تیرماه سال ۱۴۰۳ یعنی بعد از اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول است. از نظر کیفیت و مالکیت و شکلی این اسناد با اسناد تک برگ تفاوتی ندارند و فقط از نظر نحوه نقل و انتقالی که باید نسبت به این اسناد شود، متفاوت هستند.

از سوم تیرماه سال ۱۴۰۳ که قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول اجرایی شد، نحوه نقل و انتقال و جابجایی و نوشتن مبایعه نامه نسبت به اسناد تغییر کرد؛ به این معنا اسنادی که بعد از سوم تیرماه صادر می شوند که سبزرنگ هستند؛ از حیث نقل و انتقال نسبت به اسناد ماقبلشان متفاوت هستند و مشاورین املاک نسبت به این اسناد سبزرنگ حق نوشتن مبایعه نامه و قولنامه را ندارند و این اسناد باید طبق قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول یا در قالب پیش‌نویس یا در دفاتر اسناد رسمی نوشته شوند. در وسط اسناد سبزرنگ هم مطلبی با این مضمون نوشته شده که «انتقال این سند تابع تشریفات قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول است».

او درباره اینکه آیا همه اسناد اعم از کاداستری (تک برگ) و دفترچه‌ای باید تغییر کنند؟ گفت: الزامی برای تغییر اسناد کاداستری و تک برگ (زردرنگ) به اسناد جدید و سبزرنگ نیست ولی کسانی که اسناد دفترچه‌ای دارند ملزم به تعویض سند هستند که این اسناد هم شامل قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول می‌شود و سند سبزرنگ برای آنها صادر می‌شود.

۲. از سوی دیگر افشار خاکباز معاون فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور با تشریح نحوه ارائه خدمت گواهی ولادت الکترونیک به مردم بیان داشت: تا پیش از این والدین پس از ولادت نوزاد با مراجعه حضوری به مرکز زایمان یا بیمارستان نسبت به دریافت گواهی ولادت فیزیکی اقدام و پس از مراجعه به ثبت احوال روند دریافت شناسنامه نوزاد طی می‌شد.

وی افزود: در روند جدید، گواهی ولادت نوزاد به صورت الکترونیک در مرکز درمانی صادر و داده‌های ولادت در پایگاه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ثبت می‌شود و این داده‌ها به صورت برخط به سازمان ثبت احوال کشور ارسال شده و کد رهگیری گواهی ولادت برای والدین پیامک می‌شود و والدین به ثبت احوال محل سکونت مراجعه نموده و با ارائه کد رهگیری خدمات صدور شناسنامه نوزاد خود را دریافت می کند.

افشار خاکباز با اشاره به اهداف و مزایای این طرح و آینده ارائه خدمات هویتی در کشور اظهار داشت: اجرای این پروژه ضمن جلوگیری از جعل اطلاعات هویتی، باعث تسریع در ارائه خدمات هویتی به مراجعین خواهد شد و ضمن پیشبرد اهداف کلان سازمان ثبت احوال کشور در ارائه خدمات الکترونیک هویتی باعث می گردد در آینده نزدیک والدین بدون مراجعه به ادارات ثبت احوال و تنها با ورود به سامانه سهیم سازمان ثبت احوال کشور و ثبت نام نوزاد خود، روند صدور شناسنامه نوزاد به صورت الکترونیک طی گردد و شناسنامه از طریق شرکت پست درب منزل تحویل والدین شود.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید.

PR@7sobh.com

Mo.masjedi@gmail.com

درسنامه

آیا روزه‌خواری جرم است؟

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

روزه‌داری در اسلام یکی از عمل‌های مهم و مورد تأکید است که در ماه مبارک رمضان انجام می‌شود. حکم روزه در قرآن و سنت‌های پیامبر اسلامی مشخص شده است. روزه فرض واجبیت دارد و از طلوع فجر تا غروب آفتاب در طول روز مسلمانان از خوردن، آشامیدن و انجام عمل جنسی پرهیز می کنند.

از افراد مسلمان خواسته می‌شود که در ماه رمضان از روزه‌داری خودداری نکنند، مگر در صورت مواردی که به شدت مانع از انجام روزه می‌شوند، مانند بیماری شدید، بارداری، شیردهی، سفر طولانی و غیره. بنابراین، افرادی که در شرایط خاصی مانند بیماری شدید یا مسافرت قرار دارند، می‌توانند از روزه‌داری معاف شوند و بعدا روزه‌هایی که از آن محروم مانده‌اند را جبران کنند

با شروع ماه مبارک رمضان عده‌ای به دلایل مختلف مانند بیماری و ناتوانی بدنی از نعمت روزه‌داری محروم می‌مانند اما در این بین افرادی هستند که به عمد اقدام به روزه‌خواری می کنند.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ درباره روزه‌خواری به صراحت صحبت نکرده، اما درباره روزه خواری در ملأعام از آنجا که عملی حرام است، اظهار نظر کرده است.

روزه خواری در ملأعام و تظاهر به آن از نظر قانون مجازات اسلامی جرم است و هنگامی که فردی در انظار عمومی اقدام به این کار کند مرتکب جرم شده، چرا که تظاهر به فعل حرام کرده است.

مطابق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی هر شخص علنا در انظار عمومی و معابر تظاهر به فعل حرام کند، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست، اما عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. بر این اساس اگر فردی در منزل خود و یا مکان خلوتی که هیچ ترددی در آنجا وجود ندارد اقدام به روزه‌خواری کند، مجازات نخواهد داشت.

روزه‌خواری افراد غیرمسلمان چگونه جرم محسوب می‌شود؟ توجه به این نکته ضروری است که این ماده قانون شامل افراد غیرمسلمان هم می‌شود، به این معنا که با وجود آن که روزه گرفتن برای افراد غیرمسلمان واجب نیست، اما در صورتی که آن‌ها در ملاعام اقدام به روزه خواری کنند مرتکب جرم شده‌اند، زیرا تظاهر به فعل حرام کرده‌اند و به مجازات مقرر در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

همچنین روزه‌خواری در ملأ عام هنگامی جرم است که به صورت عمدی انجام شود. بنابراین اگر فردی سهوا در معابر عمومی اقدام به نوشیدن یا خوردن کند مرتکب جرمی نشده است.

به طور کلی، احکام روزه خواری در ایران ذیل مبحث تظاهر به فعل حرام و توسط ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تنظیم شده است که این ماده به شدت بر اهمیت ادای روزه در ماه مبارک رمضان تأکید دارد.

برای ارتباط با ایشان می توانید با شماره ۰۹۱۲۴۳۹۴۹۵۸ تعامل کنید.

نکته بازی

می‌دانی این مصاحبه‌ات جریمه دارد؟

تراکتور در شبی که فرصت‌های زیادی برای گلزنی داشت، در خانه مقابل التعاون عربستان با تساوی بدون گل متوقف شد. شاگردان اسکوچیچ الحق و الانصاف مستحق یک پیروزی مطمئن بودند اما هم مهاجمانش قدر فرصت‌ها را ندانستند و هم دروازه‌بان حریف درخششی عجیب و غیرمنتظره داشت. عجیب‌تر اما واکنش خداداد عزیزی نسبت به اتفاقات این بازی بود. او در پایان بازی و در جمع خبرنگاران به نحوه قضاوت داور اعتراض کرد و گفت: «داور بازی امشب به سادگی به بازیکنان ما کارت زرد می‌داد اما به بازیکنان التعاون با هر نوع خطایی، کارت نمی‌داد. الان می‌فهمم چرا روز گذشته سرپرست حریف از ناظر بازی و ناظر داوری پرسید بازیکنانی که اخطار بگیرند و ۳ کارته شوند، بازی برگشت محروم هستند یا نیستند؟ فکر می‌کنم به داور گفته بودند به بازیکنان التعاون اخطار نده تا ۳ اخطاره نشوند. با یک پرتاب بطری که بازیکنان را بیرون نمی‌کشند. نمی‌دانم چرا چنین اتفاقاتی فقط برای ما می‌افتد؟» قبل از هر چیزی باید به جناب خداداد بگوییم که اگر این مصاحبه به دست ای‌اف‌سی برسد، بی‌تردید جریمه یا محروم خواهید شد. آنجا دیگر لیگ ایران نیست که شما یا هر کس دیگری، هر چه می‌خواهد بگوید و هیچ اتفاقی نیفتد. شما در این مصاحبه رسما به داوران و ناظر بازی و ناظر داوری تهمت زده‌اید! نکته بعد اینکه واقعا قضاوت داوران اینقدر بد بود؟ یعنی علاوه بر اینکه در لیگ برتر کسانی نمی‌خواهند تراکتور قهرمان شود، در ای‌اف‌سی هم کسانی هستند که می‌خواهند مانع موفقیت تراکتور شوند؟ انصافا جوری حرف نزنید که فردا حرف‌های منطقی و درست شما هم خریدار نداشته باشد. آخر یعنی چه که: «نمی‌دانم چرا این اتفاقات فقط برای ما می‌افتد؟»

پیگیری حقوقی؟ بی‌خیال شوید!

در روز بازی استقلال و النصر، شهرداری تهران در اقدامی خوب و مثبت، با نصب چند بیلبورد در سطح شهر به استقبال این بازی رفته بود اما فردی به نام علی بازگشا که گفته می‌شود مدیر ارتباطات سازمان زیباسازی شهرداری تهران است، در توئیتی نوشت: «در کنار استقلال ایران به مصاف النصر می‌ریم ولی اون ستاره قلابی‌هارو نباید می‌زدیم.» منظور ایشان از اون ستاره‌های قلابی، ستاره‌های روی لوگوی رسمی باشگاه استقلال بود. ساعاتی بعد از انتشار گسترده این توئیت، مدیر روابط عمومی استقلال در توئیتی اینگونه پاسخ جناب مسئول را داد: «کاش کار زیبای سازمان زیباسازی شهرداری تهران که بعد از سال‌ها نگاه خوب و یکسانی به تیم پرافتخار استقلال داشت، با اظهارنظر احمقانه یک نفر زیر سوال نمی‌رفت و متوقف نمی‌شد.» این پاسخ به اندازه کافی تند بود و نیاز به واکنش دیگری نبود اما مدیر روابط باشگاه استقلال به این پاسخ اکتفا نکرد و در مصاحبه‌ای مدعی شد مدیریت حقوقی باشگاه استقلال، این اقدام زشت و ناشایست را از طریق مراجع قانونی پیگیری خواهد کرد. راستش نمی‌دانیم هدف از این پیگیری حقوقی چیست. مگر اولین بار است که چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد؟ باشگاه‌های لیگ برتری چند بار در اتفاقات مشابه مدعی شکایت و پیگیری حقوقی به خاطر توهین فلان فرد شده‌اند؟ این واکنش‌ها از سوی هیچ باشگاهی به هیچ نتیجه‌ای نخواهد رسید. وقتی قانون مشخصی برای اضافه کردن لوگو وجود ندارد، دقیقا از چه چیزی می‌خواهید شکایت کنید؟ باور کنید همان توئیت اول پاسخی خوب و تاثیرگذار بود و نیازی به این شلوغ‌بازی‌های بی‌نتیجه نبود. کلا این دوستان در روابط عمومی باشگاه‌ها، باید تغییر رویه بدهند و در شأن جایگاه خودشان و باشگاه‌شان انجام وظیفه کنند.

به دنبال استفاده از غیبت تراکتور

سپاهان و پرسپولیس در هفته‌ای که بازی تراکتور لغو شده، به دنبال نزدیک‌تر کردن خودشان به این تیم هستند

نادر نامدار | در حالی که استقلال و تراکتور در میانه هفته درگیر بازی‌های آسیایی خود بودند، امروز و فردا سپاهان و پرسپولیس تنور لیگ‌برتر را داغ نگه می‌دارند. سپاهان امروز در اصفهان میزبان استقلال خوزستان خواهد بود و پرسپولیس فردا در یزد مقابل چادرملو قرار می‌گیرد. در این میان آرزوی تراکتور صدرنشین، توقف این دو تیم است.

سپاهان-استقلال خوزستان

طلایی‌پوشان اصفهان هفته گذشته توانستند یک امتیاز حساس را از جدال با تراکتور در تبریز بگیرند و اجازه ندهند فاصله‌شان را در صدر جدول با آنها بیشتر کند. حالا سپاهان امروز در نقش جهان میزبان استقلال خوزستان است و با توجه به اینکه بازی هفته بعد تراکتور با فولاد به دلیل حضور این تیم در لیگ قهرمانان آسیا به تعویق افتاده، سپاهان می‌تواند با پیروزی بر مهمان رده دوازدهمی خود، تا اطلاع ثانوی صدر جدول را در اختیار بگیرد. سپاهان این فرصت را هم دارد تا در صورت برد دو بازی آتی خود و با کسب ۶ امتیاز کامل از دو بازی پایانی امسال، با صدرنشینی وارد سال ۱۴۰۴ هم شود که اتفاق شیرینی برای هواداران سپاهانی در پایان سال جاری خواهد بود.

سپاهان اما در هفته‌های اخیر مشکل بزرگی داشته و آن عدم ثبات در نتیجه‌گیری بوده است. شاگردان پاتریس کارترون در ۵ بازی آخر خود در لیگ برتر اگرچه شکستی را تجربه نکرده‌اند اما فقط دو برد داشتند و در ۳ بازی دیگر مقابل حریفان به تساوی رسیده‌اند و این به معنای از دست رفتن ۶ امتیاز برای این تیم است.

سپاهان در روزهای اخیر چند مصدوم هم داشته که دو نفر از آنها به این بازی می‌رسند. کاوه رضایی و هادی محمدی برای بازی امروز آماده هستند اما محمدامین حزباوی و محمدمهدی محبی شرایط حضور در این بازی را ندارند و کماکان دور از میادین خواهند بود. البته سپاهانی‌ها خوش‌شانس هستند که حریف‌شان از روزهای خوب نیم‌فصل اول فاصله گرفته است. استقلال خوزستان که پرسپولیس و استقلال را در نیم‌فصل اول شکست داده بود، در ۵ بازی آخر خود ۳ باخت را مقابل استقلال، ملوان و چادرملو تجربه کرده و تنها پیروزی این تیم مقابل شمس‌آذر بحران‌زده رقم خورده است. سرمربی این تیم هم چند روزی است هدایت استقلال را برعهده گرفته و سرمربی فعلی‌اش امیر خلیفه اصل است. استقلال خوزستان علاوه بر این‌ها، مشکل مالی هم دارد؛ آنقدر که با اتوبوس راهی اصفهان شده و ستاره خارجی‌اش یعنی تیوی بیفوما که از این وضعیت عصبانی بوده، جدا از کاروان تیم و با سواری به اصفهان رفته!

چادرملو-پرسپولیس

دیدار مهم روز جمعه در یزد برگزار می‌شود. جایی که چادرملو میزبان پرسپولیس خواهد بود. تیم تازه وارد لیگ برتری، در این فصل خوب کار کرده و با ۲۷ امتیاز، بالاتر از استقلال در رده هشتم جدول ایستاده است. اما چیزی که کار را برای پرسپولیس در این بازی سخت‌تر می‌کند، نتایج چادرملو در بازی‌های خانگی است. شاید باور کردنش سخت باشد اما این تیم تا پایان هفته بیست و یکم فقط یک بار در خانه باخته، آن هم در بازی جنجالی مقابل سپاهان. این تیم در یزد ۶ برد، ۳ مساوی و یک شکست را ثبت کرده و با گرفتن ۲۱ امتیاز تیم سوم جدول بازی‌های خانگی است! از این لحاظ، فقط سپاهان و پرسپولیس بهتر از چادرملو عمل کرده‌اند!

چادرملو در ۵ بازی آخر خود نتایج بدی نگرفته. این تیم با شمس‌آذر و نساجی مساوی کرده، ملوان و استقلال خوزستان را شکست داده و مقابل مس رفسنجان مغلوب شده است. یکی از امیدهای اصلی این تیم برای متوقف کردن پرسپولیس، درخشش ادسون ماردن، دروازه‌بان برزیلی آنهاست. این گلر که در این فصل یکی از بهترین‌های تیمش بوده، موفق شده هشت بار دروازه خود را بسته نگه دارد و در جدول بیشترین کلین‌شیت‌های لیگ، با الکسیس گندوز و سیدحسین حسینی برابر باشد. این آمار در حالی ثبت شده که کیفیت و تجربه خط دفاعی تیم‌هایی مانند استقلال و پرسپولیس به مراتب بالاتر از چادرملو اردکان است. با این حال، ماردن نشان داده که توانایی جلب توجهات را دارد و می‌تواند سد محکمی در برابر مهاجمان سرشناس لیگ باشد.

پرسپولیس اما به نظر می‌رسد روزهای خوبی را می‌گذراند. بعد از پیروزی در دربی و تساوی سپاهان و تراکتور و شکست فولاد، همه چیز در جدول به سود این تیم رقم خورده است و شاگردان اسماعیل کارتال روحیه خوبی پیدا کرده‌اند. سرخ‌پوشان در فصل جاری بیشترین مصدوم را در پست وینگر دادند و همین مسئله باعث شد تا شاهد تغییرات غیرمنتظره‌ای در ترکیب پرسپولیس باشیم اما حالا در آستانه انجام ۹ بازی پایانی فصل، شرایط در اردوی پرسپولیس تغییر کرده و دست اسماعیل کارتال در پست وینگر کاملاً باز شده است.

کارتال که از قبل بازیکنانی چون فرشاد احمدزاده و یاسین سلمانی را در پست وینگر در اختیار داشت، حالا می‌بیند که بازیکنان باتجربه‌ای نظیر امید عالیشاه و وحید امیری هم مشکلی برای بازگشت به ترکیب اولیه سرخ‌پوشان ندارند؛ البته که عالیشاه در دربی برای پرسپولیس به میدان رفت و ستاره کلیدی تیمش در مسیر کسب پیروزی برابر استقلال بود. در کنار این ۲ کاپیتان باتجربه پرسپولیس، باید به بازگشت سعید صادقی هم اشاره داشت؛ او بعد از فصل پرفرازوفرودی که گذرانده، حالا آماده حضور دوباره در مستطیل سبز است تا با بازگشت وینگرها، دست اسماعیل کارتال برای ترکیب موردعلاقه خود کاملاً باز باشد. در مقطع کنونی، پرسپولیس غایب شاخصی ندارد و عدم مصدومیت مهره‌های کلیدی در مهم‌ترین مقطع فصل می‌تواند بهترین خبر برای اسماعیل کارتال باشد.

گزارش

پیروزی رئال در شبی که ۹ نفره بود

رئال یک دربی تماشایی و نزدیک را برنده شد. دیداری که در آن به خصوص دو سه بازیکن بسیار دور از انتظار بودند

واقعیت این است که گل‌های یورودربی با جریان بازی هم‌راستا نبودند. رودریگو، خولیان آلوارز و براهیم سه شاهکار خلق کردند؛ در دیداری خاکستری که هر دو تیم از نتیجه راضی به نظر می‌رسیدند. نتیجه ۲-۱ هر دو را خوشحال کرد و همه چیز را برای بازی برگشت در متروپولیتانو باز گذاشت.

دربی حس خوبی برای رئال مادرید به جا نگذاشت، تیمی که از نظر بدنی در لبه پرتگاه است. آیا واقعاً امباپه مشکلی نداشت؟ ستاره فرانسوی افت نگران‌کننده‌ای در همه جنبه‌های بازی داشت: بی‌تحرک و ناکام در هر حرکت، انگار با پاهایی پر از سرب بازی می‌کرد. شاید هواداران رئال در نهایت اشتباه او در آخرین فرصت بازی را فراموش نکنند، پاس بدی که به وینی (که او هم درخششی نداشت) داد، در حالی که همه چیز به نفعش بود.

سه گل فوق‌العاده!

این مرحله حذفی با گل‌های تماشایی شروع شد. اول رودریگو با یک حرکت انفرادی خاص خودش و شوت پای چپ به زاویه دروازه. خولیان پاسخ داد، با یک شوت پای راست به گوشه بالای دروازه برنابئو. ستاره‌های برزیلی و آرژانتینی با هم رقابت کردند تا به نیمه اولی که رئال مادرید و اتلتیکو با احتیاط و دست‌به‌عصا بازی کردند، جلوه‌ای دیگر بدهند؛ آن‌ها می‌دانستند ۱۸۰ دقیقه زمان زیادی است. و در نیمه دوم، براهیم با یک سوپرگل بازی را از خواب بیدار کرد. سه نبوغ که با جریان بازی همخوانی نداشت.

امباپه و وینیسیوس، غیب‌شان زده بود

امباپه و وینیسیوس همان خطی را دنبال کردند که در بازی مقابل بتیس نشان داده بودند: اصلاً دیده نشدند. بازی غیرقابل درک از دو ستاره رئال مادرید که یکی از بدترین نمایش‌های فصل‌شان را ثبت کردند. امباپه به‌ویژه بی‌فروغ بود، انگار چیزی بیشتر از یک دندان از او گرفته بودند. کیلیان از شکوه روز بازی با سیتی به معمولی بودن ابتدای فصل برگشته است.

براهیم پیام را گرفت

براهیم بهترین مهاجم از بین چهار مهاجم رئال مادرید بود. او نقش بلینگام را بازی کرد و مثل او جنگید. براهیم نمی‌خواست آنچلوتی را ناامید کند و خودش را با دوندگی فوق‌العاده به آب و آتش زد. بعد با توپ زیر پایش، براهیم کاری را که بلد است انجام داد و روی چمن برنابئو لذت برد. بازی بین خطوط او مقابل تیمی مثل اتلتیکو کلیدی بود.

جنجال تمام‌نشدنی: گل رئال آفساید بود

بسیاری از کاربران فضای مجازی مدعی شدند که وینیسیوس در زمان به ثمر رسیدن گل دوم رئال مادرید مقابل اتلتیکو مادرید در دربی لیگ قهرمانان توسط براهیم در موقعیت آفساید بوده است. به نظر می‌رسد که این بازیکن برزیلی در لحظه زدن شوت توسط دیاز دقیقا مقابل اوبلاک قرار داشت، به همین دلیل آنها معتقد هستند که این گل نباید مورد قبول واقع می‌گرفت، چون این بازیکن در واقع دید یان اوبلاک به عنوان دروازه‌بان اتلتیکو مادرید را مختل کرده بود.

علاوه بر این، کاربران در شبکه‌های اجتماعی این صحنه را با گلی که فصل گذشته توسط اتلتیکو مادرید مقابل رئال مادرید در جریان رقابت‌های لالیگا مردود شد مقایسه کردند. گل ساویچ در فصل ۲۴-۲۰۲۳ به دلیل این که سائول دقیقاً مقابل دروازه‌بان رئال که در آن زمان لونین بود قرار داشت، مردود اعلام شد.

فدراسیون فوتبال اسپانیا در همان زمان بحثی را که توسط کمیته فنی داوران درباره گل مردود ساویچ در مسابقه لیگ بین رئال مادرید و اتلتیکو مادرید انجام شد، منتشر کرد. آن گل به دلیل موقعیت سائول که مقابل دروازه‌بان رئال قرار داشت مردود اعلام شد.

پاول فرناندز، کارشناس داوری رادیو مارکا، نظر صریحی در این زمینه دارد: «در گل براهیم، آفساید رخ داده است. این آفساید مربوط به جایگیری است، اما وینیسیوس روی خط شوت و در فاصله یک و نیم متر جلوی اوبلاک است. دروازه‌بان اتلتیکو نمی‌تواند شوت را به درستی ببیند چون بازیکن برزیلی جلوی او قرار دارد. هیچ تردیدی ندارم. این اشتباه داور نیست، مشکل این است که از سوی کمک داور ویدیویی به او هشدار ندادند.»

سوژه روز

کاش عربستان تراکتور را تنبیه نکند

تراکتور فرصت بزرگ را از دست داد؛ این تیم که در بازی رفت مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا سطح ۲ در تبریز میزبان باشگاه التعاون عربستان بود، به نتیجه‌ای بهتر از تساوی بدون گل نرسید.

حیف از این همه موقعیت

برخلاف بازی استقلال با النصر، دیگر جدال ایرانی – عربستانی در آسیا، شرایط متفاوتی داشت؛ درست است که استقلال هم فرصت‌هایی برای گشودن دروازه النصر به دست آورد ولی هرگز تعدد موقعیت‌هایش روی دروازه حریف به اندازه موقعیت‌هایی که تراکتور روی دروازه التعاون ایجاد کرد نبود. برخلاف آن بازی، اینجا در تبریز، دست بالا را تراکتور داشت و صاحب توپ و زمین بود. گردش منظم توپ، بازی شناور، کارهای ترکیبی و البته موقعیت‌سازی با فرم‌های مختلف حمله‌ای، همگی گواه نمایش یک‌طرفه تبریزی‌ها در این جدال بود. افسوس که حاصل این همه کارهای خوب، صفر مطلقی شد که جلوی نتیجه این بازی برای تراکتور حاصل شد. شاگردان دراگان آنقدر در این دیدار خلق موقعیت داشتند که حداقل پس از آن، حسرت این را داشته باشند که کاش یکی ۲ تا از آن‌ها تبدیل به گل می‌شد.

کار به عربستان کشیده شد

درست است که اختلاف سطح فنی تراکتور به وضوح بالاتر از التعاون در تبریز بود ولی اگر قرار باشد فوتبال روی بدش را به تبریزی‌ها نشان دهد، یا اینکه بدشانسی مثل همین بازی رفت، همچون بختک، ساق پای بازیکنان این تیم را رها نکند، شاید در عربستان، تراکتوری‌ها حسرت بی‌شمار موقعیتی را بخورند که در تبریز از دست رفت. البته که اگر تراکتور با نیمی از همین نمایش بازی رفت هم در عربستان حاضر باشد ولی فقط در زدن ضربات آخر باهوش عمل کند، نباید چندان نگرانی‌ای بابت صعود به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا سطح ۲ داشته باشد. باوجود این ولی باید امیدوار ماند که عربستانی‌ها تراکتور را تنبیه و اسیر همان قانون نانوشته نکنند. قانونی که می‌گوید اگر قرار باشد قدر فرصت‌هایت را ندانی، باید منتظر عواقبش باشی.

به هر روی، باوجود همین نمایش درخشان، تراکتور اندکی هم باید نگرانی برای بازی برگشت داشته باشد. این تیم با اتخاذ سیاست درست در بازی رفت که نمایشی سراسر هجومی بود موفق به گلزنی نشد و شاید در دیدار برگشت، با توجه به میزبانی رقیب و احتمال ضربات پنالتی، تغییراتی در روند کار صورت گیرد. هرچند این تراکتورِ آماده که این روزها نه‌تنها در لیگ برتر ایران صدرنشین است و به سختی امتیاز از دست می‌دهد، در لیگ قهرمانان آسیا سطح ۲ هم تا به الان بدون رقیب نشان داده است. شاید با استناد به همین بند بتوان باز هم امیدوار بود که التعاون هم در دیدار برگشت، یکی دیگر از قربانیان این فصل تراکتور لقب بگیرد.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

آنتی رکورد آیندهوون در اروپا

پی‌اس‌وی آیندهوون هلند که در بازی رفت مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا مقابل آرسنال لندن شکست خانگی ۷ بر یک را متحمل شد، به این ترتیب یک آنتی رکورد برای این باشگاه در رقابت‌های اروپایی ثبت کرد. PSV بزرگترین شکست خانگی خود در رقابت‌های اروپایی در کل تاریخ باشگاه متحمل شد. علاوه بر این، برای باشگاه هلندی نتیجه دیدار با آرسنال بزرگترین شکست قرن بیست‌ویکم در تمامی تورنمنت‌ها بود. این نتیجه سومین بدترین نتیجه تاریخ پی‌اس‌وی آیندهوون نیز بود. این باشگاه پیش از این دو بار خارج از خانه با شش گل شکست خورده بود: در اردیویسه هلند مقابل گرونینگن (۷ بر یک) در سال ۱۹۵۸ و در جام یوفا مقابل سنت اتین (۶ بر صفر) در سال ۱۹۷۹. این پیروزی همچنین باعث شد توپچی‌ها به اولین تیم مهمان در تاریخ لیگ قهرمانان تبدیل شوند که در یک بازی مرحله حذفی این تعداد گل به ثمر می‌رساند و رکوردی جذاب و شاید دست‌نیافتنی را به نام خود کنند.

آنتونی به منچستر برنمی‌گردد

آنتونی که در دوران حضور در منچستریونایتد با انتقادهای وحشتناک روبرو می‌شد و هر روز تمسخر می‌شد از زمان پیوستن قرضی به بتیس به سرعت با شرایط لالیگا سازگار شده و با درخشش در مسابقات تیم جدیدش در حال ساکت کردن منتقدان است. آنتونی تا اینجا در پنج بازی اول خود با پیراهن بتیس ۲ گل زده و ۲ پاس گل داده تا نگاه‌ها را به خود جلب کند. درخشان‌ترین عملکرد او در پیروزی ۲-۱ بتیس مقابل رئال مادرید بود که آنتونی نقش مهمی در این برد داشت. قرارداد قرضی آنتونی در پایان فصل به پایان رسیده و او باید به منچستریونایتد برگردد اما رئیس باشگاه بتیس رسما اعلام کرد که مذاکره با منچستریونایتد را شروع کرده و آنتونی شخصا تمایل دارد در بتیس بماند. او گفت: «آنتونی به من گفت که می‌خواهد یک سال دیگر در بتیس بماند. این بازیکن در باشگاه ما فوق‌العاده راحت است و خیلی خوب در شهر و در تیم جا افتاده.» آنتونی چندی پیش هم در یک مصاحبه گفت که از زمانی که از منچستر به بتیس منتقل شده هر روز وقتی از خواب بیدار می‌شود لبخند می‌زند در حالی که مدت‌ها بود لبخند را فراموش کرده بود.

وحشت الهلال از تکرار سناریوی الدحیل

شکست الهلال مقابل پاختاکور ازبکستان با نتیجه ۱-صفر در تاشکند، در دور رفت مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا، خاطرات تلخ هواداران این تیم را از تقابل با الدحیل قطر زنده کرد. الهلال در سال ۲۰۱۳، در همین مرحله از رقابت‌ها، در خانه مقابل الدحیل قطر نتیجه یک بر صفر شکست خورد و در بازی برگشت در دوحه به تساوی ۲-۲ رضایت داد تا از مسابقات حذف شود. در سال ۲۰۱۶ نیز سناریوی مشابهی برای الهلال رقم خورد. این تیم ابتدا در دیدار رفت مقابل لوکوموتیو ازبکستان در ریاض به تساوی بدون گل دست یافت، اما در بازی برگشت با نتیجه ۲-۱ شکست خورد و از دور رقابت‌ها کنار رفت. الهلال یک بار دیگر نیز در مرحله یک‌هشتم نهایی دچار لغزش شد اما موفق شد آن را جبران کند. این اتفاق در سال ۲۰۱۵ رخ داد، زمانی که الهلال در بازی رفت برابر پرسپولیس ایران یک بر صفر شکست خورد اما در دیدار برگشت که در ریاض برگزار شد، با پیروزی ۳برصفر جبران کرده و راهی دور بعد شد. به طور کلی، الهلال در ۹ دوره از این رقابت‌ها توانسته از مرحله یک‌هشتم نهایی عبور کند، چه در قالب تک‌بازی و چه در قالب دو دیدار رفت و برگشت.

دردسر غیبت مسی برای تیم‌های حریف

از زمان حضور مسی در اینترمیامی، چندین تیم مجبور شده‌اند بخش زیادی از مبلغ بلیت‌های بازی‌هایی که مسی در آنها به عنوان بازیکن مهمان غایب بوده را بازگردانند. هوستون دینامو هم در زمین باخت و هم در گیشه ضرر کرد. این تیم تگزاسی روز یکشنبه با نتیجه سنگین ۱-۴ مقابل اینتر میامی شکست خورد، آن هم بدون حضور مسی. همین غیبت باعث شد تا باشگاه به هوادارانی که آمده بودند تا ستاره آرژانتینی را از نزدیک ببینند و در نهایت شاهد شکست سنگین تیم محلی خود شدند، یک بلیت رایگان برای بازی آینده اهدا کند. تیم‌های MLS و هر تورنمنت یا بازی دوستانه‌ای که اینتر میامی در آن حضور دارد و احتمال بازی کردن مسی حتی برای چند دقیقه وجود داشته باشد، معمولاً قیمت بلیت‌ها را به طور چشمگیری افزایش می‌دهند، به دلیل تقاضای بالای هوادارانی که می‌خواهند به ورزشگاه بیایند. در مواردی که غیبت غیرمنتظره مسی رخ می‌دهد، این قیمت‌ها در مقایسه با ارزش یک بازی بدون حضور او کاملاً غیرمنطقی به نظر می‌رسد. در حالی که هوستون این بار تصمیم گرفت برای هر بازی این فصل یک بلیت رایگان بدهد، بسیاری از تیم‌های دیگر بخشی از مبلغ بلیت‌ها را برگرداندند.

رونالدو آماده بازی با استقلال

کادر پزشکی النصر بازگشت اوتاویو و لاپورت به تمرینات را تأیید کرده است و این دو بازیکن بدون مشکل در بازی مقابل استقلال حضور خواهند داشت. همچنین کریستیانو رونالدو نیز از مصدومیت رهایی یافته و حتی می‌تواند در بازی پنجشنبه مقابل الشباب نیز به میدان برود. النصر تنها برای این سه ستاره، بیش از ۳۰۰ میلیون یورو هزینه کرده است که ۲/۵برابر ارزش کل لیگ ایران (۱۲۳ میلیون یورو) است. بازگشت این بازیکنان می‌تواند کار استقلال را در ریاض سخت‌تر کند و قدرت هجومی نماینده عربستان را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. آبی‌پوشان تهرانی که در بازی رفت نمایش خوبی داشتند، حالا باید در شرایطی کاملاً متفاوت در عربستان به میدان بروند. بازگشت رونالدو، اوتاویو و لاپورت، النصر را به تیمی کاملاً متفاوت تبدیل خواهد کرد و استقلال برای صعود، نیاز به یک برنامه ویژه از سوی میودراگ بوژوویچ خواهد داشت.

تهدید ضمنی استقلال درباره بوژوویچ

پس از انتشار خبر مشکلات مبنی بر ورود و خروج کادرفنی استقلال به کشور، کیوان بابادی، مدیرعامل باشگاه استقلال خوزستان در یک برنامه رادیویی استانی حضور پیدا کرد و درخصوص مذاکرات میودراگ بوژوویچ با استقلال تهران و موضوع ممنوع الورودی وی به ایران صحبت کرد. من نمی‌خواهم تهدید کنم ولی بوژوویچ باید بداند که مجوز کار او به نام استقلال خوزستان صادر شده است و برای فعالیت در ایران، نیازمند دریافت مجوز از باشگاه ماست. ما به باشگاه استقلال تهران اعلام کردیم که تنها یک بار این همکاری را انجام خواهیم داد. باشگاه استقلال خوزستان برای جذب بوژوویچ هزینه کرده است و این حق ماست که در این ماجرا متضرر نشویم. من از منابع باشگاه استقلال خوزستان هزینه نمی‌کنم تا استقلال تهران بدون دغدغه و هزینه، یک سرمربی جدید به خدمت بگیرد. ما تنها برای دیدار استقلال تهران مقابل النصر، یک همکاری مقطعی انجام خواهیم داد تا بوژوویچ بتواند روی نیمکت این تیم بنشیند. اما پس از آن، موضوع مجوز کار همچنان پابرجاست. بوژوویچ یا مدیر برنامه‌هایش یا نمایندگان باشگاه استقلال تهران باید با ما در این مورد تماس بگیرند، زیرا ما باید ویزای کار او را باطل کنیم تا مجوز جدید به نام استقلال تهران صادر شود. در این موضوع، ما هیچ‌گونه تعاملی با استقلال تهران نخواهیم داشت.

ابراهیم افشار

و گُلش پونه شد روزگار

۱ وقتی اسمم را صدا زدند آنقدر گیج و گول می‌زدم که نفهمیدم چطور رفتم روی سن. نه که همیشه از جایزه گرفتن از دست مقامات، فراری بودم الکی یک دست شُلَمَنشُلی با یارو دادم و سریع برگشتم به میان مدعوین. یکهو دیدم عادل فردوسی‌پور در حالی که نیشش تا بناگوش باز بود می‌گوید «آقاابراهیم اصل کاری را نگرفتی که.» با تعجب دوباره برگشتم روی سن، دیدم یک پوشه مقوایی کلفت سرمه‌ای‌رنگ در دست یارو -از مقامات جایزه‌دهنده- مانده که باید می‌گرفتم و می‌آمدم پایین اما آنقدر عجله کردم برای برگشتن که آن هم در دست طرف مانده بود. آدم اینجور وقت‌ها خجالت می‌کشد جلوی همه، لای جایزه را باز کند و بیشتر دوست دارد برود مبال سالن و یواشکی ببیند چی گرفته است؟ اما این مشکل هم فوری حل شد و توالت‌لازم نشدیم. منوچهر گفت «می‌دونی چی بردی ابرام؟ یک دستگاه پراید. جایزه برترین برترین‌ها.» بعد هم کلی شوخی شهرستانی کرد و مثل همیشه، کرکری تُرک و لُر راه انداخت که ترک‌ها چندین ایبرام دارند اما ما لُرها یکدانه‌اش را هم نداریم که دل‌مان به پراید گرفتنش خوش باشد. بعد هم تیکه پشت تیکه که «صدبار گفتم برو تصدیق بگیر. ولی تو که غیر از گواهینامه خرسواری، هیچ چیز که نداری!» خب خندیدیم. پوشه سرمه‌ای در دستم سنگینی می‌کرد. خدا مادرت را بیامرزد حشمت‌خان.

۲ شنبه پوشه سرمه‌ای‌رنگ را برداشتم رفتم نمایندگی سایپا در خیابان عباس‌آباد. گفت چه رنگی دوست داری؟ گفتم چه فرقی می‌کند، هر رنگ که صلاح است. گفت مشکی از همه گرانتر است. گفتم خدا زیاد کنه. بعد هم یک عروس مشکی که گوشه نمایشگاه کجکی پارک شده بود را نشان داد و گفت «لطفا گواهینامه‌ات را بده، فرمت را پر کنیم و تحویلت بدهیم، ببری حال دنیا را بکنی.» گفتم من؟ گواهینامه؟ شیب بام؟ گفت مگر تصدیق رانندگی‌ات را نیاوردی؟ گفتم نه به خدا. من اصلا گواهینامه ندارم. گفت بلدی ماشین برانی؟ گفتم نه. گفت پس الان چی کار می‌کنی؟ گفتم زنگ بزنم یکی بیاد ببرد. فوری شماره مهدی عاقلی را گرفتم گفتم خودت را برسان عمو. وقتی داشتیم عروس مشکی را از نمایشگاه بیرون می‌آوردیم کل کارکنان نمایشگاه می‌خندیدند «خدا ببین به کی شانس می‌ده پراید ببره. شش میلیون و نهصد، قیمت‌شه. قلفتی افتاده تو دهنش. نه چک زدیم نه چونه، عروس رو برد خونه.» من و مهدی اما کل مسیر را خندیدیم. آخرش هم آوردیم گذاشتیم توی پارکینگ. زنم سریع دوید چهارتا تخم‌مرغ خرید و هرکدامش را کوبید به یکی از چرخ‌های اتول که قضا بلا و چشم حسود را دور کند. شنبه بعد اما گریان از یکی از کوچه‌های سمّیه زنگ زد که ماشین از وسط نصف شده ایبراهوم؛ «یه وانت سمساری پدرسوخته ورود ممنوع می‌آمد.» گفتم تخم‌مرغ‌ها کار خودش را کرد. چرا تخم غاز نگرفتی؟ گفت غاز یا گاز یا قاز؟

۳ داستان از سفر دوبی در سال ۱۳۸۴ آغاز شد. نمی‌دانم رفته بودم مثلا آنجا یک مجله فارسی‌زبان دربیاوریم یا چه. یک یاروی هندی به پستم خورده بود که مثلا تجربیاتش را در اختیارم بگذارد. اسم مجله انگلیسی‌زبان طرف، «میلیونرها» بود. یک نشریه و صرفا لاکچری چهار رنگ و تمام گلساه مقوایی که آن را تنهایی برای فوق تریلیاردرهای عالم درمی‌آورد و چه پولی هم درمی‌آورد. دو سه نسخه از نشریه را گذاشت جلویم و وقتی ورق زدم گورخیدم. عین کارت پستال بود و متاسفانه فهمیدم که آدم نمی‌تواند خودش را -بعد از دستشویی- با آن پاک کند. آن شماره اختصاص داشت به یک میلیاردر آمریکای لاتینی و تمام زندگی او را ریز به ریز -از خانه و دفتر و کلکسیون‌هایش- در حدود یکصد صفحه چاپ کرده بود. یارو هندی گفت به جای اینکه در دوبی مجله دربیاورید که سختی‌های خودش را دارد، بیا نمایندگی مجله میلیونر در ایران را بدهم به تو، برو فعالیت کن. گفتم چطور فعالیتی؟ گفت «هر شماره زندگی یک میلیاردر ایرانی.» گفتم مرد حسابی، میلیاردرهای ایرانی را نمی‌شناسی؟ آنها خودشان را از چشم همه پنهان می‌کنند. لباس کهنه و رفودار می‌پوشند که کسی نفهمد چقدر پولدارند. دیوارهای بیرونی خانه‌هایشان از کاهگل است اما داخلش قصر هزار و یکشب است. گفت مگر می‌شود اینهمه تضاد؟ گفتم به هر حال دیگر. گفت هر ماه یک شماره واسه میلیاردرهای ایرانی دربیاوری نونت تو روغن است. گفتم کجاها توزیع می‌کنی؟ توضیح داد که «بچه‌ای مگر؟ ما نشریه در دکه‌ها توزیع نمی‌کنیم فقط به مشترک‌های خودمان که میلیاردرهای سراسر جهانند آبونه کرده و می‌فرستیم. تو فقط برو تو ایران میلیاردر پیدا کن، بقیه‌اش با من.» گفتم «من فقیر پیدا کردن برام راحت‌تر است. میلیاردر اگر مرا ببیند در می‌رود که نکند این بابا جیبم را بزند اما می‌توانم در یک چشم به هم زدن، میلیون‌ها آدم مفلس برایت ردیف کنم.» آقا کارمان با یارو هندی به نتیجه نرسید و در رفت. فکر کرد من دیوانه و اسگلم. به رابط‌مان گفته بود یک تخته کم دارد اوس‌ابرام.

۴ ده بیست روز بود در یک هتل درجه‌چهار فکستنی در میدان جمال عبدالناصر دوبی اتراق کرده بودم که معمولا سکونتگاه غربتی‌ها بود و هر روز ساعت ده صبح رسپشن هتل زنگ تلفن اتاق را می‌زد که بیا مراجعه‌کننده داری. می‌گفتم این وقت صبح؟ ببین اسمش چیه؟ می‌گفت آقای حشمت مهاجرانی یادداشت گذاشت رفت دو ساعت دیگر بیاید. هر روز کارمان این بود که سوار بنز قدیمی حشمت‌خان بشویم و برویم در فرش‌فروشی رفیقش تخته‌نرد بزنند و من نگاه کنم. یک روز لنگ ظهر در اوج گرما که حشمت خان نیامده بود و حالم از تنهایی گرفته بود رسپشن گفت راستی ما در پشت‌بام هتل استخر داریم چرا از آنجا استفاده نمی‌کنی؟ معصومانه گفتم آخر حوله ندارم. گفت هر اتاق که حوله دارد داش. معصومانه گفتم آخر مایو هم ندارم. گفت مایو منو می‌پوشی؟ دیدم داداش‌مان در هیات یک جوکی که معمولا شبیه عدد یازده‌اند مایو قهوه‌ای مندرسی را از زیر میز رسپشن برداشت و دراز کرد سمتم. گفتم «نه ممنون. می‌روم می‌خرم. این که تن من نمی‌شود.» کارگر هتل را فرستاد از مغازه روبه‌رو مایو خرید. حوله را انداختم روی دوشم و سوت‌زنان پله‌ها را رفتم بالا(آسانسور هم نداشت هتل حتی به گمانم). در پشت‌بام را که باز کردم برق مرا گرفت و جیغی زدم و عین حسین بولد با سرعت برگشتم اتاق و در را قفل کردم. وقتی به خود آمدم دیدم صدای قهقهه زنانه، هتل را برداشته است. نگو وقتی در پشت‌بام را باز کردم اولش فکر کردم اشتباهی به استخر زنانه آمده‌ام و بلافاصله در را کوبیدم و گریختم به اتاقم. از ترس چنان نفس‌نفس می‌زدم و می‌ترسیدم که گشت ارشاد دوبی، الانه است که بیاید مرا به جرم هیزی دستگیر کند. از قضا همان لحظه هم زنگ تلفن اتاقم زده شد و قلبم آمد توی حلقم که حتما گشت‌ها رسیده است. مرد رسپشن بود؛ چرا نرفتی استخر؟ گفتم «مرتیکه کو استخر؟ اونی که تو پشت‌بام بود که زنانه بود. نگفتی زن‌ها پوست سرم را می‌کنند؟» خندید و خندید و از حال رفت؛ «ما که اینجا که زنانه و مردانه نداریم. نکنه هنوز فکر می‌کنی تو ایرانی؟» دیگر از فردا هر وقت از راهرو گذشتم زنانی را دیدم که با انگشت نشانم می‌دادند. «این همون ایرانیه است که فکر کرد وارد حموم زنونه شده، در را کوبید و دررفت!» بله من همان ایرانی بودم.

۵ روز پنجم که صبح ساعت ده رسپشن زنگ زد که باز همان پیرمرد شوفر بنز کلاسیک مسی‌رنگ آمده بود سریع دویدم پایین. سریع دویدم پایین. گفت کجا برویم؟ گفتم مصاحبه. کمی مّن و مّن کرد. گفتم هنوز بعد از انقلاب مصاحبه‌های بلندی از شما چاپ نشده است. رفتیم در خانه‌اش نشستیم. زری‌خانم چای آورد و ما فرت فرت. به نظرم آن روزها هنوز حشمت‌خان سیگار را ترک نکرده بود. چهار پنج ساعت گفت‌وگو کردم. تیتر زدم «گُلت پونه شود روزگار.» این یک ضرب‌المثل ترکی بود که معمولا مادرها برای نفرین کسی به کار می‌بردند تا گل او به پونه تبدیل شود. مصاحبه در یک صفحه و نیم از شماره نوروز روزنامه قطع بزرگ جهان فوتبال که آقای لارودی سردبیرش بود چاپ شد و ترکاند. کمی بعد دکتر شکرخواه و دکتر قندی داورهای جشنواره سراسری، آن را به عنوان برترین برترین‌ها انتخاب کردند. حالا یک پراید مشکی داشتم که نصف شده بود و یک حسرت کوچک که چرا مادرم نگذاشته بود لذت شوفری را بچشم. چهارتا تخم‌مرغ هم ضرر کردم که می‌شد با آن یک املت دبش خورد.

عکس: محسن قزلباش

احد بابایی منیر

بیدار شو آلفرد!

۱ زندگی «مهندس نوبل» -از خاندان‌های مهندس‌خیز سوئد! - هم خواندنی است و هم می‌تواند مایه عبرت باشد - البته شاید! - لحظاتی در زندگی هر کس وجود دارد که مانند ریختن سطلی آب یخ روی سر و صورت خفته‌ای می‌ماند: هراسان از خواب عمیق بی‌خبری برمی‌خیزی و خیره می‌شوی نه به دور و بر خود، که به اعماق درونت!

خواندن آن خبر در آن روز سرد سال ۱۸۸۸ همان سطل آب یخ بود برای بیدار کردن آلفرد خفته!

مالک و مدیر کارخانه ذوب‌آهن بوفورز (Bofors) که آن را به یکی از بزرگترین کارخانه‌های صنایع نظامی تبدیل کرده و با اختراع «باروت بی‌دود» ثروت هنگفتی را صاحب شده بود، فنجان قهوه به لبش نرسیده خشکش زد! نگاهش روی تیتر درشت روزنامه ثابت مانده بود:

«مخترع دینامیت، تاجر مرگ‌آفرین آلفرد نوبل درگذشت!»

آگهی ترحیم برای او البته هشت سال زودتر چاپ شده بود! آن که مُرده بود برادرش «لودویگ» بود که روزنامه به اشتباه «آلفرد»را مُردانده بود!

فنجان قهوه‌اش را لب نزده روی میز گذاشت:

باید وصیت‌نامه‌اش را تغییر می‌داد، نه! نباید پس از مرگ در بین مردم با عنوان «دشمن زندگی!» مشهور می‌شد.

پس از چندبار تغییر در وصیت‌نامه‌اش، سرانجام در ۲۷ نوامبر سال ۱۸۹۵ وصیت نامه نهایی خود را تنظیم کرد:

اختصاص ۹۴ درصد از کل ثروت خود به پایه‌گذاری اهدای پنج جایزه -در زمینه فیزیک، شیمی، پزشکی، ادبیات و «گمشده همیشگی زندگی! صلح» - برای افرادی که برای بشریّت بهترین بهره‌ها را به ارمغان می‌آورند!

مهندس آلفردنوبل روز ۱۰ دسامبر ۱۸۹۶ - یک‌سال پس از تنظیم نهایی وصیت‌نامه خویش- در ویلای خود در شهر سن‌ریمو ایتالیا درگذشت.

شاید لازم باشد پیش از مرگ، همه ما خبر مرگ خویش را در روزنامه‌ها بخوانیم.

داستان، داستان همان سطل آب‌یخ است و بیدار شدن از خواب غفلت!

۲ اگر «نوبل» یک‌روی سکّه‌جایزه باشد، روی‌دیگری نیز باید وجود داشته باشد!

همین «اندیشه بخردانه!» شد دلیلی برای: آفرینش جایزه «ایگنوبل!» در واقع این جایزه جدید که ریشه در نوبل داشته و الهام گرفته شده از آن می‌باشد، نمونه مضحک و تمسخرآمیز نوبل است!

مجله «طنز علمی» که تحقیقات ممکن‌نشدنی را به چاپ می‌رساند هرسال در اوایل ماه‌اکتبر ده نفر از کسانی را که موفقیت یا اختراع و نظریه‌ای ارائه داده‌اند که باعث انبساط خاطر بینندگان و شنوندگان شده‌اند را، مفتخر به دریافت «جایزه‌ایگنوبل» می‌کند!

می‌پرسید در کجا؟

_ در دانشگاه معروف و مشهور هاروارد!

یک‌سال این جایزه را به ارائه‌دهنده تحقیقاتی داده بودند که فرموده بود: هر سیاهچاله فضایی به تنهایی می‌تواند برای خودش، یک جهنم باشد!

کلیپ‌صوتی که ناسا از «خوشه‌پرسیاوش» ذخیره و منتشر کرده است «نخستین صدای یک سیاهچاله» است که به باور بیشتر شنوندگان صدای موجود در این کلیپ، بسیار هول‌انگیز و ترسناک است! به «طرف» می‌گویید «جهنم» آن وقت انتظار دارید با صدایی دلنشین برایتان آواز آرام‌بخش «تو ای پری کجایی» را بخواند ؟!واقعا که!

۳ جای همه بزرگان فامیل خالی! خدا، بیامرزد همه این رفتگان عزیز را.

تا زنده بودند _حتی در آخرین لحظات نفس کشیدن هم _ ما را به تلاش برای «اوّل‌شدن» در همه‌چیز تشویق می‌کردند.

روان «سعدی» هم در آرامش که فرموده بود:

نابرده رنج، گنج میسّر نمی‌شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد!

حالا کجایند که بیایند و با چشم‌های از حدقه‌درآمده و دهان باز از شگفت‌زده‌شدن به تماشای برندگان «جایزه فانوس روج» بنشینند!

جایزه «لنترون روج» جایزه‌ای است که در مسابقات دوچرخه‌سواری به «آخرین‌نفر» اعطا می‌شود بعههههههله! درست شنیدید به آخرین نفر!

و همین سبب می‌شود که دوچرخه‌سوارانی که موفق نمی‌شوند بین ۵ نفراوّل باشند، سعی کنند از بقیه رقبا عقب مانده و جایزه لنترون روج را دریافت کنند، حالا مرحوم سعدی «شعر انگیزشی» برای «کار»و «تلاش» بگوید! اگر چه «تنظیم آرام و آهسته رکاب‌زدن و با حتّی رکاب‌نزدن نیز، تلاش می‌خواهد و زحمت فکرش را بکنید: تلاشی با تمام وجود برای نفرآخر شدن!!!!»

۴ به «رندی حیرت‌انگیز»و «رندی روشنگر» مشهور است البته اگر این کمترین را نیز به حساب آورده و از من نظرخواهی می‌کردند ترجیح می‌دادم او را «رَندی رِند!» بنامم.

جیمزرندی (james Randy) شعبده‌بازی آمریکایی بود که «جایزه پیگوسوس» را بنیان گذاشت: جایزه‌ای برای کسانی که کاری خارق‌العاده و ماوراءالطبیعه را انجام دهند.

نخستین بار هم این جایزه را به روانشناسی اعطا کردند که مدّعی بود قادر به تولید اشعه مغناطیسی از چشم‌های خویش است!

جایزه پیگوسوس در واقع طرحی از یک «خوک‌پرنده!» است. نکته جالب اینجاست که این جایزه هر سال در «روز دروغ آوریل»- روز اوّل آوریل به برنده داده می‌شود. تجسّم کنید خوکی را که در آبی بی‌پایان آسمان پرواز می‌کند و پرندگان مات و مبهوت خرامیدن بلندبالایانه اویند!

۵ کاش ستون روزنامه بیشتر از این‌ها جا داشت و من و شما نیز زمان کافی و حوصله‌ای فراخ تا از «جوایز عجیب و غریب» بیشتر می‌نوشتم از:

جایزه پا در دهان!

جایزه استلا

جایزه بدترین کتاب!

جایزه داروین

جایزه کتانی بدبو!

جایزه تمشک طلایی

و...

افسوس که هیچ‌وقت «فضای بیشتر» نبود، نیز «حوصله‌فراخ» و «زمان کافی»

و ما نیز همیشه «دیر» رسیدیم و آن‌جا هم که رسیدیم، خانه ما نبود!

نادر نامدار

این دیگر جایزه و پاداش نیست!

حرف جایزه که شد، قبل از هر چیز یاد امین متوسل‌زاده افتادم. حدود ۱۵ سال پیش بود که او در فجرسپاسی و استیل‌آذین، فرصت خوبی برای گلزنی داشت اما وقتی دید دروازه‌بان حریف آسیب دیده، توپ را به بیرون زد. آن حرکت جوانمردانه در جهان ورزش هم سر و صدای زیادی به پا کرد و جایزه بازی جوانمردانه سال ۲۰۱۰ از سوی کمیته بین‌المللی المپیک و رئیس آن یعنی «ژاک روگ» به متوسل‌زاده اهدا شد. هرچند فیفا این جایزه را در آن سال به تیم ملی بانوان زیر ۱۷ سال هائیتی داد که در جام جهانی، از زلزله‌زدگان این کشور حمایت کرده بودند. این جایزه در سال ۱۹۹۸ به طور مشترک به تیم‌های ملی ایران و آمریکا رسید که در جام‌جهانی فرانسه مقابل هم بازی کردند.

جایزه در ورزش به خودی خود بد نیست. مثلا وقتی تیمی یا ورزشکاری از کشورمان در رقابت‌های بزرگ بین‌المللی نتیجه خوبی می‌گیرد و نام ایران را در جهان مطرح می‌کند، قطعا لایق پاداش هست و باید تشویق شود. این باعث می‌شود هم خود او و هم دیگر ورزشکاران انگیزه بیشتری برای درخشش در میادین بین‌المللی پیدا کنند. اما جایزه و پاداش، وقتی بندی از قرارداد شود، دیگر نمی‌شود نامش را جایزه یا پاداش گذاشت. یا وقتی تیمی یا ورزشکاری کار بزرگی می‌کند، صورت خوشی ندارد که راه بیفتد و با فلان مسئول و فلان وزیر و فلان رئیس ملاقات کند و از او گداییِ پاداش کند! خوب نیست که رئیسی که دستش باز است، بعد از یک نتیجه خوب از تیم تحت ریاست او —که تازه خیلی‌ها هم آن نتیجه را خوب نمی‌دانند— بنشیند و با همکارانش جلسه بگذارد و برای اعضای تیم که هیچ، برای خودش و رفقایش هم پاداش چند ده هزار دلاری تصویب کند! حتما می‌دانید که منظورم دوستان در فدراسیون فوتبال هستند که بعد از پیروزی تیم ملی بر ولز در جام‌جهانی، هم برای خودشان و هم برای بازیکنان پاداش‌های ۲۰ هزار دلاری تصویب کردند. هرچند بعد از رسانه‌ای شدن این ماجرا، بعضی از آنها پاداش را برگرداندند. این ماجرا البته فقط در فدراسیون فوتبال رخ نداده. یک نمونه بارز و خیلی بامزه هم در فدراسیون وزنه‌برداری رخ داده بود. خلاصه ماجرا این بود که حسین رضازاده رئیس وقت فدراسیون وزنه‌برداری، به نایب رئیسش دستور داده بود که پیرو درخواست خودت، به من، خودت و خودش پاداش بدهد! دلیل اختصاص یافتن این پاداش هم در نامه، «حسن انجام کار» عنوان شده بود! اما جنجالی‌ترین ماجرای پاداش‌ها در ورزش بدون شک ماجرای اعطای مجوز واردات خودروی لوکس خارجی به بازیکنان تیم ملی فوتبال بود. آنها که گفته می‌شد قبل از عزیمت به جام‌جهانی ۲۰۲۲، به دیدار رئیس‌جمهور وقت رفته و از دولت چند سکه پاداش گرفته بودند، بعد از جام‌جهانی هم خواهان دریافت پاداشی شدند که به آنها وعده داده شده بود. بعد از اینکه چند ورزشکار اعلام کردند که خودروهای‌شان را خریداری و وارد کرده‌اند، اعتراضات مدیران و ورزشکاران سایر رشته‌ها شروع شد و حرف و حدیث و جر و بحث و حتی توهین در فضای مجازی آنقدر بالا گرفت که در نهایت این مصوبه باطل شد!

ولی انصافا هیچ جایزه و پاداشی جالب‌تر و بی‌معناتر از توافقنامه‌ای که کاوه رضایی دو سال پیش با استقلال امضا کرده بود در خاطرم نیست. طبق این توافقنامه، استقلال با او قراردادی با مبلغ پایه ۱۱ میلیاردی می‌کرد. خب استقلال این ۱۱ میلیارد را به او می‌داد که برای استقلال گل بزند اما استاد برای گلزنی که وظیفه ذاتی یک مهاجم است، پاداش‌هایی هم خواسته بود که در میان فوتبالی‌ها به آن آپشن می‌گویند. علاوه بر آپشن‌های معمول مثل قهرمانی و کسب سهمیه آسیا و ... استاد بابت حضور در هر بازی هم ۵۰ میلیون تومان از استقلال خواسته بود! همچنین پاداش هر گل یا پاس گل هم ۳۰ میلیون تومان بود! این مبالغ برای فصل بعد بیش از دو برابر شده بود! یعنی استاد برای بازی کردن در تیمی که با آن قرارداد می‌بست، جداگانه پول بیشتری می‌گرفت و برای گل زدن و پاس گل هم همینطور! مثل این می‌ماند که کارمند یک اداره، علاوه بر حقوق ماهانه، برای انجام کار هر ارباب رجوعی، پاداش هم بگیرد!

سرتان را درد نیاورم! در آخر هم یاد جایزه‌هایی افتادم که گاهی در دوران مدرسه می‌گرفتیم و فکر می‌کردیم مدرسه برای‌مان هزینه کرده اما بعدا می‌فهمیدیم پولش را از پدر و مادرمان گرفته‌اند و حالا دارم به این فکر می‌کنم که در این مملکت، چه کسانی که لایق گرفتن پاداش بوده‌اند و کسی از آنها کوچک‌ترین تقدیری نکرده و چه کسانی بوده‌اند که لایق یک ریال از درآمدشان هم نبودند اما پاداش‌های میلیونی و میلیاردی نصیب‌شان شده است!

رضیه انصاری

مثل ماه و ستاره‌های دفتر مشق

گاهی اوقات در خانه و دفتر دوستان هنرمند و ادیب، چشمم به جایزه‌ها و تندیس‌هایی می‌افتد که بر رف‌های چوبین کتابخانه جا خوش کرده‌اند. این خود سببی می‌شود تا درباره کتاب، فیلم یا اثر مربوطه دوباره گپی بزنیم و آن دوست خاطراتی را تعریف کند. هیچ‌وقت اما به خودم اجازه ندادم بپرسم با جایزه نقدی که همراه تندیس و لوح گرفتی چه کردی. اصلا به کسی چه ربطی دارد آدم‌ها با هدایای نقدی و عیدی‌ها و شاباش‌ها چه می‌کنند؟ شاید خود آن دوستان هم با گذشت زمان دیگر به یاد نیاورند. هر چه باشد، تندیس‌ها و لوح‌ها بر فراز کمدها می‌مانند و مثل ماه و ستاره‌هایی که معلم‌ها برای تشویق بالای دفترهای مشق و دیکته‌مان می‌چسباندند، سمت تاریک دیروز را همچنان روشن نگه می‌دارند. سیمرغ بلورین و جوایز برخی هنرمندان در موزه سینما، و نخل طلایی جشنواره کن استاد کیارستمی را هم به یاد می‌آورم که بخشی از گنجینه موزه شده. جشنواره فیلم کارلووی‌واری در جمهوری چک اما به ابتکار جالبی دست زده و هر سال تیزر تبلیغاتی طنزگونه‌ای ساخته که در آن یکی از سلبریتی‌های برنده سال‌های پیش را سرگرم فعالیتی جالب و خنده‌دار با گوی کریستالی‌اش نشان می‌دهد. مثلا میلوش فورمن با پایه فلزی مجسمه هر روز قرص‌هایش را خرد می‌کند. اندی گارسیا که پشت در خانه مانده، با کوبیدن مجسمه به در ورودی، در را می‌شکند و می رود تو. دنی دویتو هم مجسمه را طوری روی میز پای تختخوابش گذاشته که همان طور خوابیده بتواند با مجسمه بکوبد روی تلفن، تا بیشتر زنگ نزند و او به خوابش ادامه دهد. سرنوشت تندیس‌ها و جایزه‌های معتبری مثل اسکار چه می‌شود؟

بر اساس قانونی که از سال ۱۹۵۰ اجرا شد، برندگان جایزه اسکار و وارثان آن‌ها اگر بخواهند جایزه‌شان را به فروش برسانند، باید اول آن را به خود آکادمی اسکار پیشنهاد کنند. جالب این‌جاست که آکادمی تندیس را فقط به قیمت یک دلار از آن‌ها می‌خرد و اگر فروشنده قبول نکند، آکادمی تندیس را نگه می‌دارد. یعنی عملا راهی برای تبدیل تندیس اسکار به پول وجود ندارد. این تندیس در آغاز از جنس برنز خالص با روکشی از طلا ساخته شده بوده، اما در زمان جنگ دوم جهانی و کمیاب شدن فلزات، به مجسمه‌هایی گچی و رنگ‌شده تبدیل شد که البته پس از پایان جنگ، با یک فراخوان از سوی آکادمی با ورژن طلایی‌اش تعویض شد. این تندیس امروز از آلیاژ بریتانیوم (سرب، قلع، آنتیموان) با روکشی از مس، نیکل، نقره و طلای ۲۴عیار ساخته شده و حدود ۷۰۰هزار دلار ارزش دارد. حالا بگذریم که چهارده پانزده سال پیش کالین فرث بعد از دریافت جایزه اسکار بازیگر نقش اول مرد برای حضورش در فیلم «سخنرانی پادشاه»، جایزه‌اش را در توالت محل برگزاری مراسم اسکار جا گذاشت. حتما از فرط هیجان بوده. نظافتچی‌ها البته جایزه را پیدا کردند و به او برگرداندند. کیت وینسلت هم در مصاحبه‌ای اعلام کرد که وقتی بعد از شش بار نامزدی، سرانجام برای بازی در فیلم «کتاب‌خوان» برنده جایزه اسکار شد، تندیس‌اش را در دستشویی خانه‌اش گذاشت تا هر مهمانی که به خانه‌اش می‌آید بتواند با خیال راحت و در خلوت، تندیس را در دست بگیرد و با آن بازی کند و با گونه‌هایی گل انداخته از دستشویی بیرون بیاید. کیت وینسلت گفت که وقت‌گذرانی مهمانانش در توالت، دیر کشیدن سیفون و تماشای چهره متفکر و راضی آن‌ها وقت بیرون آمدن از توالت برایش خنده‌دار است.

سرنوشت این جایزه‌ها هر چه بوده، بهتر از سکانس پایانی تندیس اسکاری است که در خاکستر آتش‌سوزی‌های اخیر در شهر لس‌آنجلس پیدا شد. ایزابل روسلینی بازیگر معروف ایتالیایی با انتشار تصویری از این تندیس نیم‌سوخته در میان ویرانه‌های خاکستر آلود به جا مانده از آتش نوشت که هر خبری از هالیوود اشکش را جاری می‌کند. تندیس اسکاری که چند شب پیش در دستان سازندگان انیمیشن کوتاه «سایه سرو» جای گرفت اما اشک شوق را به چشمان مخاطبان وطنی نشاند و بعد از دو جایزه اسکار اصغر فرهادی، سینه همه ما را لبریز از غرور کرد. گفته‌اند تا سه نشه، بازی نشه. کاش این سه، چهار و پنج و شش و اعداد دیگر را هم دنبالش بیاورد.

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده‌است. بدیهی‌است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

از کولاک مسلم فتاحی تا توبه دروغین گرگ

خرده‌روایت‌های شهر شلوغ | ترندهای موسیقی در سال ۱۴۰۳؛ آهنگ‌هایی که گوش دادیم یا خیلی به گوشمان خورده است

مصطفی آرانی | شاید به چشمتان آمده باشد و شاید هم به آن دقت نکرده باشید ولی تقریبا هر روز ما دارد با موسیقی می‌گذرد. از موسیقی نوازندگان خیابانی که در پیاده‌روهای شهر یا ورودی مترو بساط کردند تا آهنگ‌هایی که در رادیو یا سیستم پخش صوت اتومبیل ما می‌شنویم و البته تمام آن چه از طریق هدفون‌ها هر روز مصرف می‌کنیم. حجم عظیمی خواننده و نوازنده هستند در سر تاسر جهان که هر روز به فکر این هستند که میل سیری‌ناپذیر ما به شنیدن یک موسیقی جدید را برطرف کنند. این تازه به جز مصرف بالای موسیقی ما در شبکه‌های مجازی است. از نواهایی که نوازندگان و خوانندگان گمنام یا دنبال کنندگان اندک در این فضا تهیه می‌کنند تا مشهور شوند گرفته تا موسیقی‌های آدم‌های مشهوری که به روش‌های مختلف، از دابسمش گرفته تا بازخوانی توسط کاربران دیگر در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شوند. به این ترتیب می‌توان گفت که موسیقی پراستفاده‌ترین یا پرمصرف‌ترین کالای فرهنگی ما است. در این شرایط است که تصمیم گرفتیم در بخش اول از گزارش ترندهای سال که به شکل مرسوم هر ساله در هفت صبح به آن می‌پردازیم؛ به صورت ماهانه نگاهی کنیم به آنچه ایرانیان در این ۱۲ ماه شنیده‌اند تا شاید بتوانیم بگوییم که این متن آینه‌ای است بر سلیقه موسیقی ایرانیان در سومین سال از سده یازدهم تقویمشان.

فروردین
زنگ بزن آمبولانس
پدیده موسیقی ارکستری و مسلم فتاحی

سال را با آهنگی آغاز کردیم به نام «زنگ بزن آمبولانس». اصلش مال خواننده خانمی است به نام احلام. یک خواننده ایرانی عرب‌تبار مقیم امارات متولد سال ۱۳۷۰ که این آهنگ ریمیکسی از شاد را در بهمن ۱۴۰۲ منتشر کرد. آهنگ، در حد و اندازه‌های احلام مخاطبین و دوستداران احلام مورد توجه قرار گرفت ولی به نسبت مارکت بزرگ موسیقی در ایران خیلی مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه یک خواننده ارکستری که در عروسی‌ها می‌خواند یعنی «مسلم فتاحی» این آهنگ را بازخوانی کرد و این بازخوانی مثل یک ویروس در نوروز ۱۴۰۳ فضای اینستاگرام و پس از آن کل محیط وب فارسی را تحت‌الشعاع خود قرار داد. اطلاعاتی که در مورد مسلم فتاحی داریم خیلی مستند نیست ولی برخی گفته‌اند که متولد تهران است در سال ۱۳۶۷. فتاحی البته در بیوی اینستاگرام خود یک موبایل ۰۹۱۳ را قرار داده که نشان می‌دهد احتمالا او در حوالی اصفهان ساکن است. به هر حال ۱۴۰۳ با همین آهنگ برای مسلم فتاحی خیلی خوب شروع شد و در ادامه نیز خوب ادامه پیدا کرد. در کشوری که مالکیت فکری و حقوق مادی صاحبان آثار یک شوخی است؛ فتاحی با بازخوانی آهنگ دیگران و بر مبنای محبوبیت اتفاقی همان آهنگ زنگ بزن آمبولانس، به یکی از پردرآمدترین اهالی موسیقی در سال جاری تبدیل شد.

اردیبهشت
بیعی تو بازیگوشی
خاصیت ویروسی اینستاگرام و البته ادامه حیات خانم دده‌بالا

ماه دوم یعنی اردیبهشت یک آهنگ کودکانه در ملکات ترند شد. آهنگی با عنوان «بیعی تو بازیگوشی». آهنگ ساخته و خوانده شده توسط خانمی بود به نام سیده قدمگاهی با نام هنری ملریا که حالا بیش از ۲۰۰ هزار نفر در اینستاگرام دنبال‌کننده دارد. آهنگ بیعی تو بازیگوشی، فقط برای کودکان محبوب نشد و به شکل عجیبی توسط نسل نوجوان و جوان بزرگسال نیز بازخوانی و تکرار شد. چرا؟ در دنیای ویروسی شبکه‌های اجتماعی، خیلی نباید دنبال دلیل گشت. مسیری که توسط عده‌ای کاربر طی می‌شود به زودی توسط عده‌ای دیگر نیز دنبال می‌شود و شاید خیلی راحت نتوان درباره آن دلیلی را بیان کرد. هر چند به نظر می‌رسد در این ترند شدن نقشی را به دهه هشتادی‌ها داد که واسطه نسل بزرگسال با کودکان امروز هستند. آهنگ دیگری که در اردیبهشت مورد توجه قرار گرفت آهنگی بود با مطلع «سنگ قرش خیابونا رو گل کردم برات» که اصل آن توسط فردی به نام «بابلنا» خوانده شده بود ولی بعدا به لطف هوش مصنوعی، که تاکنون بیش از هر چیز دیگر برای احیای مجدد معصومه دده‌بالا با همان هایده در ایران به کار رفته است؛ با این تکنولوژی با صدای هایده به بازار عرضه شد و شهر پر شد از ریمیکس‌هایی از این آهنگ با آهنگ‌های دیگر. ریمیکس‌های هایده البته در ماه قبل یعنی فروردین هم خوش شنیده شده بود من جمله ریمیکسی از اذل و هایده.

خرداد
معین زد
حرکات موزون چندین مرد با صدای «ش» غلیظ

آخرین ماه بهار است. رئیس‌جمهور مملکت در یک حادثه تاسف بار جان باخته و کشور در آستانه یک انتخابات مجدد است. مردم در فضای غیرسیاسی هم درگیر ضربه زدن روی گوشی‌هایشان هستند تا از همسترِ پول دربیاورند و در این شرایط محسن زندی، معروف به معین زن، خوانده متولد ابتدای دهه هفتاد شمسی با یک موزیک ویدئو شهره را به هم می‌ریزد.
موزیک ویدئو کاملا مرداته است و اثری از هیچ خانمی توی آن نیست ولی به اصطلاح اوکاست است. اگر چه ریتم آهنگ هم بسیار معمول است و هم حرکاتی که در آن اُفاپان می‌کنند. اشتباه نکنید. مسئله این نیست که قانونی هست یا نه. مسئله این است که اغلب جامعه دست کم در آن زمان خیلی نظر مثبتی روی آن نداشتند.
معین زد البته به طور کلی هم خوانده محبوبی نیست. برخی می‌گویند که اساسا خوانندگی بلد نیست و فالش می‌خواند و برخی هم به این می‌پردازند که غلطست تلفظ حروفی مثل ش یا ژ در او خیلی زیاد است. ولی به هر حال معین زد با همین یک کار امسال روی بورس ماند. البته همین یک کار و حواشی بعد از آن مثل شبهه اینکه ممنوع‌الکار شده یا کسرتش لغو شده و در ادامه اصلاح آن ویدئو قبلی به صورتی موفقتر!

تیر
ماه عزا همراه با نواهایی محلی و خارج از جریان رسمی

محرم شده است. طبیعتا کرکره موسیقی برای مدتی پایین کشیده می‌شود و کاربران و مخاطبان با سمت نواهای مذهبی می‌رود. دست کم در عرصه عمومی در این ماه کمتر نوای موسیقیایی و رپتمیک می‌شنویم.
در میان نواهای مذهبی اما مخاطب هم سلیقه‌های گذشته خود را دارد و هم سلیقه‌های نویش را. منظور از سلیقه کهن آنجاست که ماه به سمت نواهای محرمی بیس‌دار برای سینه‌زنی‌های ماشین می‌گردد که البته اخیرا هم استودیوهای مذهبی هم به این سمت کشیده شدند و نواهایی استودیویی آماده می‌کنند. از آن طرف توجهاتی هم دارد به مداحانی که به طور کلاسیک مورد توجه هستند. مثلا محمود کریمی یا مجید بنی‌فاطمه یا حتی حسین سیب‌سرخی. ولی محرم امسال رشد توجه به جواد مقدم یک مداح پرمخاطب ولی غیرسیاسی و خارج از چرخه جریان‌های مداحی رسمی یا مثلا توجه به حسین سوده جالب توجه بود. این طور هم نبود که همه مداحانی که به آن‌ها توجه شود غیرسیاسی باشند. مثلا محبوبیت مهدی رسولی هم بنا به آمارهای گوگل در حال رشد بوده است و به طور کلی محبوبیت نواهای ترکی و البته که در میان این نام‌ها اسمی مثل منصور ارضی غایب بود. مداحی که بزرگ همه این مداحان حساب می‌شود ولی نه امسال و نه تقریبا هیچ سال دیگری اثری از او در ترندهای فضای مجازی نیست چون مخاطبین او، مخاطبین حقیقی و دور از فضای اینترنتی هستند.

مرداد
ناصر زینعلی
جنون تمام نشدنی تکرار یک گوشواره تکراری برای وایرال شدن

فکر می‌کنید در واپسین روزهای تابستان امسال چه محتوایی در اینستاگرام به اندازه نیمی از کل جمعیت بالغ این مملکت بازدید داشته است؟ فکر نمی‌کنم بتوانید به درستی حدس بزنید چون بسیار دشوار است که کسی بتواند بگوید که پسر کرد به رهبری یک رهبر به نام مطلع یعقوبی می‌توانند در حالی که در یک جمع مجردی پسرانه نشسته‌اند و جلویشان کالیاس و گوجه و خیارشور و سیگار است می‌توانند با زدن روی یک قابلمه و خواندن پشت سر هم چند شعر رپ و پاپ ۳۷ میلیون بازدید بگیرند. ولی خب این اتفاق افتاده است و حالا صلاح یعقوبی که بیش از هر چیز با مطلع آن رمیکس قابلمه‌ای یعنی «الو به یه تو صندوق کیلو کیلو جسمه» شناخته می‌شود در اینستاگرامش حدود ۵۲۰ هزار دنبال‌کننده دارد.
این می‌تواند نمادی دیگر باشد از ارتقای سنگین برند کردستان ایران در پس رویدادهای سال ۱۴۰۱ و از سوی دیگر نمادی باشد از ادمهایی که درپدر استعدادهای تازه و رویکردهای نوین هستند و حاضرند به بهای تازگی، از استودیوهای میلیاردی دست بکشند تا ویدئوی روی قابلمه زدن یک پسر به ظاهر مبتذلی را تماشا کنند. اگر آن پسر نشان دهد که در کار خود حرفه‌ای است و البته جالب اینکه محتواهای دیگر لطیف یعقوبی و دوستانش که همین زمینه موسیقی گروهی آماتوری را داشته هم خوب دیده شده خلاف کلیپ‌های ظاهر طنزی که او در اینستاگرام خود می‌سازد.

شهریور
معجزه ۳۷ میلیونی قابلمه و فرش گلی و قاب کج دوربین

سه پسر کرد به رهبری یک رهبر به نام مطلع یعقوبی می‌توانند در حالی که در یک جمع مجردی پسرانه نشسته‌اند و جلویشان کالیاس و گوجه و خیارشور و سیگار است می‌توانند با زدن روی یک قابلمه و خواندن پشت سر هم چند شعر رپ و پاپ ۳۷ میلیون بازدید بگیرند. ولی خب این اتفاق افتاده است و حالا صلاح یعقوبی که بیش از هر چیز با مطلع آن رمیکس قابلمه‌ای یعنی «الو به یه تو صندوق کیلو کیلو جسمه» شناخته می‌شود در اینستاگرامش حدود ۵۲۰ هزار دنبال‌کننده دارد.
این می‌تواند نمادی دیگر باشد از ارتقای سنگین برند کردستان ایران در پس رویدادهای سال ۱۴۰۱ و از سوی دیگر نمادی باشد از ادمهایی که درپدر استعدادهای تازه و رویکردهای نوین هستند و حاضرند به بهای تازگی، از استودیوهای میلیاردی دست بکشند تا ویدئوی روی قابلمه زدن یک پسر به ظاهر مبتذلی را تماشا کنند. اگر آن پسر نشان دهد که در کار خود حرفه‌ای است و البته جالب اینکه محتواهای دیگر لطیف یعقوبی و دوستانش که همین زمینه موسیقی گروهی آماتوری را داشته هم خوب دیده شده خلاف کلیپ‌های ظاهر طنزی که او در اینستاگرام خود می‌سازد.

مهر
سرگردانی میان یاری که دل به یکی می‌دهد یا یاری که بی‌معرفت است

موسیقی پاپ ایران هنوز سرگردان است میان افراط و تفریط در رابطه با معشوق ولی جالب این است که برخلاف فضای حقوقی و اقتصادی که در آن مردان مسلط هستند در تصویرسازی موسیقی پاپ ایرانی از زن، اوست که مسلط است بر رابطه و هر کار دوست دارد می‌کند. نشانه‌ای در دو آهنگی که در ابتدای پاییز تند شده است.
آهنگ نخست آهنگی بود در سبک واسوخت. همان سبکی که در آن می‌توان به معشوق طعن و ناله و نفرین نثار کرد. نامش بود «نیویس بی‌معرفت» و اثر خوانندهای بود بیرون از مرکز به نام اصغر علیزاده. این هم البته نوعی ترند است که نواهای محلی مورد توجه قرار بگیرد به جای نواهایی با صدای فارسی با لهجه مرکز و تهران.
آهنگ دوم را اما سهراب پاکزاد خوانده بود. یک خواننده جوان که از یک «دختر چشم و ابرو مشکی» می‌گفت که دل به هیچ کس نمی‌داد. اگر علیزاده تا اتنهای حظ عشق و عاشقی رفته بود و به جایی نرسیده بود؛ پاکزاد همان ابتدا مانده بود و دچار استیصال شده بود: از یاری که هیچ نگاهی به او ندارد و جالب اینکه همه این ترندها وقتی اتفاق افتاده بود که منطقه می‌جوشید از تعدد و تکثر تحولات ولی حب جامعه ظاهرا تصمیم گرفته بود مسیر دیگری را در مصرف موسیقی خود بپیماید.

آبان
محسن لرستانی
آنکه هنوز هم می‌تواند سرعت شوتی‌ها را زیاد کند

جامعه ایرانی تا زمانی که مرتضی پاشایی زنده بود چندان توجهی به حجم و عمق مخاطب مرتضی پاشایی نداشت و به نظر می‌رسد که همین اشتباه را دارد در مورد محسن لرستانی می‌کند. میزان محبوبیتی که او در پیرامون یعنی خارج از شهرهای بزرگ و حوزه اصلی نفوذ موسیقی پاپ و رپ یعنی طبقه متوسط شهری دارد؛ حیرت‌آور است و برای اینکه این موضوع را اثبات کنیم کافی است که به آمارهای گوگل ترند در میانه بهار امسال توجه کنیم. زمانی که محسن لرستانی یک آهنگ جدید بیرون داد و بالاترین میزان رشد جست‌وجو در گوگل در خصوص آهنگ و موسیقی این شد که این آهنگ جدید چیست و چطور می‌شود آن را دانلود کرد.
برای درک پدیده لرستانی البته باید این‌ها را هم در نظر گرفت که لرستانی سال‌هاست که دسترسی به هیچ استیج کنسرت رسمی در این کشور ندارد و فقط در مراسم‌های شهرستان حاضر می‌شود و از آن طرف یک پرونده قضایی نفسگیر را پشت سر گذاشته است و صد البته که جریان رسمی رسانه‌ای کشور هم او و هم آهنگ‌هایش و هم مخاطبینش را با دیده تحقیر نگاه می‌کند و بدون تحمیل زیاده‌خواهی‌اش بر ضد ایران را تسهیل کند. الآن وقت اینکه دکتر پزشکیان شخصا با تماس‌های تلفنی‌اش با سران فرانسه، آلمان، ایتالیا، سوئد، اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی، قدرت دیپلماسی ایران را نشان دهد و از تک-تک سران اروپایی جداگانه دعوت کند برای سفر به ایران و متقابلا رئیس‌جمهور ایران هم به این کشورهای اروپایی سفر کند. آقای پزشکیان شما نباید مدام در کنسرت بمانید. از این فرصت طلایی شکاف بین اروپا و آمریکا استفاده کنید و زمینه سفرتان به اروپا را فورا وزارت خارجه دستگاه دیپلماسی دکتر عراقچی فراهم کند. این سفرهای رئیس‌جمهور به اروپا باز خورد مثبتش در بازارهای ایران شاخص‌های اقتصادی کشور را نشان خواهد داد.

مهر
یک کار دیگر، بیان واقعی این ضرب‌المثل که توبه گرگ مرگ است

ساسان حیدری، پس از آنکه یک پورن‌استار را به موزیک ویدئوی خود آورد خیلی مورد نقد قرار گرفت که تو چرا اصلا کاری نمی‌کنی برای کودکان و نوجوانانی که به خاطر ریتمیک بودن این موسیقی، آن را می‌شنوند و مخاطب آن هستند. مثل خیلی چیزهای دیگر این نقد استادانه و وهمه‌پذیر قلبی شد و مسایل فرهنگی - دینی و سیاسی و خب خیلی شنیده نشد. ساسان حیدری با همان ساسی مانکن حالا امسال با ممتدترین رپ و توبه دروغین‌اش آن را پاسخ داده است.
یکی دو ماه قبل از پایان سال، وقتی که او همه سالِه، یک آهنگ بیرون می‌دهد، او شروع کرد با مداحی گریه کردن و خالی کردن شیشه‌های مشروب و... عاقلان خیلی سریع فهمیدند که با یک پروژه مارکتینگ روبه‌رو هستند ولی عجیب اینکه در میان مذهبی‌ها کسانی بودند که به این نمایش دل بستند. نمایشی که در انتهای آن ساسان حیدری یک دقیقه از توبه خواند و به مخاطب گفت آن را برای کودکانشان بخش کنند و بعد یک موزیک ویدئو ساخت که به نوشته خودش مثبت ۱۲ است. حالا باز هم آقایان و خانم‌های فرهنگی کلی مطلب تولید خواهند کرد درباره مقابله با این موج ضدفرهنگی ولی در نهایت جز کلی حرف گل درشت چیزی از آن بیرون نخواهد آمد چون دوستان به حداقل‌ها یعنی حمایت از کودکان و نوجوانان که راضی نیستند؛ دوست دارند اول مسیر را که گرفتند تا آن آخر هم بروند!

اسفند
یک بار دیگر، بیان واقعی این ضرب‌المثل که توبه گرگ مرگ است

ساسان حیدری، پس از آنکه یک پورن‌استار را به موزیک ویدئوی خود آورد خیلی مورد نقد قرار گرفت که تو چرا اصلا کاری نمی‌کنی برای کودکان و نوجوانانی که به خاطر ریتمیک بودن این موسیقی، آن را می‌شنوند و مخاطب آن هستند. مثل خیلی چیزهای دیگر این نقد استادانه و وهمه‌پذیر قلبی شد و مسایل فرهنگی - دینی و سیاسی و خب خیلی شنیده نشد. ساسان حیدری با همان ساسی مانکن حالا امسال با ممتدترین رپ و توبه دروغین‌اش آن را پاسخ داده است.
یکی دو ماه قبل از پایان سال، وقتی که او همه سالِه، یک آهنگ بیرون می‌دهد، او شروع کرد با مداحی گریه کردن و خالی کردن شیشه‌های مشروب و... عاقلان خیلی سریع فهمیدند که با یک پروژه مارکتینگ روبه‌رو هستند ولی عجیب اینکه در میان مذهبی‌ها کسانی بودند که به این نمایش دل بستند. نمایشی که در انتهای آن ساسان حیدری یک دقیقه از توبه خواند و به مخاطب گفت آن را برای کودکانشان بخش کنند و بعد یک موزیک ویدئو ساخت که به نوشته خودش مثبت ۱۲ است. حالا باز هم آقایان و خانم‌های فرهنگی کلی مطلب تولید خواهند کرد درباره مقابله با این موج ضدفرهنگی ولی در نهایت جز کلی حرف گل درشت چیزی از آن بیرون نخواهد آمد چون دوستان به حداقل‌ها یعنی حمایت از کودکان و نوجوانان که راضی نیستند؛ دوست دارند اول مسیر را که گرفتند تا آن آخر هم بروند!

جهان به این بزرگی و بازم هیچکس تورو دوست نداره

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیت‌های کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و در دل تحسینتان می‌کنند.

- چند وقت پیش یکی بهم گفت خوش به حالت تو که مشکل نداری. به لحظه یاد این بیت از جناب امیرخسرو دهلوی افتادم که می‌گه: هر شب از سینه من تیر بلا می‌گذرد / تو چه دانی که برین سینه چها می‌گذرد؟ / درآمدمون که زیاد نمیشه، کاش حداقل تعداد روزهای ماهرو کمتر کنن.
- فکر کنم بهترین قسمت مهاجرت همون لحظه‌ای که ویسرا رو می‌گیری، در ادامه‌ش هیچ اتفاقی نمی‌افته که اونقدر خوشحالت کنه.
- صبح همگی بخیر مخصوصا اونایی که نمی‌ذارن احساس امروزشون روی سرنوشت پنج سال دیگه‌شون تاثیر بذاره.
- طب سنتی‌ام اینجوریه که فارغ از نوع و شدت درد و بیماری، هرچی علوفه خشک شده تو خونه پیدا میشه رو بریز تو آب جوش «عسل، ایشالا درست میشه.
- منو برگردونید زمانی که بـرای جوونه زدن لوبیای کلاس علوم ذوق می‌کردیم.
- کاش توی ویدئوهای آشـپزی علاوه بر اینکه یک هیات بزرگ ۱۰۰ نفره به فرانسه می‌تواند آمریکا را از مواضعش نسبت به ایران وادار به عقب‌نشینی کند و شرایط مذاکره بدون تهدید و بدون تحمیل زیاده‌خواهی‌اش بر ضد ایران صداش میکنه.
- **فردا:** مامان بزرگم به من می‌گه نرجس، حالا اسم من چیه؟ / **کاف الف:** قبـلا گفتم بهتون کـه مامان بزرگم مازیار رو ماست‌خیار صدا می‌کنه؟
- **سمیه:** به بابابزرگم گفتن تو رو نبـت احوال اسم بچه هم نداست. بابابزرگم میره اونجا اسمم یادش میره او اون وقتا هم تلفن نداشت کلی. خلاصه به مسئولش میگه اسـم بچه یادم رفت. الان جـی میـدارن؟ اونم میگه بسمه مد شده. اونم می‌گه همین‌رو بنویس. و اینگوله شد که سمیه شدم.
- **ماهی:** به فامیل داریم اسـم بچه‌ش رو گذاشته آرنیکا. مامان‌بزرگش اسم کاتیا صدا می‌کنه.
- **مهسا:** اسم دختر عموم نازنینه، بابابزرگم واز این کل بچه‌های پارک هم دلفین صداش می‌کردن.
- **فروغ نفرخزاد:** مادربزرگ منم متعجب و شاکی گفت: فلانی اسم دخترش رو گذاشته مسنانه، آخه کی همچنین اسمی میذاره برای بچه‌ش. پرسیدن مشکل اسم چیه؟ گفت: وا، مثلا میگن مسنانه‌م سنگ داره، زشته.
- **نسن:** مادربزرگ ما به ترنم میگه تورم.
- **فرفی:** نـوه عموی من اسـمش وپهان هسـت. مامان‌بزرگم لیوان صداش می‌کرد.
- **ناگر:** بابابزرگم موقع خونـدن اذان تو گوش دختر‌ایمیم به جای نیوشـا گفته نوشـابه و به حتی لحظه هم مکث نکرده.
- **میلو:** خیلی ربطی نداره اینی که می‌خوام بگم ولی به ما بطوطی داشتیم به اسـم جیکا. اما نمی‌دونم چرا خدایـامرز مامان بزرگم صداش می‌کرد مازیار.
- **مل:** حالا اینهایی که شما می‌گید اکثرا سن‌شون بالا بوده نمیشه بهشون خرده گرفت. بابای من وقتی ۴۵ سـالش بود به دوست من که اسـمش سایا بود می‌گفت سانتافه.
- **آه:** اسم من رو گذاشتن باس، یکی از پسرزن‌های فامیل اسمم رو پرسید و بعد از اینکه مامانم اسمم رو بهش گفت، پسرزنه برگشت گفت بیار شد اسم؟
- **سـعید دولتی:** اسـم دختر من خورشـید. بعد مامان‌بزرگم خیلی مفهومی حفظ کرده این اسم رو، هر سری بهش میگه آفتاب.
- **مهسا:** اسم دختر عموم نازنینه، بابابزرگم واز این صفحه‌ی ۹۰۹۱۲۲۰۲ : مش‌ابیرام، بزرگمر قلم. دیشب خواب دیدم اسـتقلال و پـرسپولیس در فینال پادشاه‌های آسیا به هم خوردن. لطفا برام تعبیر کنید. با مرسی فراوان. (بسرحاج احمد از تهران)
- خواب دیدی خیر باشه! شب چی خورده بودی پسـر حاجی؟ من خودم پریشـب، یک خفتی کردم خوراک لوبیاچیتی خوردم، آقا خواب دیدم که تیمم ماشین‌سازی قهرمان جام کونکاکاف شد. من هم رام تو جام طلایی، آب معدنی و ماءالشعیر می‌خورم. صبح مامانم گفت خجالت نمی‌کشی؟ از چی خجالت بکشم رز؟ ۹۲۲۰۴۲ : تغییـر قیمـت بنزیـن در سال ۱۴۰۴ طبق برآوردها به شدت غیرقابل تحمل و عملا منتفی است. گرده مردم شکسته. افزایش قیمت بنزین یعنی فروپاشـی علنـی اقتصاد و زندگی مردم. از ترندنـه‌ای رشـته دوقفلی کردن جامعه غنی و فقیر اسـتفاده نکنید. اتفاقا خودروهای وارداتی خارجی بسیار کم‌مصرفند.
- آقا تورو خدا بـه این کفترمون، به خودروی وارداتی خارجـی کم‌مصرف بدید، بره زندگی‌شو بکنه.
- ۹۳۳۲۲۴ : آقـای خوشـخو. امام‌علی(ع) می‌فرماید فرصت‌ها مانند ابرهای بالای سـر در حال فرارند. یادتان است دوبار مرحوم اله شیـنزو اعدام ایران؟ الان ارزش پول کشـور ظرف سه ماه، نصف شده.
- ارزش پول کشـور بـه چه دردی می‌خورد؟ ارزش پول من که تو جیبمه!
- بوی ادا و «در دنیای تو سـاعت چند اسـت؟» و «صبر می‌کنم، صبر نکنم چی کار کنم؟» گرفته. عشق می‌کنم.
- بابـام رفت رو ترازو عدد رو واسـش خوندم گفت حرف صلت نزن.
- اگه گفتید چی برای صبحانه بهتر از یک تکه پیتزای سرده؟ آفرین! دو تیکه پیتزای سرد.
- ظرف تو این سـگ سـرما یا به تیشرت میاد بیرون. معلوم نیسـت واکسـن آنفولانزا زده، بدنسازه یا اسکل؟
- دوسـتم ۴تا بلیت کنسرت داشته و کسی نبوده باهاش بره، راننده اسنپ و دوستاشو برده.
- ما از خانواده پدریم فقط بـا بابام رفت و آمد داریم.
- جدی روابط انسـانی خیلی پیچیده شـدن. یعنی چی قصدم ازدواج نیست؟ تو خودت عکس منو لایک کردی.
- قطعا یکی از همـدگذاری‌های سـال جدیدم این خواهد بـود که بتونـم روی محتواهایی که بیشتر از ۶۰ ثانیه زمان لازم دارن هم تمرکز کنم.
- دنیا به اندازه کافی زشـت و غیرقابل تحمل شده حالا ماهم این وسط نه پول داریم نه پفل.
- تا حالا ندیدم به پولدار بیاد بگه لباسام به کل زندگیت می‌ارزه.
- هرکـی ایـن حرفـو زده رسـما بـه گـذراده بیاون‌نشین بوده.
- این دل بـه دل راه داره واقعا خوب گفتنا. از یکی که بدم بیاد بعـدش می‌فهمم اونم از من متنفره. از یکی هم انرژی مثبت بگیرم می‌فهمم که اونم همینه.
- این قضیه‌ای که هی تند تند نشیه میشه هم اصلا جالب نیست به‌نظرم.
- شما وقتی پاتو می‌ذاری به مکان عمومی تازه می‌فهمی چقدر انسان متمدن کم داریم.
- کاش پنج ضلعی بودیم، بی‌خواب که می‌شدیم کلی می‌نوشتیم از این ضلع به این ضلع بشیم.
- کدوم اسکلی اولین بار تصمیم گرفت زیونشو بیاره بیرون بذاره لای دندونهاش بگه #h مریض روانی کلی ادمو سرویس کردی!
- پدر و مادرتان از آنچه در ویدئوکال می‌بینید پیرتر شده‌اند.
- جهان به ایـن بزرگی و بـازم هیچکس تورو دوست نداره.
- ادم حسـابی بودن به پوشـیدن لباس برند، ماشین گروون، شمـل شـیم زندگی کردن، لوازم گورقیمـت و خارجی حرفـزدن نیست به خدا! ادبه، شـخصیته، ادم امن بودنه، محترم بودنه، حرف دهنت‌رو فهمیدنه، فروتن بودنه.
- تهش تنهایی زورم به همه‌چی می‌رسـه ولی دروغ چرا؟ دلم نمی‌خواسـت تنهایـی از پس همه‌چی بربیام.
- حرفای دلتون رو به زیـون بیارید، آدما علم غیب ندارن.
- کاش برگردم به اون دورانی که دو روز خردوق بودم واسـه اینکه دیدم یانگوم حس چشایشش بر گشته.
- تو تهران وقتی بـارون میاد به جـای اینکه خوشحال بشیم همه میگن «ای بابااا یه بدبختی دیگه به بدبختیامون اضافه شـد و امروز باید به جای ۱ ساعت و نیم تو ترافیک موندن، ۳ ساعت تو ترافیک بمونیم»
- از من نپرسید «دیگه چه خبر؟»
هیچی واقعا هیچی، همون خبری که دیروز بود امروزم هست.
- دیروز رفتم تو chat gpt تایپ کردم «زن چه می‌خواهد؟» بعد از ۲۰ دقیقه پاسـخ داد: «ما همچنان در حـال جمع‌آوری اطلاعات هستیم»
- به دانشـجوی پزشـکی میره پمپ بنزین به متصدی میگـه باکـرو پر کن، یـارو میگه آزاد؟ میگه نه، پزشکی شهید بهشتی.
- یارو رنگ زد فروشگاه به خاطر رفتار زشتم به خودم شکایت کرد، من هم قول رسیدگی دادم.
- بهتر و گروننر و مدل بالاتر بخرین، اینجوری هم بالکلاس‌تر و هـم درزدیدنش برای مـا کیف‌قایلا به‌صرفه‌س.
- دلم یول‌ادا‌ورده می‌خواد. با پول زحمتکشی نمی‌شه اشغال خرید.
- من به شدت آدم «گرو بابای عکس، بذار لذت ببرم از تفریحم»ای هستم!
به خاطر همینه هیچ عکس شـیک و قشـنگی ندارم.
- از نظر دختر‌ا این پسـری برندس که صبوره، سایورتیوه‌م داره، نازکشیدن بلده.
- شما اگه می‌دونستی چندتا از همین آدمایی که الان باهات خوبن و تـو روت می‌خندن، جقد منتظرن که دماغـو بمالن به‌خاک یـا از بدفنا رفتنت خوشحالی کنن، اساعه ۹۵ درصد دور و برپاتو می‌ریختی سطل آشغال.
- یه کی کاش مامانم کمتر به بقیه اهمیت می‌داد و بیشتر خودشو اولویت قرار می‌داد.
- رفتیم موزه تو یه جـای تاریخی تو دامنه‌ار، قبل اینکه وارد بشیم، راهنما گفت مراقب باشید سـقف راه پله‌ها کوتاهه. ولی متاسـفانه ما وارد شدیم و دیدیم سقف واسه ما کوتاه نیست!
- دلم یـه خوشـحالی از ته دل می‌خـواد. از این مدل خوشـحالیا کـه زنگ بزنم بـه یقیه و بگم «حدددس ززززن چی شدددد؟» از این مدل خوشحالیا که باورم نشه.
- دیروز رفتم تو chat gpt تایپ کردم «چه می‌خواهد؟» بعد از ۲۰ دقیقه پاسـخ داد: «ما همچنان در حـال جمع‌آوری اطلاعات هستیم»
- به دانشـجوی پزشـکی میره پمپ بنزین به متصدی میگـه باکـرو پر کن، یـارو میگه آزاد؟ میگه نه، پزشکی شهید بهشتی.
- یارو رنگ زد فروشگاه به خاطر رفتار زشتم به خودم شکایت کرد، من هم قول رسیدگی دادم.

پیام‌های برگزیده خوانندگان/ پنجشنبه‌ها/ پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۷

کی زد؟ کی خورد؟ کی بقیه‌شو برد!

آبه شینزو، «موزچین» آفریقایی، فینال آسیا، استاندار گیلان و میرباقری...

- ۹۰۵۶۱۰ : مش‌ابیرام، بزرگمر قلم. دیشب خواب دیدم اسـتقلال و پـرسپولیس در فینال پادشاه‌های آسیا به هم خوردن. لطفا برام تعبیر کنید. با مرسی فراوان. (بسرحاج احمد از تهران)
- خواب دیدی خیر باشه! شب چی خورده بودی پسـر حاجی؟ من خودم پریشـب، یک خفتی کردم خوراک لوبیاچیتی خوردم، آقا خواب دیدم که تیمم ماشین‌سازی قهرمان جام کونکاکاف شد. من هم رام تو جام طلایی، آب معدنی و ماءالشعیر می‌خورم. صبح مامانم گفت خجالت نمی‌کشی؟ از چی خجالت بکشم رز؟
- ۹۲۲۰۴۲ : تغییـر قیمـت بنزیـن در سال ۱۴۰۴ طبق برآوردها به شدت غیرقابل تحمل و عملا منتفی است. گرده مردم شکسته. افزایش قیمت بنزین یعنی فروپاشـی علنـی اقتصاد و زندگی مردم. از ترندنـه‌ای رشـته دوقفلی کردن جامعه غنی و فقیر اسـتفاده نکنید. اتفاقا خودروهای وارداتی خارجی بسیار کم‌مصرفند.
- آقا تورو خدا بـه این کفترمون، به خودروی وارداتی خارجـی کم‌مصرف بدید، بره زندگی‌شو بکنه.
- ۹۳۳۲۲۴ : آقـای خوشـخو. امام‌علی(ع) می‌فرماید فرصت‌ها مانند ابرهای بالای سـر در حال فرارند. یادتان است دوبار مرحوم اله شینزو اعدام ایران؟ الان ارزش پول کشـور ظرف سه ماه، نصف شده.
- ارزش پول کشـور بـه چه دردی می‌خورد؟ ارزش پول من که تو جیبمه!
- ۹۱۲۲۰۲ : گزارش آقای آرش‌خان خوشخو چهار صفحه از روزنامه رو بدون سرومـدا غیب کردی، زیرسیلی رد کردیم رفت. حالا هم که هر روز یک و نیم صفحه حداقل آقای براهون چاپ می‌کنی. والا بهتر بـود روزنامـه‌رو گروننـر می‌کردی. اونجوری دردش کمتر بود! نبود؟
- بستگی داره درد کجا باش

موزه آبگینه (خانه قوام‌السلطنه)

عباس عربی، تهران‌شناس | احمد قوام‌السلطنه (قوام) فردی شناخته شده، مشهور و تاثیرگذار در سپهر سیاسی ایران طی یکصد سال گذشته است. در اواخر عهد قاجار و زمانی که قوام‌السلطنه در حال طی کردن پله‌های ترقی در عالم سیاست بود، از معمار مشهور آن زمان استاد علی محمد معمارباشی خواست تا در وسط باغی بزرگ و در خیابانی که بعدها به نام خود او قوام‌السلطنه (سی تیر فعلی) نامیده شد، عمارت و دفتر کاری برایش بسازد. علی محمد معمارباشی از جمله معمارانی بود که بناهای ارزشمندی در تهران ساخت که از آن جمله می‌توان به عمارت تیمورتاش، عمارت سردار اسعدبختیاری و ... اشاره کرد. قوام حدودا ۳۰ سال در این عمارت اقامت داشت. گفته می‌شود بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ عمارت فوق دفتر و محل اقامت وی بوده است. جایی که در حال حاضر مبدل به موزه آبگینه شده، در واقع دفتر کار شخص قوام و در مقطعی عمارت بیرونی بوده است. علی‌محمد معمارباشی در ساخت این عمارت همچون برخی دیگر از بناهایی که طراحی کرد، ترکیبی از معماری ایرانی و فرنگی را به کار برد که این موضوع بر زیبایی کار او افزوده است. زمانی که ستاره حضرت اشرف (لقب قوام) به واسطه وقایع ۳۰ تیر رو به افول می‌گذاشت، اموال او به حکم مجلس هفدهم مصادره شد. احمد قوام در سال ۱۳۳۴ از دنیا رفت، عمارت او ابتدا به سفارت مصر واگذار شد، هنوز هم در موزه آبگینه یادگارهای دورانی که آنجا سفارت مصر بوده است را می‌توان مشاهده کرد، از جمله گچبری‌هایی که به شکل نماد سلطنتی مصر و پرچم مصر طراحی شده، یادگار همان دوران است. با روی کار آمدن جمال عبدالناصر در مصر، روابط ایران و مصر به تیرگی گرایید، این موضوع باعث تعطیلی سفارت مصر در ایران شد در نتیجه بعد از مدتی عمارت قوام به کشور افغانستان واگذار شد تا آنجا را مبدل به سفارت کشور خود کند. اندکی بعد نیز این عمارت به بانک بازرگانی واگذار شد. دفتر فرح پهلوی در نیمه دهه ۵۰ شمسی عمارت فوق را خرید و قرار بر این شد تا در آنجا موزه‌ای برپا شود. در این زمان از هانس هولین طراح و معمار برجسته خواسته شد تا طراحی موزه فوق را برعهده گیرد. هانس هولین نیز با بهره‌گیری از فرهنگ و هنر ایرانی طراحی تالارها و ویترین‌های موزه را برعهده گرفت، بدین ترتیب دفتر کار و بخش بیرونی خانه قوام مبدل به موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران شد. تالار مینا، تالار بلور و تالار سمعی و بصری در طبقه اول است؛ طبقه دوم هم شامل تالار صدف، تالار لاجورد و تالار زرین می‌شود. علاوه بر تالارهای فوق، در زیرزمین عمارت حوضخانه بنا قرار دارد که در ساخت آن همچون حوضخانه عمارت تیمورتاش از کاشیکاری‌های زیبا با موضوع تاریخ اساطیری ایران بهره گرفته شده است. هولین در طبقه اول موزه با الهام از ابنیه باستانی تاریخ ایران، دکورهایی شبیه کعبه زرتشت، کاخ تچر و ستون‌های تخت جمشید طراحی کرده است. در این قسمت اشیایی از دوران کهن تاریخ ایران از جمله سفالینه‌ها و عطردان‌های شیشه‌ای نگهداری می‌شود که نشان از اهمیت آراستگی و استفاده از عطر توسط مردمان ایران زمین طی هزاره‌های تاریخی این مرز و بوم دارد. برخی به هانس هولین به خاطر ویترین‌هایی که طراحی کرده نقد وارد می‌کنند که طراحی این ویترین‌ها به گونه‌ای است که بیننده از دیدن اشیای موجود در موزه غافل شده و توجهش به ویترین‌های زیبای این موزه جلب می‌شود. این موضوع را می‌توان هم ناشی از توانایی هولین در طراحی داخلی موزه دانست و هم نشان از ضعفی که باعث می‌شود اذهان مخاطبان بیش از آنکه جلب آثار برجسته موزه شود، به ویترین‌های موزه جلب می‌شود. طبقه دوم این موزه هم بیشتر آثار دوران اسلامی از جمله آثاری در زمینه پزشکی کهن ایران و همچنین سفالینه‌های ارزشمند و زیبایی از دوران سلجوقی تا قاجار نگهداری می‌شود. هولین در این طبقه نیز توجه خاصی به معماری ایرانی داشته است، چنان که در طراحی ویترین مربوط به آثار دوران ایلخانی، با عنایت به معماری این دوران و همچنین فرهنگ چادرنشینی مغول‌ها، ویترین فوق را با الگو گرفتن از چادرهای مغولان طراحی کرد. در کل در موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران، هزاران قطعه سفال، شیشه، بلور و اشیای گرانبهای دیگر نگهداری می‌شود که هر کدام شناسنامه هنری ادوار مختلف تاریخ ایران است. این موزه از جمله موزه‌های اصلی تهران و ایران محسوب می‌شود که هر سال هزاران نفر از آن بازدید می‌کنند. یادآوری این نکته ضروری است که قوام در این باغ دو عمارت روبه‌روی هم ساخت که به شرح دفتر کار و بخش بیرونی آن (موزه آبگینه) اشاره شد. بخش اندرونی نیز ابتدا مبدل به فرهنگسرای نوبهار شد و در حال حاضر بنیاد سینمایی فارابی در آن مستقر شده است.

قاب

فلوت‌نواز مشهور در کنار ترانه‌سرای معروف - دهه ۵۰؛ عمادالدین رام (۱۱ اسفند ۱۳۰۹ – ۳ خرداد ۱۳۸۲) موسیقیدان، آهنگساز، خواننده و ترانه‌سرای ایرانی بود. رام در هفتم مهر ۱۳۴۳ با خانمی به نام فلور صدودی ازدواج کرد و صاحب سه فرزند به نام‌های گویا، آهنگ و ملودی شد. عماد رام در یادگیری از استادانی چون حسن رادمرد، خادم میثاق و نورعلی برومند به آموختن سلفژ و دیکته موسیقی پرداخت. عماد رام سرانجام در ۳ خرداد ۱۳۸۲ در آلمان درگذشت و در گورستان نوردفریدهوف به خاک سپرده شد. اما معینی کرمانشاهی در سال ۱۳۰۱ در کرمانشاه دیده به دنیا آمد. پدرش کریم معینی، ملقب به سالارمعظم بود. معینی کرمانشاهی سال ۱۳۳۷ با عشرت عطوفی ازدواج کرد و صاحب ۵ فرزند به نام‌های شیرین، حسین، نوشین، مریم و فرهاد شد. عشرت عطوفی در ۱۴ تیر ۱۳۹۲ درگذشت. او از سال ۱۳۲۰ به کار نقاشی پرداخت و تابلوهایی نیز از خود به یادگار گذاشت که از جمله تابلوی مسیح با کار سیاه قلم است و در ضمن کارهای نقاشی به نظم شعر می‌پرداخت و قسمتی از آثار ادبی و اجتماعی او در روزنامه سلحشوران غرب به چاپ رسید و داستان اختر و منوچهر را در چهار تابلو به رشته نظم کشید و در آن حقایقی از اجتماع زمان را مجسم کرد. رحیم معینی کرمانشاهی ۲۶ آبان ۱۳۹۴ در سن ۹۲ سالگی در تهران درگذشت.

۷ قاب مشاهیر ۲

قاب نوستالژی ۱
میدان تجریش تهران - سال ۱۳۸۲
(عکس: ساسان توکلی)

مرتضی کلیلی

قاب مشاهیر ۱

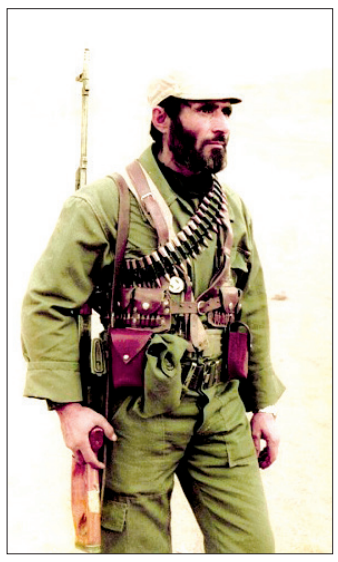

تک تیراندازی که صدام را کلافه کرده بود؛ گردان تک‌نفره صدایش می‌کردند. این لقب را فرمانده‌اش شهید خرازی به او داده بود و همیشه می‌گفت بعد از توکل به خدا و اهل‌بیت(ع)، امیدم به دستان عبدالرسول است. شهید عبدالرسول زرین اعجوبه بود برای خودش تا جایی که صدام برای پیدا کردن او بهترین تک‌تیراندازهای دنیا را اجیر کرده و میان بعثی‌ها به «صیاد خمینی» معروف شده بود. زرین در مدت حدود ۴ سال حضورش در جبهه‌ها بیش از ۳ هزار تیر شلیک کرد. معتقد بود تیرها از بیت‌المال تهیه می‌شود و نباید خطا رود. عبدالرسول زرین در ۵ مرداد ۱۳۱۵ در یکی از روستاهای توابع شهرستان کهگیلویه (دهدشت) متولد شد. زرین در حد خواندن و نوشتن سواد داشت. او به‌عنوان پاسدار وارد جبهه شد. او بی‌شک یکی از بهترین تک‌تیراندازان لشکر بود. در مرحله سوم عملیات والفجر ۴ همه عراقی‌ها را زمینگیر کرد و به هلاکت رساند. در عملیات طریق‌القدس، هنگام شلیک به‌طرف تک‌تیرانداز دشمن، گلوله‌ای به گوش وی اصابت کرد؛ اما خم به ابرو نیاورد و همچنان به کارش ادامه داد. عبدالرسول زرین در عملیات فتح‌المبین نیز نقش بسزایی داشت و به‌عنوان تک‌تیرانداز، رعب و وحشتی وصف‌ناپذیر در دل نیروهای دشمن انداخته و بسیاری از آنها را کشته بود. چند روز پس از عملیات، حسین خرازی در میان جمعی برخاست و درحالی که دستش در دست زرین بود؛ چند بار با دست چپ به بازوی او زد و گفت: «تو چه کار کردی‌ای شکارچی! آفرین که برای عزت اسلام، این‌جوری فداکاری می‌کنی!» سپس رو کرد به بچه‌ها و ادامه داد: «بچه‌ها آقای زرین لطف خدا در میان شماست.» ولی آن مرد میانسال، درحالی که با چشمانش بیش از لبانش می‌خندید، چند ثانیه سرش را پایین انداخت، سپس رو کرد به خرازی و گفت: «ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی.» او سرانجام در ۱۱ اسفند ۱۳۶۲ در جزایر مجنون به دیدار حق شتافت. «استاد شلیک‌های طلایی»، «صیاد خمینی» و «گردان تک نفره» لقب‌های دیگر این تک‌تیرانداز ایرانی است.

۸ قاب نوستالژی ۲

داغ‌ترین شب عید تهران؛ سفارش ۳۰۰ هزار دست لباس به خیاط‌ها! قبل از آنکه پوشیدن لباس‌های حاضری و صرف پوشاک برندهای جهانی در ایران رایج شود، لباس اغلب مردم ایران توسط خیاطخانه‌ها و دوزندگی‌ها دوخته می‌شد. روزنامه اطلاعات ۳ اسفند ۱۳۴۳ گزارشی از وضعیت خیاطخانه‌های تهران در شب عید منتشر کرد. «عید نوروز نزدیک است و بیش از یک ماه با سال نو فاصله نداریم و به همین علت پارچه و لباس در آستانه عید نوروز دو مسئله روز برای مردم است و بازار پارچه فروش‌ها و خیاط خانه‌ها در این روزها رونق دارد و مغازه‌های پارچه‌فروشی و خیاطی‌ها پر مشتری است. آقای سلوک، خیاط تهرانی می‌گوید: امسال وضع خیاطی‌ها بد نیست، مردم لباس می‌آورند و سفارش می‌دهند ولی کار رونق سال‌های گذشته را ندارد. آقای دانشمند خیاط دیگر می‌گوید: زندگی در حال گذشتن است. اگر قرار بر این بود که همیشه در یک حال بماند، آن وقت نمی‌شد تحمل کرد. به همین دلیل اگر کار و کسب یک سال خوب است و یک سال بد برای خیاط‌ها آنقدر مهم نیست. اجرت دوخت اجرت دوختن یکدست لباس (کت و شلوار) در مرکز شهر از ۱۵۰۰ الی ۴۵۰۰ ریال است ولی در جنوب شهر خیاطی‌ها با ۵۰۰ ریال هم لباس می‌دوزند و این عدد و رقم نشان‌دهنده فاصله زندگی، طرز فکر و روحیات مردم در دو منطقه از یک شهر است. آقای دانشمند می‌گوید: باید کاری کرد که رونق کسب و کار در همه نقاط شهر مشهود شود والا تنها جنب و جوش در لاله‌زار کافی نیست که بگوییم شهر رونقی دارد. در حال حاضر اگر مراجعات هر خیاطی تهران را به‌طور متوسط ۵۰ نفر برای شب عید حساب کنیم، به ۴۵۰۰ خیاطی تهران نزدیک ۳۰۰ هزار دست لباس سفارش داده شده است، البته باید توجه داشت که این لاله‌زار و بازار در خیابان‌های لاله‌زار، استانبول، لاله‌زارنو و بازار تهران در این روزها ازدحام مردم به چشم می‌خورد. صدها نفر به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریخته‌اند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

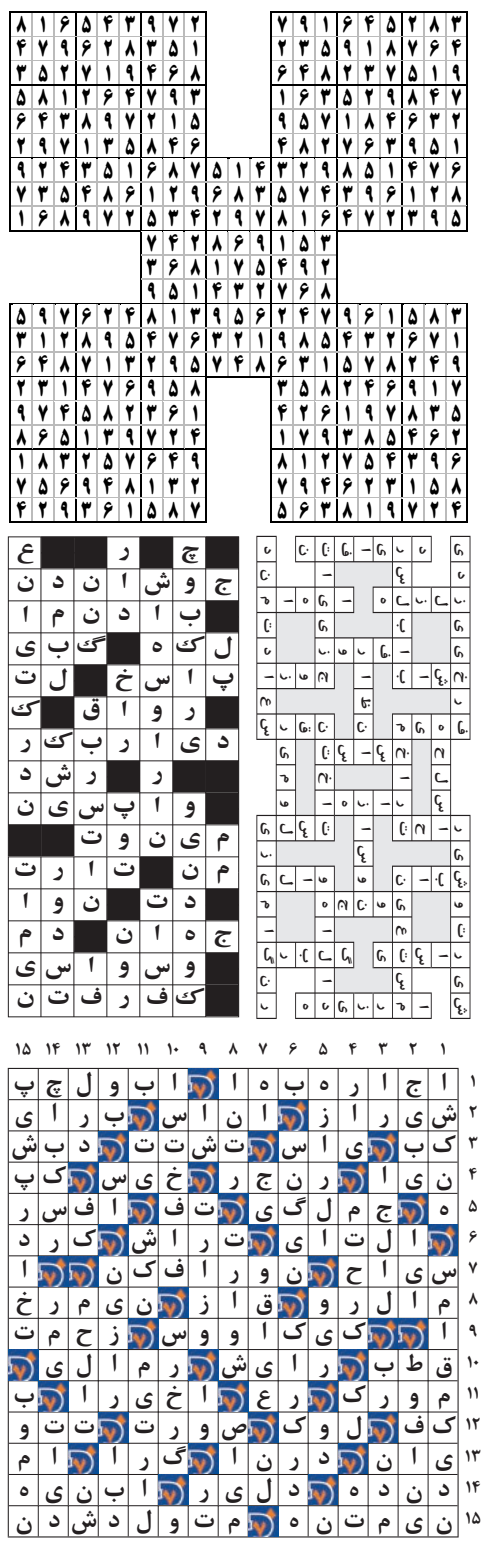

لغت‌یابی

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: دوبی، رینگ، لانه، مربا، منصب، نوین، یافا، یکسر
۵ حرفی: اختری، بادپا، پیغام، ترشرو، تکاپو، حوادث، خرداد، شفاعت، غالبا، مزایا، نوکار، نیامی، یاررس، یاسان
۶ حرفی: اشک آور، تردستی، همکاسه، یاکریم
۷ حرفی: آتش بیار، جهان نما
۸ حرفی: ریاضی‌دان، شنوندگان، صبح اعدام، مثل همیشه

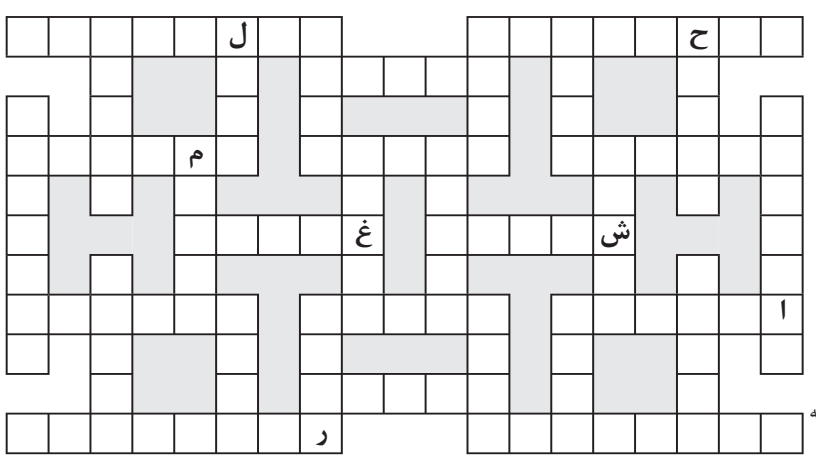

جدول شرح در متن

جدول کلمات متقاطع

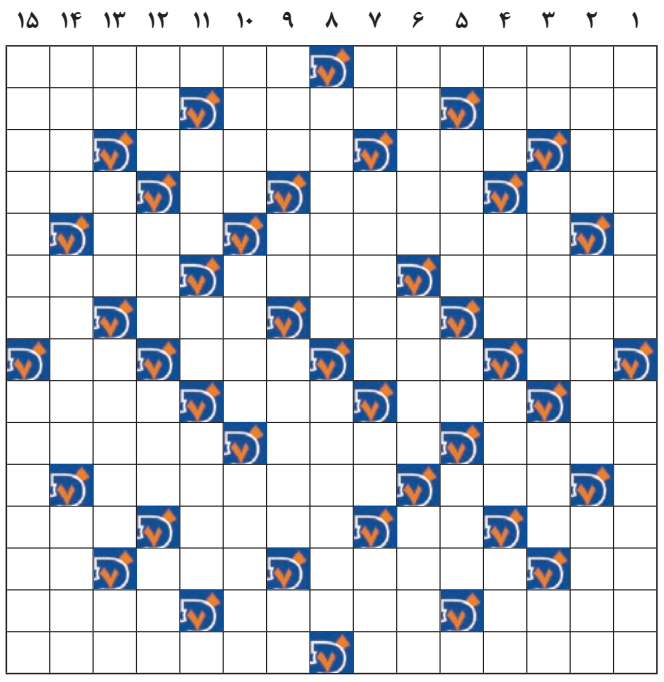

افقی
۱- راسو- ششمین ایالت بزرگ و شانزدهمین ایالت پرجمعیت آمریکاست
۲- کمک رسان- پاکان- صنعتی در ادبیات
۳- کلام معتبر- گذشته- حیرت‌زده- واحد بازی تنیس
۴- سازگاری- ناپدید شدن- دشمن سرسخت- بیهوده
۵- از آثار تاریخی استان تهران- دهان
۶- به حساب آوردن- ثابت و محکم- محصول نخل
۷- پاک- یار خراج!- درک و شعور- آزاده کربلا
۸- دانه خوشبو- منع و بازداشت- ظلم و جور- هم‌بازی کارتونی پت
۹- رودی در ایتالیا- دفینه- ضمیر متصل پیوسته- عقب انداخته
۱۰- کمپ سربازان- امانتدار- فرکانس
۱۱- همراه هرج می‌آید- سندیکا
۱۲- کلام غیرمنظوم- ساز چوپان- دزد و غارتگر راه- کوره آجرپزی
۱۳- محل ورود- هادی الکتریکی- در نجاری زیاد است- از ضمایر انگلیسی
۱۴- رستنی و نبات- نعره- یکتا
۱۵- قطعه‌ای در اتومبیل- شهری در استان خراسان جنوبی

عمودی
۱- از شهرهای استان گلستان- همیشگی و ابدیت
۲- وصف کننده- مهر و موم شده- یکی از صورت‌های فلکی
۳- نمایش- طایفه ها- به‌رو خوابیده- اسب آذری
۴- از حیوانات جنگلی- پول خارجی- قبر- آزاد
۵- خطا- بنده زر خرید- خریدنی از مغازه
۶- گروه فاسد ایتالیایی- گفتنی مبصر سر کلاس- نوعی نارنگی
۷- حرص و طمع - آوانس دادن- شما و من- حرف خوراکی!
۸- دانشگاه معروفی در انگلستان- عنوان بندی
۹- معجزه الهی- عدد نخستین- حادثه- اشاره به دور
۱۰- کوچ کننده- سوراخ کردن- زمان‌ها
۱۱- وسیله احتیاطی اضافی- یار غم- نوعی تنبیه
۱۲- شکنجه و آزار- ترشرویی- از جنس فلز بادیه- درون رگ جاری است
۱۳- خودروی ده نفره- مدت زندگانی- هم عهد و هم پیمان- مجازات شرعی
۱۴- نسب شناس- ثابت و استوار- چیزها
۱۵- بهره وری سیاسی- رشد کردن

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
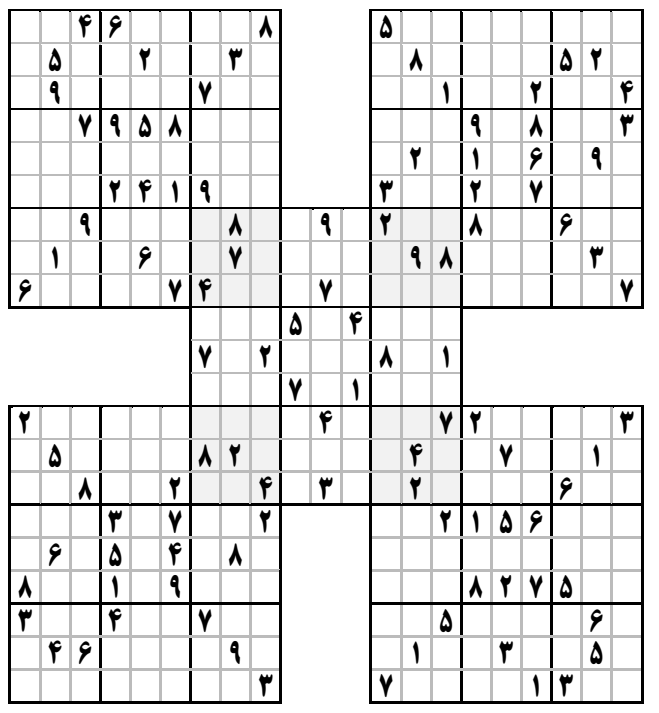
قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.